

دیوان اشعار شیخ احمد بهار

۲۳۸

دیوان اشعار شیخ احمد بهار.
ناشر: مهندس راشد بهار (اشعار به لهجه خراسانی و فارسی و دری).
چاپ اول: ۱۳۷۰.
۲۰۰ ص، ۱۵۰۰ ریال.

این دیوان به قطع وزیری چاپ شده و دارای دو بخش است. بخش اول به لهجه خراسانی (مشهدی)، بخش دوم اشعار فارسی دری. بخش اول که باید به لهجه خراسانی خوانده شود، برای تسهیل در اعراب گذاری با خط نستعلیق نوشته شده است. لغات خراسانی شماره گذاری شده و در زیر صفحات توضیح لازم ارائه گردیده، علاوه بر این در آخر بخش اول «فرهنگ لغات خراسانی» که در این دیوان آمده تهیه گردیده که خواننده می‌تواند به آسانی به آن مراجعه نماید و واژه مورد نظر را پیدا نموده تلفظ و معنی آن را دریابد. همچنین در آخر بخش اول و دوم فهرست نامها و جاها، انجمنها، احزاب و رسانه‌ها که در این دیوان آمده تدوین شده که اطلاعات لازم را به خواننده ارائه می‌دهد. در این قسمت شماره صفحاتی که لغات از آنها نقل شده ذکر نگردیده فهرست لغات به ترتیب الفبا آمده است. در مقدمه، شرح حال شاعر به اختصار آمده و فهرست کاملی از منابع و مآخذ گردآوری شده در این جا باید تذکر داد اشعار شادروان احمد بهار بیش از آن است که در این دیوان آمده اغلب اشعار نامبرده در

روزنامه‌های بهار، نوبهار، چمن، قرن بیستم، خراسان، واداریا و مجله دبستان آمده که نسخه فامیلی آنها به علت مزاحمت مقامات امنیتی وقت معدوم شد. اکنون دسترسی به نسخ آنها که ممکن است در کتابخانه‌ها موجود باشد به آسانی میسر نیست و در چاپهای بعدی باید کوشش کرد کلیه آثار شاعر گردآوری و منتشر شود.

اشعار احمد بهار آئینه‌ای است از افکار آزادیخواهی و مبارزات سیاسی و اجتماعی او برای حفظ استقلال کشور و بهبود وضع اجتماعی هموطنان خود. اشعار او که اغلب به صورت قصیده‌ها، مسمط‌ها، ترکیب‌بندها و ترجیع‌بندها سروده شده حاوی نکات سیاسی و اجتماعی عصر خود بوده و در تهییج و هدایت افکار مردم کشورمان برای مقاومت در مقابل بیگانگان و استقرار حکومت مردم بر مردم نقش اساسی و بنیادی ایفا کرده است. به طوری که ایرج میرزا جلال الممالک پس از انتشار مسمط:

دَاشْ غُلْمُ اَیْنِجِه نِگَاهِ کُنْ مُو کُجَایْمُ تُو کُجَا
تُرکِ اَی جُور و جَفَا کُنْ مُو کُجَایْمُ تُو کُجَا

با اشعار زیر از آن استقبال می‌کند.

دَاشْ غُلْمُ مَرگِ تُو حَظِ کَرْدَمِ اَز اَشعارِ تُو مَن مِتلَذِّ شِدمِ اَز لَذتِ کَفتارِ تُو مَن
آفرینِ کَفتَمِ بَر طَبیعِ گَهریارِ تُو مَن بَهِ خِدا مَاتِ شِدمِ دَر تُو و دَر کارِ تُو مَن
وَصَفِ مَر کَر را کَسِ مِثْلِ تُو بَی پَرده نَگَفت رَفته و دَیده و سَنجیدِه و فَهمیدِه نَگَفت
استاد ادیب نیشابوری اثر اشعار بهار را با یک لشکر مجهز و مسلح برابر می‌داند که در آن موقع - ۱۹۲۱ - کسی یارای هیچگونه اعتراض به قوای متجاوز انگلیس و روس نداشت. خود احمد بهار در یک مضمون به آن اشاره کرده است:

مُو هَموئِمُ کِه اُرُسُ کَفتِ بِلایَه بَزینُ اَنگِلیسِ کَفتِ کِه اَی دُشمنِ مَایَه بَزینُ
اَسْمِ اَی مِینِ کِتابایِ سیایَه بَزینُ مُستَبِدِ کَفتِ کِه اَی دُشمنِ شایَه بَزینُ
بُردنم زَندون و اَلان خُو زَندون مِیینم

زنده‌یاد احمد بهار در روزگار حیات خود، از جمله ریاست کل دفتر دکتر محمد مصدق را در عهده داشت. اشعار سیاسی او در این دوره حاکی از تجلیل او از دکتر مصدق و مبارزان راه آزادی و استقلال و رهایی کشور از سلطه بیگانگان است.

شادروان احمد بهار در نیمروز پنج‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۳۶ در گذشت و در کنار شهدای سی‌ام تیر در ابن بابویه به خاک سپرده شد.

خوابهایم پراز کبوتر و بادبک است

النی سارانیدی

روزنامه‌نگار، منتقد و نویسنده کتابهای

کودکان در یونان



خوابهایم پراز کبوتر و بادبک است.

نوشته: فریدون فریاد

ترجمه: یانیس ریتسوس

نقاشی: لیمونیا آمارانیدیو

انتشارات کدروس - آتن

۲۴۰

دل‌تنگی دوری از وطن. درد. غم و تلخی غربت، در فضا معلق بود. می‌شنیدی که انگار در اطاق، شوق و حسرت بازگشت هر چه زودتر به وطن، بال می‌زند. روز پیش از عید میلاد مسیح بود. در بیرون برف می‌بارید. داخل، گرم و خوب بود. بخاری روشن؛ دوستانِ همدلِ بسیاری گرد هم آمده بودند تا انتشار کتاب «رباعیات خیام»^۱ را به زبان یونانی توسط انتشارات «آدیتون» جشن بگیریم. کتابی به ترجمه دوست برگزیده و نویسنده ممتاز «زوئی والاسی». همه چهره‌ها آشنا و دوست‌داشتنی. اما صدای مرد جوانی که برایمان شعر می‌خواند، صدایی که برای نخستین بار می‌شنیدیم، همچنان که ابیات شاعر و ریاضیدان بزرگ ایرانی را با همان زبان باستانی که در آن متولد شده بودند، به ما می‌شناساند، پرواز می‌کرد - شور می‌آفرید. «این فریدون فریاد است، شاعر، مترجم و نویسنده کتابهای کودکان»، این چنین در گوشم نجوا کردند.

فهمیدم. همین چند روز پیش بود که کتابش را «خوابهایم پراز کبوتر و بادبک است» را

بدست گرفته بودم، کتابی که یانيس ریتسوس، آنهمه زیبا آنرا به زبانمان برگردانده بود، آنرا خوانده بودم. کتابی بیشتر برای بچه‌های بزرگسال. کتابی رزمنده، سرشار از روح مبارزه، شاعرانه و غنایی، طپنده و نفس‌بر، به طرزی فوق‌العاده و استثنایی جالب.

کتابی که از آرزوهای کودکان و رویاهای سخن می‌گوید، از جنگهای کودکان و سنگ‌پرانی و زخمی شدنهای سطحی، از دوچرخه‌ای براق و درخشان سخن می‌گوید که دو برادر کوچک، حسرت داشتندش را می‌خورند اما تحقق این آرزوی معصومانه‌شان امکان‌پذیر نیست و در کتاب همچنین می‌بینیم که چگونه روابط ظریف و دوستیهای استثنایی، به همراه سرسختی‌ها و سماجتهای کودکان در هم ادغام می‌شوند - پدر که غایب است، او خرمشهر ایران را ترک گفته است و برای کارگری به کویت رفته است - سالها پیش - اما راه بازگشت را گم کرده است؛ مادر که شکوه می‌کند، مسئولیت بچه‌ها و بچه‌ها که خود را مسئول احساس می‌کنند. این دو برادر، میلو و الوان، کار می‌کنند، شاگردی و پادویی می‌کنند، از صبح تا شب در بازار می‌دوند، تا آنجایی که از دستشان برآید به خرج خانه کمک می‌کنند، بازی می‌کنند، به مدرسه می‌روند و عاشق کبوترها و بادبادکها هستند:

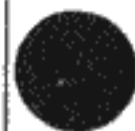
«... بادبادک من زیباترین بادبادک دنیا است. هر روز عصر آنرا هوا می‌کنم و نخش را به چوب خریشته بام می‌بندم. گاهی شبها، برایش فانوسی می‌فرستم. البته اگر باد نباشد و هوا ساکت و شرجی باشد... در این هنگام، بادبادک من در شب مثل ستاره دنباله‌داری می‌درخشد.» اما آن دوچرخه - چه دروغ و حسرتی!

«... دلم می‌خواهد سال دیگر با دوچرخه به مدرسه بروم. کیف و کتابهایم را به باربند دوچرخه‌ام ببندم و خودم شاد و سرمست سوار زین شوم و روی جاده خاکی مدرسه‌مان چون باد پرواز کنم...» رویاها. رویاهای بسیار.

کتابی لطیف - نویسنده، منقلب و برآشفته از جنگ، در درون خود، امید و آرزویش را حمل می‌کند، رویایش را؛ و در «محلله‌های دنیا» به گردش در می‌آید. نقاشیهای لمونیا آمارانیدو، زیبا و چشم‌نواز، با رنگهای گرم، روشن، و کاملاً هماهنگ با سبک و محتوای متن. کتاب مناسب گروههای سنی ۱۱ تا ۱۴ سال است.



۱ - ترجمه برگزیده تازه‌ای از رباعیات خیام به یونانی، از روی متن فرانسه اعتصام‌زاده، با مینیاتورهای استاد حسین بهزاد، در چاپی بسیار نفیس، به همراه متن انگلیسی فیتزجرالد اخیراً در یونان منتشر شده است. در روز عرضه کتاب توسط ناشر «آدیتون» به نمایندگان مطبوعات، در جمعی دوستانه، فریدون فریاد به نقاضای مترجم «رباعیات خیام»، چند رباعی را به زبان فارسی برای حاضرین در جلسه قرائت کرد.



Women in the Muslim World

A Bibliography of Books and Articles, primarily in the English Language.

Compiled by: Herbert Bodman Jr., University of North Carolina Chapel Hill, 1990.

زنان در دنیای اسلام.

فهرست کتب و مقالات به زبان انگلیسی.

گردآوری: هربرت بادمین جونیور، ۱۹۹۰.

کتاب «زنان در دنیای اسلام» شامل فصلهای زیر است: زنان و اسلام، زنان عرب، شمال آفریقا، آفریقای مرکزی، مصر، سودان، سوریه، اردن، فلسطین، شبه جزیره عربستان، ترکیه، ایران، شوروی، جنوب آسیا، جنوب شرقی و مشرق آسیا. در انتهای کتاب فهرست مؤلف و فهرست موضوعی آمده است. اما متأسفانه برای هر مدخل یک شماره داده نشده تا رجوع به نویسنده و منبع به راحتی انجام گیرد. قید صفحه برای مراجعه به مدخل به خصوص وقتی موضوع مطرح است، موجب اتلاف وقت می شود.

فهرست مطالب مربوط به ایران ۱۲ صفحه است. در این فهرست ۵ کتاب، (در مورد ایران و برخی کشورهای دیگر)، ۱۱ کتاب عمدتاً در مورد زنان ایران و ۷۸ مقاله معرفی

شده‌اند. بسیاری از مقالات در کتب مذکور منتشر شده، و بقیه در مجلات و یا کتابهای مربوط به خاورمیانه، دنیای سوم، توسعه و غیره به چاپ رسیده‌اند. بر روی هم ۷۹ نویسنده که ۱۹ نفر آنها مرد و ۶۰ نفر آنان زن بوده‌اند، این مقالات و کتابها را به نگارش درآورده‌اند. (برخی از نویسندگان بیش از یک مقاله نوشته‌اند).

تاریخ نگارش این مقالات از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۹۲ است. سال ۱۹۲۳، سال انتشار کتاب خانم رایس که ترجمه فارسی آن نیز موجود است، می‌باشد. پس از آن تا سال ۱۹۶۰ هیچ نوشته‌ای در مورد زن منتشر نشده است. در سالهای ۱۹۶۰، ۱۹۶۴، ۱۹۶۷، ۱۹۷۴ و ۱۹۷۷ هر سال یک منبع آمده است. از سال ۱۹۷۸ با انتشار ۹ منبع دوره پربار مطالب آغاز می‌گردد. اوج انتشار این نوشته‌جات سالهای ۱۹۸۳ با ۱۹ مدخل، و ۱۹۸۵ با ۱۲ مدخل است. دو کتاب در این دو سال به چاپ می‌رسند که شامل اغلب مقالات ذکر شده هستند. کتابهای ترجمه شده از فارسی به انگلیسی، کتاب خانم بدرالملوک بامداد و کتاب سودشون خانم سیمین دانشور، و فاطمه فاطمه است دکتر شریعتی است. مقالات بسیار و حتی یک کتاب کامل در مورد فروغ فرخزاد به رشته تحریر درآمده است. کتابهای مهم منتشر شده از این قرارند:

Azari, F. *Women of Iran: The Conflict with Fundamentalist Islam*, London, Ithaca Press, 1983.

Fathi, A. *Women and Family in Iran*, Leiden, E. J. Brill, 1985.

Friedl, E. *Women of Deh koh*, Smithsonian Institution Press, 1989.

Hillman, M. *A Lonely Woman: Forugh Farrokhzad and Her Poetry* Three Continents Press, 1988.

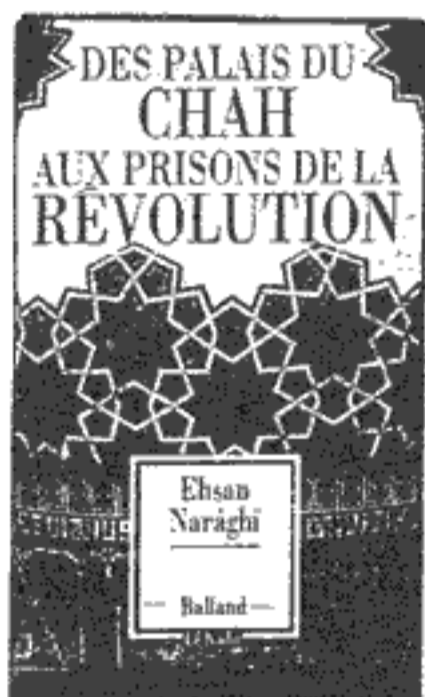
Keddie & Beck, *Women in the Muslim World*, Cambridge, Harvard Univ Press, 1978.

Nashat, G. *Women and Revolution in Iran*, Boulder, Co. West View Press, 1983.

Tabari, A. *In the Shadow of Islam: The Women's Movement in Iran*, London, Zed Press, 1982.

در این مقالات و کتابها به زنان عشایری، روستایی و شهری پرداخته شده و موضوعهایی همچون خانواده، ازدواج، طلاق، حجاب، سنت‌گرایی و نوگرایی (مدرنیسم) و قانون در ارتباط با مرتبه و نقش زن مطرح شده‌اند. مقالات، پی در پی به نقش زنان در دوره مشروطیت، زنان و قوانین اسلامی، و زنان در ابتدای جمهوری اسلامی پرداخته‌اند.





**DES PALAIS DU CHAH
AUX PRISONS DE LA RÉVOLUTION**
Par Ehsan Naraghi
Balland, Coll. «Le nadir»
381 P. 1992
129 F.

انتشارات «بالان» فرانسه به تازگی کتابی در ۳۸۱ صفحه از دکتر احسان نراقی، استاد سابق دانشگاه تهران که اینک در پاریس اقامت دارد و در سازمان جهانی یونسکو کار می کند، چاپ و منتشر ساخته است.

دکتر نراقی، در دو بخش جداگانه این کتاب، بخشهایی از تاریخ معاصر ایران را در محدوده زمانی «پاییز ۱۳۵۷ تا پاییز ۱۳۶۲» مورد بحث قرار داده است.

بخش اول کتاب، حاصل هشت گفتگوی مؤلف با شاه است: نراقی، در واپسین روزهای حکومت شاه، برای مشورت به دربار می رود و به سؤالات شاه در باره اوضاع کشور پاسخ می دهد. بر اساس آنچه در بخش اول کتاب آمده است، شاه نسبت به بسیاری از واقعیتهای کشور در جهل کامل به سر می برد؛ او در خصوص وجوه حیاتی جامعه ایران، اطلاعات نادرستی از اطرافیان خود کسب کرده است و در خصوص موضوعات مورد علاقش همچون تجدد صنعتی، خرید اسلحه، نفت، و دیگر منابع درآمد خاندان سلطنتی، دچار مازاد اطلاعات موهوم شده است. چون از ظهور نیروهای مخالف از قبیل مطبوعات و انتخابات آزاد جلوگیری

کرده‌اند، سازمانهای مخفی و زنان درباری با ارائه گزارشهای شاه‌پسند (!) به خویشنمداری و یک‌سالاری متکبرانه شاه ایران شدت بخشیده‌اند. نراقی توجه شاه را به خطرات ویرانگر موجود جلب می‌کند: سرعت بیش از حد توسعه اجتماعی، رشد سرسام‌آور جمعیت تهران، تراکم ثروت در دست عده‌ای معدود و فقر نفرت‌آور و شورش‌انگیز در اکثریت مردم.

در بخش اول کتاب، نقش اشرف پهلوی، ملکه فرح، و شخصیت‌های مهم دیگر حکومت سلطنتی در تعیین تاریخ ایران به وضوح توصیف شده است. ضعف شاه، اقتدار تصورناپذیر اشرف پهلوی، و ناتوانی فرح پهلوی در مقابله با اشرف و غارتگریهای خاندان پهلوی، در این بخش ذکر شده است.

دکتر احسان نراقی، در بخش دوم کتاب که «در زندانهای انقلاب» نام دارد، در نقش یک زندانی محبوس در اوین، تاریخ معاصر ایران را از دیدگاه تحلیلی‌گر خود به رشته تحریر درمی‌آورد. وی با بهره‌گیری از روشی خاص - تجسم زندان به عنوان نمونه‌ای کوچک از جامعه - می‌کوشد تا از این زاویه دید و به شیوه‌ای علمی نیروهای سیاسی سالهای ابد انقلاب را بشناسد و علل پیروزی یا شکست احزاب گوناگون سیاسی ایران را روشن سازد. ابراز توجه به روحیه زندانیان یا در واقع روانشناسی اعضای احزاب سیاسی، بر ارزش توصیف‌های بخش دوم کتاب می‌افزاید. حضور زندانیانی از طبقات بالا و پایین ایران در زندان اوین، زمینه پژوهشی مساعدی برای جامعه‌شناس ایرانی فراهم می‌آورد. وی در سلولهای زندان اوین پای صحبت زندانیان می‌نشیند: وزیران، نظامیان، ساواکیها، بازرگانان، فراماسونها و پزشکان، به علت همکاری با حکومت شاه، و اعضا و هواداران احزاب و گروههای مختلف سیاسی که به سبب مخالفت با جمهوری اسلامی و کارشکنی در امور حکومت بازداشت شده‌اند. گذشته از این، نراقی به تحلیل روحیه مأموران زندان، قضات، حاکمان شرع و دادستانهای دادگاه انقلاب می‌پردازد.

مؤلف، روش معمول تاریخنگاری را به کار نمی‌برد و با استفاده از عناصر داستانی، چون تلخیص، صحنه‌پردازی، گفتگو و توصیف، نوعی «روایت علمی» پدید می‌آورد. حواشی و توضیحات کتاب، معرفی جامع شخصیت‌های مهم این دوره در سرتاسر کتاب، و همچنین سالشمار تاریخ معاصر ایران (۱۹۸۳ - ۱۹۰۱ میلادی)، این تألیف را اثری ارزشمند برای مورخان ساخته و از قرار مسموع به چند زبان خارجی ترجمه شده است.

نثر فرانسوی کتاب، روان و زیان آن، خالی از هرگونه پیچیدگی است. این دو امتیاز، توأم با تقسیم مطالب کتاب به بخشهای کوتاه، شوق مطالعه این اثر را فزونی می‌بخشد.

بازتاب گسترده انتشار کتاب «از کاخهای شاه تا...» در مطبوعات سیاسی و غیرسیاسی فرانسه، گویای اهمیت انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران در خارج از مرزهای کشور است.

یک جایزه بزرگ بین‌المللی برای سینمای ایران

خبرها کوتاه، پیاپی اما غرورآفرین بود. فیلم «و زندگی ادامه دارد»^۱ آخرین ساخته عباس کیارستمی کارگردان هنرمند ایرانی در چهل و پنجمین جشنواره کان فرانسه پذیرفته شد، با موفقیت به نمایش درآمد و برنده دو جایزه مهم بین‌المللی شد.

نخستین جایزه پراج روبرتو روسلینی که تنها پنج سال از عمر آن می‌گذرد و دیگری جایزه «یک نوع نگاه» که امسال برای اولین بار اهدا شد و کیارستمی نخستین دریافت‌کننده آن است.

جایزه روسلینی در حقیقت یکی از پرارزش‌ترین جوایز فرهنگی بین‌المللی است که هر سال به یک شخصیت یا شخص حقوقی که بیشترین سهم را در پیشبرد و تحول سینما در سالهای اخیر داشته اهدا می‌شود. روز یکشنبه ۱۰ ماه مه ۱۹۹۲، ژیل ژاکوب، مؤسس جایزه، برنده امسال را معرفی کرد. این جایزه در میان جمعی از اعضای خانواده روسلینی و تعداد زیادی از کارگردانان و هنرپیشگان برجسته ایتالیایی و بین‌المللی که خاطره کارگردان انسان‌دوست و بلندپایه سینمای ایتالیا را گرامی می‌دارند، به عباس کیارستمی تقدیم شد. ایزابلا روسلینی دختر هنرمندان بزرگ سینما روبرتو روسلینی و اینگرید برگمن (حقیقتاً نسب از دو کس دارد این نیک‌پی) ریاست افتخاری داوران را بر عهده دارد. امسال یک چک ۲۰ هزار دلاری نیز به جایزه افزوده شده بود. امکان اعطای جایزه نقدی امسال با سخاوت بنیاد سینمایی کان و نیز شرکت ایتالیایی جورجیو آرمانی، میسر شده است.

برندگان این جایزه در سالهای قبل عبارت بودند از: کانال ۴ تلویزیون انگلستان در سال ۱۹۸۷، ژاک لانگ وزیر فرهنگ فرانسه در سال ۱۹۸۸، امیر کوستاریکا کارگردان یوگسلاوی در سال ۱۹۸۹، مارتین اسکورسیزی کارگردان آمریکایی در سال ۱۹۹۰ و سینماتک فرانسه در سال ۱۹۹۱.

اما آنچه که از خود جایزه اهمیت بیشتری دارد ترکیب هیئت داوران آن است که شامل بزرگان سینمای فرانسه و ایتالیاست، همه هستند: برناردو برتولوچی، رنه کلمان، ژان لوک گودار، فرانچسکو رزی، اتوره اسکولا، پائولو و ویتوریو تاویانی (معروف به برادران تاویانی) خانم آینس واروا، ژاک ریوت، کلود شابرول، کارلو لئیزانی، ژان روش، دانیل توسکان دوپلاتیه و ژیل ژاکوب.

دریافت جایزه روسلینی بزرگترین افتخاری است که سینمای ایران در سطح جهانی تا به حال کسب کرده است.

در حاشیه بخش مسابقات جشنواره کان، بخش دیگری با عنوان «یک نوع نگاه» وجود دارد که فیلم «و زندگی ادامه دارد» اصولاً برای شرکت در این بخش انتخاب شده بود. امسال برای اولین بار در پانزده سال گذشته که از آغاز این بخش می گذرد، داورانی مرکب از نه روزنامه‌نگار برجسته و اعضای حرفه سینمای فرانسه به ریاست ژاک سیکلیه از روزنامه لوموند فرانسه، فیلم کیارستمی را از میان هیجده فیلم شرکت کننده به عنوان فیلم اول انتخاب کردند و به آن جایزه دادند.

هدف این جایزه حمایت از سینمای مؤلف و ایجاد تسهیلات و امکانات تبلیغاتی برای نمایش عمومی فیلم در سینماهای فرانسه است.

کیارستمی در سالهای اخیر با فیلم‌های «خانه دوست کجاست»، «مشق شب»، و «کلوزآپ نمای نزدیک» جوایز متعدد دیگری را نصیب سینمای ایران کرده و برای آن افتخار آفریده. از صمیم قلب به او و همکارانش برای ساختن فیلم «و زندگی ادامه دارد» تبریک بگوییم و برایشان آرزوی موفقیت‌های بیشتر کنیم.

فیلم «بدوک» ساخته مجید مجیدی امسال از ایران در دو هفته کارگردانان جشنواره کان شرکت داده شده بود.

امسال سینمای ایران در جشنواره کان خوش درخشیده، خبیر غرور آفرین دیگر شرکت یک فیلم انیمیشن کوتاه به نام «قلب» ساخته کارگردان بسیار جوان ایرانی (۲۲ ساله) سعید مجاوری در بخش مسابقات است که مورد توجه فراوان نیز قرار گرفت. به سعید مجاوری هم تبریک می‌گوییم و برایش آرزوی موفقیت‌های بیشتر داریم.

۱. عنوان فیلم ابتدا «زندگی و دیگر هیچ» بود، لیکن به خاطر تشابه اسمی با یک فیلم فرانسوی عنوان آن

گفتگو با ویم وندرس



۲۴۸



«تا پایان ابدیت» آخرین فیلم ویم وندرس است که با ۲۳ میلیون دلار هزینه و با شرکت گروهی از هنرپیشگان بین‌المللی در ۹ کشور مختلف جهان ساخته شده است.

آنچه در پایین می‌آید، گفتگویی است که مجله ویژه با ویم وندرس انجام داده است.

داستان فیلم

در سال ۱۹۹۹ یک فاجعه اتمی جهان را به نابودی تهدید می‌کند. به نظر می‌رسد که نابودی زمین اجتناب‌ناپذیر است. ترس و اضطراب بر همه جا حاکم می‌شود. بر سراسر کره زمین بی‌نظمی حکمفرماست و فرار انسانها از زمین آغاز می‌شود. انسانها از یکدیگر فرار می‌کنند و به یکدیگر برخورد می‌کنند. طبقات مختلف در هم می‌شکنند و در یکدیگر حل می‌شوند. تمامی فرمانروایان گذشته، قدرت خود را از دست می‌دهند و بازی ترسناک «رولت روسی»، از یک طرف شخصیت‌های داستان فیلم را مجبور می‌کند که به دور جهان سفر کنند و از طرف دیگر، آنان را به این واقعیت اساسی آگاه می‌کند که هیچکس را از این دایره‌ای که نامش زمین است گریزی نیست. همه با یک افق به جهان می‌نگرند و بی هیچ

استثنایی - می‌بایست خود را به سرنوشت وا گذارند.

ویسزه: «در حالی که جهان را یک فاجعه اتمی تهدید می‌کند، قهرمانان و شخصیت‌های فیلم شما می‌خواهند تا پایان ابدیت سفر کنند.»

ویندروس: «عنوان فیلم من «تا پایان ابدیت» معانی مختلفی را در ذهن القاء می‌کند، چه در مفهوم و مضمون جهانی آن و چه در مفهوم رومان‌تیک آن، کسی را تا پایان جهان دنبال کردن، بیشتر به یک بیانیۀ عشقی شباهت دارد. برای ما پایان ابدیت صحرای استرالیا بود، در حالی که جهان از همان نقطه آغاز می‌شود.»

ویسزه: «در فیلم شما نابینایان بنا به پیشرفتهای تکنیکی بشریت، قوه بینایی خود را دوباره به دست می‌آورند.»

ویندروس: «این موضوع در ابتدای کار برای من بسیار جالب بود و در پایان، مدت‌ها بر روی این موضوع کار کردم، چون که هیچگاه نمی‌خواستم یک فیلم احمقانه علمی - تخیلی بسازم که مانند «سفینه ایتزپرایز» در آن هر عمل انجام‌نشده‌ای، تحقق پیدا کند. بر عکس تمام تلاشم بر این بود که چیزی را نشان بدهم که اگر چه شاید به نظر غیرقابل انجام باشد اما حداقل مضمون ایده‌اش قابل باور باشد و در حیطه میدان عقل و دانش بگنجد.»

ویسزه: «چه تحقیقاتی در مورد انواع بینایی‌های مصنوعی به عمل آوردید؟»

ویندروس: «ابتدا با پزشکان و بیوشیمیست‌های متعددی صحبت کردم. بعضی از آنها اعتقادشان بر این بود که این ایده کمی افسانه‌ای - تخیلی است اما در مجموع ایده بسیار خوبی است.»

ویسزه: «شما از روش ویدیو HDTV استفاده کردید. نتایج کار رضایت‌بخش بود یا این که بیش از آنچه انتظارش را داشتید، نتیجه داد؟»

ویندروس: «در جریان کار فیلمبرداری از ایده اولیه بسیار دور افتادیم و سعی کردیم بیشتر از امکاناتی که روش در اختیار ما گذاشته است، استفاده کنیم. ایده اساسی این بود که سکانسهای رویا به عکسهای دورانی که تازه عکاسی کشف شده بود، شباهت داشته باشد. همچنین به دوران قبل از آن یعنی به شکل تصویرها و نقاشی‌های امپرسیونیستها، اما به شکل تصویرهای متحرک. در مجموع، به هر دو شکل دست یافتیم و توانستیم حتی از تصوراتی که برای ما غیرقابل تحقق به نظر می‌رسیدند، فراتر رویم.»

ویسزه: «فیلم شما بدون هیچ کمک و هزینه دولتی، پیشاپیش توسط پخش‌کنندگان فیلم از نظر مالی تضمین شده بود. آیا علت چنین سرمایه‌گذاری مالی، معروف بودن نام شما در جشنواره‌های فیلم است؟ به چه دلیلی پخش‌کنندگان فیلم، پیشاپیش این همه علاقه و توجه به فیلم شما نشان دادند؟»

ویندروس: «فیلم «پاریس تگزاس» را که در سال ۱۹۸۴ ساختم فرشتگان موفقیت بزرگی در سطح

جهان کسب کرد و ضمناً آنچه که برای خود من هم تعجب آور بود موفقیت بزرگ فیلم «فرشتگان بر فراز برلین» بود که به عنوان موفق‌ترین فیلم اروپا در ژاپن شناخته شد. اینها عاملهایی بودند که تهیه‌آ آخرین فیلم مرا ممکن ساختند.»

ویسزه: «آیا فکر می‌کنید با فیلم جدید شما تماشاچیان بسیاری رابطه برقرار می‌کنند و فیلم برایشان قابل فهم می‌باشد؟»

وندرس: «با این فیلم رابطه برقرار کردن بسیار آسان‌تر از فیلم «فرشتگان بر فراز برلین» است. من نمی‌توانم پیشگویی کنم که این فیلم موفقیت به دست خواهد آورد یا نه. برای مثال هیچگاه فکر نمی‌کردم که فیلم «فرشتگان بر فراز برلین» اینقدر مورد قبول تماشاچیان واقع شود.»

ویسزه: «چنین حوادثی مایه خوشحالی‌تان خواهد شد؟»

وندرس: «بسیار مایه خوشحالی من است. اما یک هنرمند نباید به خاطر این شهرت و معروفیت چنان تغییر کند که مسیر فکری‌اش برای فیلم ساختن بر این اساس قرار بگیرد که بگوید، چگونه می‌توانم تماشاچیان بیشتری به دست آورم! اگر سینماگری چنین فکر کند، در مجموع بازنده‌ای بیش نیست. اما اگر اشخاصی فیلم مرا ببینند و آن را جالب بدانند و یا حتی چند مرتبه متوالی فیلم را تماشا کنند، برای من یک پاداش است.»

ویسزه: «شما هنگام کارگردانی فیلم، مسئولیت تولید فیلم (Prodvent) را هم به عهده گرفتید. فکر نمی‌کنید دو مسئولیت در مجموع برای یک نفر سنگین باشد؟»

وندرس: «بخشی از وظیفه تولید فیلم به عهده من بود. کلیه فشار این بخش بر روی من نبود. یک کارگردان اگر تهیه‌کننده هم باشد، مشکلات بیشتری پیدا می‌کند ولی تنها تضمینی است که به او آزادی و امکان بیشتری می‌دهد که فیلمش را آن‌طور که آرزو دارد بسازد. با این آزادی عمل خیلی از مشکلات برایم قابل تحمل‌تر شد.»

ویسزه: «شما در چهار قاره و در کشورهای مختلف فیلمبرداری کردید، چگونه مشکلات و مسائل مربوط به پشت صحنه گروه فیلمبرداری را حل کردید؟»

وندرس: «کار بسیار توانفرسایی بود و به زمان طولانی هم نیاز داشت. ما دفترهای سینمایی خودمان را با گروههای کامل در ۶ کشور مستقر کردیم. ابتدا می‌خواستیم با یک گروه ثابت کار کنیم اما این کار جز خستگی غیرقابل تحمل برای گروه چیز دیگری در بر نداشت. در نتیجه از این ایده صرف‌نظر کردم و به جای آن یک هسته کوچک مرکزی انتخاب کردیم و در هر کشور یک گروه تازه‌نفس را به کار گرفتیم.»

ویسزه: «توان و انرژی شخصی خودتان در این مورد چطور بود؟»

وندرس: «با عصبیت تمام توانستم تا به آخر تحمل کنم. از نظر فیزیکی مجموع کار از توان و

ظرفیت من فراتر رفته بود. به طوری که اگر یک بار دیگر چنین کاری پیش آید، برای مرتبه دوم دست به چنین آزمایشی نخواهم زد.»

ویژه: «در پوستر فیلم آمده است «موسیقی سال ۱۹۹۹». آیا آشنایی کامل به جهان موسیقی دارید؟»
وندرس: «انتخاب موسیقی فیلم یکی از هدایایی بود که برای آغاز سال جدید همواره آرزویش را داشتم. ابتدا فکر می‌کردم از ۱۶ گروهی که انتخاب کرده‌ایم تا سرود و موسیقی فیلم را بنویسند، از هر سه یا چهار گروه یکی از آنها مسئله را جدی بگیرد. اما در پایان، تمام ۱۶ گروه اعلام آمادگی کردند موسیقی را طوری بنویسند که فضای ۱۹۹۹ را منعکس سازد. به جز این ۱۶ آواز، هفدهمین آواز قبلاً توسط الویس پریسلی خوانده شده که متأسفانه کمتر کسی آن را شنیده است.»

ویژه: «آیا شما از دیدن برنامه لوریوت کمدین معروف آلمانی که از تلویزیون به سینما آمد لذت می‌برید؟»
وندرس: «هنگامی که او را در تلویزیون می‌بینم چنان می‌خندم که چشمانم پر از اشک می‌شود. اما این حالت در سینما برایم اتفاق نیفتاده است. شاید به دلیل این که تا کنون موفق نشده است همان تصویر را به سینما منتقل کند.»

۲۵۱

ویژه: «اما در هر صورت گاهی هم در سینما هنگام تماشای کمدی می‌خندید؟»
وندرس: «خیلی زیاد. کمدین محبوب من «ژاک تاتی» است. هنگامی که فیلمی از او می‌بینم، دیگر نیاز نیست که حادثه‌ای اتفاق بیفتد، همین که عنوان فیلم بر صحنه می‌آید و ژاک تاتی در صحنه ظاهر می‌شود من از خنده بی‌هوش می‌شوم. از کار «کارل والتین» (کمدین آلمانی) هم بسیار لذت می‌برم. «وودی آلن» یک نابغه است و آثار کمدی زیبایی ساخته است، اگر فهم بعضی از آنها مشکل است. در آلمان کارگردانی مانند «بیلی وایلد» تا کنون توانسته است چنین کمدیهایی بسازد.»

ویژه: «اصلاً وقت پیدا می‌کنید به سینما بروید؟»
وندرس: «در دو سال گذشته هیچ فیلمی در سینما ندیده‌ام. در سال جدید تنها دو فیلم دیده‌ام. در مجموع شب و روز هفت روز هفته را به ساختن فیلم خودم مشغول بودم.»

ویژه: «اساساً چرا شما فیلم می‌سازید؟»
وندرس: «شاید به خاطر این است که یک بار این کار را شروع کردم و خود به خود در مسیر این حرفه قرار گرفتم. و شاید به خاطر این است که فیلمسازی یکی از اشکال بسیار عالی برای کار کردن و زندگی کردن است. در طول این سالهایی که گذشته است من همچنان فیلم ساخته‌ام و کار دیگری از من بر نمی‌آید. اگر روزی کار فیلمسازی از بین برود، به احتمال زیاد دوباره به نقاشی پناه می‌برم.»

ویسه: «فکر می‌کنید جالب است که انسان آنقدر معروف و مشهور باشد که مردم در همهٔ زمینه‌ها از او تقلید کنند. مثلاً همان عینکی را که بر چشم شما است بر چشم بگذارند.»

وندرس: «بعضی اوقات غیرقابل تحمل است. این مسئله در مورد کارگردانان سینما قابل تحمل‌تر است ولی هنرپیشگان مشکلات بیشتری دارند. مسئله عینک هم نمی‌تواند یک مسئلهٔ بفرنج باشد و در مجموع نمی‌بایست مسئله را جدی گرفت. تاکنون چنین مسائلی ناراحتی و مشکلی برای من پیش نیاورده‌اند، شاید به خاطر این است که من در هر دو جبههٔ هنرپیشگی و کارگردانی به طور جدی تاکنون مطرح نشده‌ام.»

ویسه: «شما در برلین زندگی می‌کنید؟»

وندرس: «من در «کرزبرگ» (محلهٔ معروف خارجیان در برلین که اکثریت جمعیت آنجا را ترک‌ها تشکیل می‌دهند) زندگی می‌کنم و هرکاری که دوست داشته باشم انجام می‌دهم. هر روز صبح نانم را از نانوايي می‌خرم و تاکنون هیچگاه مورد مزاحمت قرار نگرفته‌ام. در محل اقامتم در پاریس مشکلات بیشتری دارم تا در برلین.»

ویسه: «اگر تنها در جزیره‌ای بمانید و مجبور باشید سه فیلم را انتخاب کنید، چه فیلمهایی را انتخاب خواهید کرد؟»

وندرس: «سه فیلم را می‌توانم به هر بیننده‌ای پیشنهاد کنم. اگر چه بنا به محدودیت سئوالی شما، که می‌بایست سه فیلم را نام ببرم، خود به خود فیلمهای خوب دیگری به بیان نمی‌آیند. اما در مجموع «قاعدهٔ بازی» اثر ژان رنوار، «بچه‌گرگ یا فارنهایت» اثر فرانسواتروفو، و با کمی تردید فیلم جدید جیم جارموش که خودم هم تاکنون آن را ندیده‌ام، اما در موردش شنیده‌ام و خوانده‌ام.»

ویسه: «هیچ فیلم آلمانی‌ای را نام نبردید؟»

وندرس: «اگر بنا به شماره گذاری روی فیلمها پیش می‌رفتیم شاید با شمارهٔ ۴ یا ۵ می‌توانستم یک فیلم آلمانی را نام ببرم.»

ویسه: «کدامیک از فیلمهایتان را بیشتر دوست دارید؟»

وندرس: «برای مدتها «آلیس در شهرها» دوست داشتنی‌ترین فیلم برایم بود. بعد از آن، تازگیها در یک مقیاسی دیگر «فرشتگان بر فراز برلین».»

برلین - ۱۹۹۱/۱۱/۱۶

مجلهٔ ویزه Wiese



آشنایی با نوارهای تازه موسیقی

۲۵۲

آوازهای سرزمین خورشید

تنظیم موسیقی و اجرا: فریبرز لاجینی.

آواز: محمد نوری.

ناشر: نشر فرهنگی ساربانک، ۱۳۷۱.

این نوار، پس از نوار «در شب سرد زمستانی»، دومین کار محمد نوری است که پس از سالها سکوت، فعالیت دوباره خود را از سر گرفته است.

«آوازهای سرزمین خورشید» شامل قطعات متنوعی چون «تویبو» (آهنگ محلی بختیاری)، «چوپان»، «سرزمین گیلان»، «دیار خوب من»، «مارال» (آهنگ محلی آذری)، «لالایی»، «ای وطن»، «ای بخته دل»، «نشو نشو» و «شالیزار» (آهنگ محلی بختیاری) می باشد.



آوازهای سرزمین خورشید
آواز: محمد نوری

تنظیم و اجرای موسیقی: فریبرز لاجینی



اجرا: هوشنگ ظریف.

به کوشش: حسین علیزاده

ناشر: مؤسسه فرهنگی ماهور، ۱۳۷۱.

آموزش سه تار

اجرا: حسین علیزاده.

ناشر: مؤسسه فرهنگی ماهور، ۱۳۷۱.

«نیاز به منابع جدید آموزش موسیقی ایرانی در رده‌های مختلف سبب شده است که مؤسسه فرهنگی ماهور، کتابها و نوارهایی را در این زمینه منتشر نماید. احساس این نیاز ناشی از این واقعیت است که متأسفانه کتابها و متدهای آموزش موسیقی به هنرجویان گروههای سنی مختلف، نامناسب است و سن هنرجویان برای فراگیری سازهای ایرانی در نظر گرفته نمی‌شود. خلافت هنرجو، نکته مهمی است که از همان ابتدا باید به آن بها داد. از آنجا که هدف نهایی نوازندگان موسیقی ایرانی، بداهه‌نوازی است، هنرجو نباید فقط به فراگیری و تکرار محدود تمرینهای کتاب بسنده کند. هنرآموزان باید با ابتکار و ذوق خود در مراحل مختلف آموزش به تربیت نیروی خلاق و ذوق و شوق هنرجو بپردازند. متأسفانه در متدهای موجود، به این نکات توجهی نشده است و اگر قرار باشد هنرجویان، آموزش موسیقی را با شناخت و آگاهی از محتوای موسیقی ایرانی آغاز کنند، ناگزیر باید طرحها و متدهای تازه‌ای را در دسترس آنها بگذاریم. نوارها و کتابهای آموزشی که انتشار آن به مؤسسه فرهنگی ماهور محول شده، شامل متدهای موجود و متدهایی است که حاصل تجربه و تحقیق پیرامون آموزش موسیقی در دوران معاصر است. دست‌یافتن هنرجو به تکنیک و درک درست از جوهر و فرهنگ موسیقی ایران، مهمترین هدف در متدهای جدید است.»

«آموزش تار» و «آموزش سه تار»، اجرای درسهای کتاب اول و دوم «دستور مفدهائی تار و سه تار» است که برای اولین بار در دو آلبوم زیبا (هر آلبوم چهار نوار) با تار و سه تار اجرا شده و مجموعه آموزشی با ارزشی برای هنرجویان رشته تار و سه تار است.

۱۶

آموزش تار

آموزش تار

دستور مفدهائی تار و سه تار

اجرا: هوشنگ ظریف
به کوشش حسین علیزاده

۱

۱۸

آموزش سه تار

دستور مفدهائی سه تار، کتاب اول

اجرا: حسین علیزاده



۱

تجویدی، علی. موسیقی ایرانی: مقدمه، چهارگانه، همایون، بیات اصفهان و ترانه‌ها و آهنگهای بی کلام. نهران: سروش، ۱۳۷۰. ۱۹۰ صفحه. ۲۰۰۰ ریال.

جلد اول، دوم و سوم از سلسله کتابهای موسیقی ایرانی، تألیف استاد علی تجویدی است که یک بخش آن با عنوان «اثری در چهارگانه»، در حدود چهارسال قبل با سرمایه شخصی مؤلف چاپ و منتشر گردیده و پس از مدتی کوتاه به علت اقبال دوستداران موسیقی، نایاب شده است. اینک مجلد مذکور با ویرایش جدید به همراه دو جزوه دیگر (دستگاه همایون و آواز بیات اصفهان) در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد. در این مجموعه کلیه اشعار مندرج در زیر خطوط نُت، به فارسی تقطیع شده است تا برای هنرجویان - به ویژه خوانندگان آواز - راهگشا باشد. شیوه‌نت‌نویسی برای آوازهای ایرانی و چهارمضرابها و قطعات ضربی - از جمله علائم تکیه‌ها - متکی به روش استاد علینقی وزیری و استاد ابوالحسن صبا است و کسانی که با خط موسیقی بین‌المللی (نُت) آشنا باشند، می‌توانند مطالب را بر راحتی روی ساز اجرا کنند. از مطالب این کتاب نه تنها نوازندگان ویلن، بلکه نوازندگان تار، سه‌تار، نی، سنتور و کمانچه و نیز خوانندگان آواز - با داشتن اهلیت و شناخت کافی - به خوبی می‌توانند استفاده کنند.

علی دهباشی

دکتر بهرام فره‌وشی هم رفت ...



از ملک ادب حکم گذران همه رفتند
آن گرد شتابنده که بر دامن صحراست
شو بار سفر بند که یاران همه رفتند
گوید: چه نشینی که سواران همه رفتند...!

برای ملت و کشور ما که شناخت هویت خویش، و آشنایی با فرهنگ درخشان دیرینه سال آن در درجه اول اهمیت قرار دارد، و وجود استادان و مدافعان این فرهنگ، سد راه هجوم فرهنگی دیگران است، مرگ یک استاد بسیار دردناک است، مخصوصاً استادی مثل فره‌وشی که در رشته خود نظایر فراوانی نداشت.

در کشوری که ۱۵ میلیون کودک و نوجوان در مدارسش درس می‌خوانند، و امسال یک میلیون نفر از آنها داوطلب ورود به دانشگاهها بوده‌اند، و هر سال ده بیست درصد بر این ارقام افزوده خواهد شد، نیاز به استاد، استادان صالح باارزش بسیار است، و از دست رفتن هر یک ضایعه‌ایست جبران‌ناشدنی.

خبر مرگ فره‌وشی، دوستان و شاگردان و آشنایان آثار او را غرق اندوه و دریغ و حیرت ساخت.

دردا و دریغا، که در این سالها، استادانی رفته‌اند و می‌روند، که محیط علمی ایران بیش از هر زمان نیازمند وجود آنهاست، و به این زودی و به این آسانی، و حتی هرگز، جانشینانی برای آنها نخواهیم یافت.

برای اینکه کسی بهرام فره‌وشی شود، باید سالهای دراز درس بخواند، انواع محرومیتها را تحمل کند، پشت‌پا به مال و جاه دنیوی بزند، از هوسها و لذتهای زندگی چشم‌پوشد، روزها و شبها در گوشه کتابخانه‌ها گرد کتاب و دود چراغ بخورد، در محضر استادان خود زانو بزند، و از خرمن فضل هر بزرگی خوشه‌ای بچیند، و سالها بگذرد تا استاد فره‌وشی شود. به شرطی که هوس و ذوق و استعداد خداداده‌ او، و ایمان و شیفتگی او را به علم، و پشتکار او را در راه تحقیق داشته باشد.

قدیمها، یکی از موضوعاتی که رسم بود معلمین انشا به شاگردان می‌دادند این بود که: «علم بهتر است یا ثروت؟» ما محصلین ناچار برای انجام تکلیف دلایلی پیدا می‌کردیم و می‌نوشتیم. حالا قوی‌ترین دلیل بر فضیلت علم و برتری مقام دانشمند بر ثروتمند به نظر رسیده است. و آن اینکه علم دیرباب‌تر و دشوارباب‌تر است، اما ثروت کلان‌گاهی به تصادف و با یاری بخت به دست می‌آید.

آن یکی دیروز نان شب نداشت، مثل قارچی که با یک آسمان‌غرنبه سر از زیر خاک بدر می‌کشد، امروز با حقه‌بازی ناگهان ملیاردر می‌شود. ماشین لوکس آخرین سیستم خارجی زیر پا دارد، و در خانه چندمیلیونی می‌نشیند و ناز بر فلک و حکم بر ستاره می‌کند. گفتگویش از دلار است، آن‌هم از ملیونها دلار!

اما این یکی عمری شب و روز تحصیل و تحقیق کرده تا به جایی رسیده، و بعد از سی‌چهل سال خدمت هم که بازنشسته می‌شود، تازه حقوق بازنشستگی‌اش تکافوی اجاره دو تا اتاق و خرج درمان یک بیماری ساده را نمی‌کند.

بهرام فره‌وشی در فن خود کم‌نظیر بود. در قرن اخیر تحقیق در ادبیات دوره اسلامی ایران به جایی رسید که ایرانیان ابتکار تحقیق و تألیف در این زمینه را به دست گرفتند، و استادان بزرگی در ایران پیدا شدند که خاورشناسان جهان چشم به دست و زبان آنها دوختند.

اما درباره تاریخ و زبانها و فرهنگ باستانی ایران، هنوز راه درازی در پیش داریم. پورداود کار در این زمینه را آغاز کرد و نسلهای جوانتر راه او را ادامه دادند. امروز هم استادان و محققان ارزنده معدودی در این رشته‌ها داریم. اما نیاز ما خیلی بیش از اینهاست.

رسیدن به حد استادی واقعی در این زمینه هم آسان نیست. برای توفیق در این راه، محقق

باید هم زبان و ادبیات دوره اسلامی فارسی را خوب بدانند، و هم به چند زبان خارجی تسلط داشته باشد، و هم این علوم را در دانشگاههای خارجی نزد استادان مسلم تحصیل و تحقیق کرده باشد. فرهوشی این هر سه شرط را در وجود خود جمع داشت.

دکتر فرهوشی استادی خودساخته بود. در ۱۳۰۶ که پدرش علیمحمد فرهوشی (مترجم همایون) رییس فرهنگ ارومیه بود، در آن شهر به دنیا آمد. در ۱۳۲۳ از دانشسرای مقدماتی اصفهان فارغالتحصیل شد. آنگاه ضمن تدریس در دبستانهای تهران ابتدا در رشته زبانهای خارجی و سپس در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در همان سالها هفته‌ای چند روز در محضر استاد سیدمحمد فرزاد ادیب معروف عصر حاضر می‌شد و به همراه دکتر امیرحسن یزدگردی، دکتر محمداسماعیل رضوانی و اقبال یغمایی به مباحثه و تحقیق در دقایق و مشکلات متون فارسی می‌پرداخت.

چندی بعد به تشویق استاد پورداود به پاریس رفت و به اخذ درجه دکتری در زبانها و فرهنگ باستانی ایران از مدرسه تبعات عالیه دانشگاه پاریس نائل گردید و در این مدت از محضر استادان بزرگ پروفیسور دومناش و پروفیسور بنونیست بهره‌مند شد. پس از بازگشت به ایران به دانشیاری استاد پورداود در دانشکده ادبیات انتخاب گردید. و از آن به بعد وقت خود را به تدریس در دانشکده ادبیات تهران و تحقیق در رشته تخصصی و تألیف کتابهای خود پرداخت. در وهله اول اوقات خود را صرف نشر آثار پورداود که به سبب پیری نیازمند همکار جوانتری بود، کرد. و بخش دوم «گاتها» (شامل یادداشتهای پورداود) را در ۱۳۳۶، «سینا» را در ۱۳۴۰، «ویسپر» را در ۱۳۴۳ منتشر ساخت. آنگاه اثر ابتکاری و کم‌نظیر خود «فرهنگ پهلوی به فارسی» که حاصل بیست سال بررسی متون پهلوی بود در ۱۳۴۶ جزو انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، و «فرهنگ فارسی به پهلوی» را در ۱۳۵۲ جزو انتشارات انجمن آثار ملی به چاپ رسانید.

آخرین اثر او «ایرانویج» شامل ۲۹ مقاله درباره ایران باستان در اسفند ۱۳۶۵ جزو انتشارات دانشگاه تهران منتشر گردید.

وقتی سخن از دکتر فرهوشی در میان است، بی‌انصافی است اگر از پدرش که الگوی زندگی او بود نامی نبریم. علی محمد فرهوشی (مترجم همایون) که در سال ۱۳۴۸ در ۹۲ سالگی درگذشت، نمونه یک فرهنگی خودساخته، و از نخستین پایه‌گذاران مدارس جدید در ایران بود. شرح زندگانی پرماجرایی خود را با قلمی شیرین تحت عنوان «خاطرات یک معلم» نوشته که در هفته‌نامه کیهان فرهنگی در سالهای ۳۵ - ۱۳۳۴ چاپ شده است. او پسر کدخدای دولت آباد اصفهان بود. در مکتبخانه آن روستا درس خواند و سپس به تهران آمد و در دارالفنون به

تحصیل ریاضیات و زبان فرانسه پرداخت. بعدها نخستین مدارس را در زنجان و ارومیه تأسیس نمود و نخستین کتابهای درسی برای دبستانها و دبیرستانها را نوشت و بدون اینکه حق تألیف بگیرد، برای چاپ به کتابفروشان سپرد. آن کتابها از حساب و هندسه و جبر و مقابله و علم‌الاشیاء و تاریخ به مدت سی سال در همه مدارس کشور تدریس می‌شد و بعضی از آنها بیش از یکصد بار به چاپ رسیده بود تا وقتی که وزارت فرهنگ (سابق) خود تألیف و چاپ کتابهای درسی را به دست گرفت.

مترجم همایون سالهای آخر عمر خود را به ترجمه سفرنامه‌های خارجی درباره ایران می‌گذرانید. از ترجمه‌های او: «ایرانی که من شناختم» از بازیل نیکتین در ۱۳۲۹، «سفرنامه دیولافوا» در ۱۳۳۲، سفرنامه هانری رنه دالماتی به نام «از خراسان تا بختیاری» در ۱۳۳۵ انتشار یافت.

دکتر فره‌وشی گرفتار سرطان بود. در اوایل آذرماه برای معالجه به آمریکا رفت. در فرودگاه سانفرانسیسکو دچار سکته شد و به اغما رفت. او را به بیمارستان رساندند و پس از چند روز شیمی‌درمانی را آغاز کردند. با افزوده شدن ذات‌الریه تن رنجور او دوام نکرد و سرانجام در روز جمعه اول خردادماه زندگی را بدرود گفت. یادش زنده و جاویدباد.

منتشر شد:

موریس لُرو

موسیقی مدرن

ترجمه و تفسیر: مصطفی کمال پورتراب

نشر چشمه - تلفن ۸۹۷۷۶۶

خدمتگزاری از میان ماریفت



زیاد دور نیست. هنوز خبر درگذشت او یکی از دل‌مشغولی‌های ما است همراه با غمی و غمهای دیگر که معمولاً گریبان ما سالخوردگان را می‌گیرد، آنهم غم از دست دادن دوستان و افرادی که هر کدام در جای خود و به نوبه خود خدمتگزار ادب و فرهنگ این سرزمین مقدس بوده‌اند، مرگ اکبر زوار را می‌گوییم، مدیر کتابفروشی زوار که عمری در دکان کوچکش به نشر کارهای بزرگ پرداخت.

تنها نوشتند و گفتند که زوار از دنیا رفت، ناگهانی، خاموش و بی‌صدا. مطابق مرسوم آگهی چندامضایه‌ای، مجلس ختمی، هجوم جمعیتی. و دیگر هیچ. گوئی باری را از دوش برداشته‌اند. نه کسی سخنی گفت و نه کسی درباره این مرد خدمتگزار فرهنگ ایران چیزی نوشت. حتی آنان که آثارشان به همت او چاپ شد یا کتابفروشی و دستگاه او پاطوق آنان بود قلمی و قدمی برنداشتند، تا آنکه دوست قدیم و مونس بزرگوار صمیم حضرت استاد انجوی - که عمرش درازباد - به من تلفن کرد که: «دیروز به علت کسالت شما و خودم فراموش کردم که مطلب اصلی را یادآور شوم. درباره زوار و مرگ غیرمنتظر او - که عمری صرف انتشار آثار باارزش کرد هیچکس چیزی ننوشته. می‌دانم شما هم بیمار هستید با این حال هر چه زودتر مطلبی شایسته بنویسید. این کار بر عهده شما است.» ستایشم را مانند همیشه برانگیخت، با این که ناشر آثارش کسان دیگری بودند و هستند این دوست شریف کم‌حوصله که از گردش دوران خسته و به

گوشه‌ای نشسته، از فقدان هموطنی که خدماتی کرده، آسوده‌خاطر نیست. خود را سرزنش کردم: مگر نه این است که چند سال پیش، نه خیلی دور، اکبر زوار با همه مشکلاتی که بر سر راه داشت به نشر دوره کتابهایم همت گماشت و با خرج گزاف و به وضعی نفیس منتشر ساخت؟ مگر غم درگذشت او دلم را به درد نیاورد؟ مگر جوانمردیها و بدخلقی‌های صمیمانه و محبت‌هایش را فراموش می‌کنم؟ مگر بعدها و بعدها شاهد نشر کتابهای باارزشی در زمینه تاریخ و ادب فارسی از سوی او نبودم و بالاخره مگر دوست من نبود؟ پس چرا از وظیفه خود غفلت ورزیدم؟ اما دیدم من که علیل و خانه‌نشینم و از مطالعه بسیاری از روزنامه‌ها و مجله‌ها محروم به طوری که خبر درگذشت یاران را هم مدتی بعد می‌شنوم، علاوه بر آن، حقیقت اینست که: نه بر مرده، بر زنده باید گریست، رفتن امثال زوار و کیفیت آن، امروزه برای ما باقی‌ماندگان غبطه‌انگیز شده است با اینهمه اجرای خواست دوستی یکدل که سالها با درد هم آشنا بوده‌ایم برای من در حکم واجب عینی است.

باری، نخستین آشنائی من با نام زوار به سال ۱۳۳۲ باز می‌گردد که در خرمشهر خونین و عزیزمان مأموریت داشتم و از یک کتابفروشی برهان قاطع - مصحح استاد فقید و شریف دکتر محمد معین - را خریدم و با نام «کتابفروشی زوار» آشنا شدم.

اکبر زوار سنی نزدیک به هفتاد داشت. متولد خراسان بود و پدرش هم صاحب همین پیشه، نزدیک پنجاه سال پیش، از مشهد به تهران آمد و بعد از جدا شدن از پدر، کتابفروشی ادب را که متعلق به دو تن ناشر و کتابفروش نازنین بود با رضای خاطر آنان خریداری کرد: مرحوم میرزا جعفر ادب و مرحوم میرزا اسدالله به قصد فراهم کردن مکان ارزانتری، محل کسب چندین ساله خود را بر اثر کساد بازار کتاب، داشتند می‌فروختند و اکبر زوار به قیمت عادلانه خرید و آنان به باب‌همایون رفتند و زوار بدین ترتیب مستقل از پدر به کار نشر کتاب پرداخت و از همان آغاز زمینه نشر کتابهایش را برگزید: کتابهای تاریخی و ادبی و متون معتبر فارسی و دیوان شعرای متأخر و معاصر. هر کس کتاب باارزشی داشت چه تألیف یا ترجمه یا تحقیق، برای چاپ ابتدا نام زوار به خاطرش می‌رسید و زوار از آن اثر استقبال می‌کرد و گاه به حدی کار می‌پذیرفت که از انجام آن همه عاجز می‌ماند و همین امر موجب گله و رنجش می‌شد.

در سالهای اخیر با مساعدت و تفاهم مسئولان وزارت ارشاد اسلامی در حدود پانزده اثر به بازار عرضه کرد همه خواندنی و ماندنی و تقریباً این آخرین کارهای او بود و کارهایی در دست چاپ داشت که امیدواریم فرزندانش به انجام برسانند.

به همه کارها به تنهایی می‌رسید و این، کار آسانی نبود و به دلیل همین تلاش

خستگی ناپذیر به علاوه گرفتاریهای چاپ و مراحل گوناگونی که بر سر راه یک ناشر قرار دارد بالاخره نابهنگام او را از پای درآورد. با نقل یکی دو خاطره از اکبر زوار سخن را به پایان می‌برم.

سال ۶۲ بود که برای بستن قرارداد به خانه من آمد. در آغاز گفت: «چه خوب شده! همه با هم دوست و یکدل شده‌اند». منظورش را فهمیدم، ظاهراً پیش از بستن قرارداد درباره من - با آنکه داوطلبانه کارم را پذیرفته بود - با چند تن از اهل ادب و صاحب‌نظران مشورت کرده بود و آنان مرا و کار را تأیید کرده بودند، می‌گفت: «مثل اینکه در این ایام دلها به هم نزدیکتر شده و تنگ‌نظریها از میان رفته!»

دفعه دیگر که از یک سفر به خارج بازگشته و کتابهایم در مرحله چاپ بود در خانه‌ام سخنی بر زبان آورد که از شرف و درد درونی و انسانیتهش حکایت می‌کرد، گفت: «فلانی! حیف که ما ناشرها سواد کافی و لازم را در این کار نداریم!»

زوار در حساب و کتابش ناشر مطمئن و منظمی بود. طرف معامله و قرارداد او هر کس که بود، وی موافق قراردادش عمل می‌کرد، اگر در پرداخت حق‌التألیف به سبب مشکلات کسبی تأخیر می‌کرد ولی عاقبت دین و بدهی خود را تمام و کمال می‌پرداخت.

چند روز پیش با هنرمند مشهور و دوست قدیم و گرامیم آقای بیژن ترقی صحبت می‌کردم، بالطبع سخن از زوار به میان آمد. ایشان گفتند: «من و زوار با هم الفت داشتیم و هر وقت از کنار کتابفروشی ما - کتابفروشی خیام - می‌گذشت با شوخ‌طبعی خاص خود سری به من می‌زد و چند دقیقه‌ای به گفت و گو می‌پرداختیم. یک روز پیش از درگذشتش کنار دستگاه ایستاده بودم، دیدم زوار در خود فرو رفته و چهره‌اش خسته و گرفته است زیرا با خود حرف می‌زند و مثل اینکه دارد به سمت وزارت ارشاد می‌رود، مزاحمش نشدم. آری در این اواخر کارهایی داشت که او را فرسوده ساخته بود. مزاحمش نشدم. شب بعد یکی از کتابفروشها به من تلفن کرد و پرسید: از اکبر چه خبر؟... گفتم دیروز دیدمش، گفت: متأسفانه در بهشت زهرا خوابیده. حیرت و غم وجودم را فراگرفت و به خود گفتم چه دنیای بی‌اعتبار و حقیری است!»

به هر حال، دوست خدمتگزار ما زوار رفت و همه را به اندوه و غم مبتلا ساخت. حیف بود. خاطره‌اش را گرامی می‌داریم و صفات پسندیده و انسانی او را از یاد نمی‌بریم.



یادی از مؤسس کتابفروشی دانش و مجله دانش



شادروان سیدنورالله ایرانپرست فرزند مرحوم سیدمحمد علی داعی الاسلام مؤلف فرهنگ مشهور «نظام» بود که در سال ۱۲۸۹ در اصفهان به دنیا آمد و در فروردین ۱۳۷۱ در تهران از جهان رفت.

او در اصفهان به تحصیل پرداخت و در نوجوانی به همراه پدر به شبه قاره رفت. مرحوم داعی الاسلام در حکومت حیدرآباد دکن صاحب حرمت و اعتبار بود. از این رو تحصیل دو پسرش - ایرانپرست و سروش - به نحو مطلوب پیش رفت و ایرانپرست بعد از فراغ از تحصیلات عالی با عشق و علاقه‌ای که به سرزمین خود داشت به ایران آمد و در حدود سال ۱۳۱۸ خورشیدی کتابفروشی دانش را - رو به روی شرکت بیمه ایران، خیابان سعدی - تأسیس کرد.

نخستین بار بود که فردی با تحصیلات دانشگاهی و صلاحیت علمی، مدیریت یک کتابفروشی معتبر و آبرومند را در عهده گرفته بود. اهمیت و ارزش کار ایرانپرست این بود که در آن زمان درس خواندگان به میز ادارات می‌چسبیدند و مثلاً کتابفروشی را دونه‌شان خود می‌دانستند. حسن اتفاق به کمک طالع بلند ایرانپرست آمد و از همان سالهای نخستین، شاگردی مشتاق آموختن و دلسوز و آماده خدمت و همکاری علاقه‌مند، امین، دست و دل پاک و فرهنگ‌دوست اداره امور کتابفروشی را در داخل کشور عهده‌دار شد و مدیر با فراغت خاطر به دیدار دانشمندان و استادان می‌پرداخت و بر امور تجارتنی و حساب و کتاب خود نظارت

می کرد زیرا که با مؤسسات بزرگ نشر و فروش کتاب به خصوص در مورد آثار ایران شناسی در دنیا و بالاخص در هندوستان و اروپا سروکار داشت و سامان دادن این کارها تقریباً تمام وقت او را در برمی گرفت و برای رسیدگی به امور داخلی فرصتی باقی نمی گذاشت.

اثر وجودی آن شاگرد و همکار و عشق وافر وی به فرهنگ ایران خیال ایرانپرست را از جمیع جهات آسوده می داشت. آن شاگرد و همکار صمیمی و کتابشناس و کتابدوست همین آقای سید عبدالغفار طهوری مدیر لایق کتابفروشی طهوری است که در مدت نیم قرن و بیشتر کاردانی، سلامت نفس و صحت عمل او بر اهل کتاب و اهل علم و فضل ثابت و آشکار شده است. خداوند او را موفق و به سلامت دارد.

کتابفروشی دانش مرکزی علمی شده بود و دانشمندان و علمای نامدار از قبیل شادروانان جلال همائی، ملک الشعرا بهار، بدیع الزمان فروزانفر، دکتر محسن هشرودی، عباس اقبال آشتیانی، صادق هدایت، عبدالحمید مولوی، فخرداعی گیلانی و استادان حاضر: محیط طباطبائی، دکتر یحیی مهدوی، گلچین معانی، انجوی شیرازی، احمد سهیلی خوانساری، ایرج افشار و امثال اینان از ایرانپرست دیدار می کردند و همدیگر را می دیدند و گفت و گوها طبعاً درباره کتابهای تازه رسیده و اخبار مربوط به کتاب بود. هرگاه هدایت به کتابفروشی دانش وارد می شد با حضور ذهن و بذله گویی های خود، تازگی و طراوت وصف ناشدنی به محیط می بخشید. یاد رفتگان به خیر و عمر بازماندگان دراز باد.

مرحوم ایرانپرست با همه اشتغالاتی که داشت از تحقیق و تتبع غافل نبود، تصحیح و طبع گلستان و بوستان و غزلیات شیخ اجل، تألیف دستورزیان فارسی برپایه آثار سعدی، تصحیح و نداد، ترجمه اساطیر یونانی از جمله کارهای تحقیقی او است که خوشبختانه همگی طبع شده و انتشار یافته است.

دوره سه ساله مجله دانش که از مجلات پربار و مفید به شمار می آید. تجدید چاپ فرهنگ ۵ جلدی نظام به همان قطع رحلی بزرگ، چاپ و نشر تاریخ جهان و جغرافی جهان - هر دو اثر ویلیام هیلیر و ترجمه دکتر مصطفی مقربی و طبع و انتشار لذات فلسفه و تاریخ فلسفه - هر دو از ویل دورانت - ترجمه استاد دکتر عباس زریاب خوئی، ترانه های کردی تألیف دکتر محمد مکرری و آثار ماندنی دیگر به همت ایرانپرست صورت پذیرفته است.

هر کدام از درس خواندگان ما اگر مختصری از همت و فرهنگدوستی ایرانپرست را دارا باشند در ضمن این که به سرزمین خود دین خویش را پرداخته اند نام نیک و جاودانی هم برای اعقاب و بازماندگان خود تأمین کرده اند. امید آنکه روش نیک ایرانپرست - که سالهای اخیر نام گرامی خویش را ایزدپرست نهاده بود سرمشق جوانان دانش پژوه شود.

روانش شاد و یاد عزیزش همیشه به خیر باد.

یادی از استاد علی اصغر پتگر



استاد علی اصغر پتگر که از نقاشان معروف معاصر بود و بر جمعی از نقاشان شناخته شده امروز سمت و حق استادی و پیش کسوتی داشت روز پنجشنبه هفدهم اردیبهشت ۱۳۷۱ به دیار باقی شتافت. وی در سال ۱۲۹۲ در شهر تبریز بدنیا آمد. از همان سنین کودکی، او و برادرش جعفر، استعداد ویژه‌ای در زمینه هنر نقاشی از خود بروز دادند. در کارخانه قالی بافی دانی خود، با نقشه قالی و رنگ آمیزی قومی ایرانی آشنا شدند و به توصیه افراد آگاهتر خانواده، نزد «استاد میرمصور ارژنگی» به آموزش نکات فنی هنر نقاشی پرداختند. پس از فارغ التحصیل شدن از دبیرستان «شمس»، ایضاً به توصیه استاد «میرمصور»، راهی تهران شدند، در تهران همراه با کار بعدازظهر در یک نقاشخانه در خیابان رفاهی، در مدرسه «هنرهای مستظرفه کمال الملک» به تحصیل در این رشته ادامه دادند. در همین هنرستان با آثار مرحوم استاد «کمال الملک» و «شیخ اسماعیل آشتیانی» و «علی محمد حیدریان»، «ابوالحسن صدیقی» و امثالهم آشنا شدند. علی اصغر پتگر در عین حال که حرمت استادان را پاس می‌داشت از نظام آموزشی و شیوه تدریس محافظه کارانه آنان چندان خرسند نبود، لذا پس از فارغ التحصیل شدن از هنرهای مستظرفه، در سال ۱۳۱۹، آموزشگاه تعلیم طراحی و نقاشی «پتگر» را در خیابان نادری افتتاح کرد و به پرورش استعداد های جوان و آموزش این هنر به آنان به طریقی که خود مثمر می‌دانست پرداخت. اصولاً شیوه کارش بیشتر ریشه در تعلیمات «میرمصور ارژنگی» داشت و از آنجا که میرمصور در روسیه تعلیمات هنری دیده بود، روش قلم

زدن و رنگ آمیزی اش با مکتب شدیداً آکادمیک «کمال الملک» تفاوت‌های قابل توجهی داشت. از لحاظ جهانی نیز هنرمندان آذربایجانی، نظیر ارژنگی‌ها، علی اکبر یاسمی، باجلانلو و پتگرها، چندان موافقت و همدلی با تحت حمایت درآمدن و چهره دولتمردان را سفارش گرفتن، نداشتند. در آثار علی اصغر پتگر، شخصیت‌های اصلی، بیشتر مردم زحمتکش، همچون کارگران، پیشه‌وران، رختشویان، دایه‌ها و پیش‌خدمتان و انسان‌های دوره گرد و بی‌خانمان هستند که از نظر هنرمند همواره با خلقی مثبت و سازنده، بار سنگین خدمات انسانی و اجتماعی را به دوش می‌کشند و مظلومانه به حیات پرمشقت ولی پر از صفا و صمیمیت خود ادامه می‌دهند. علی اصغر پتگر، هرگز حقارت و غبار فقر را در چهره آنان رقم نزد بلکه همواره خرسندی و قناعت، سلامت و فقر توأم با استغنائی روانی آنان را در آثار خود تأکید می‌کرد و در این رابطه از رنگ آمیزی درخشان و شاداب و گرمای حیاتبخش آفتاب تهران برای رساندن منظور خود کمک می‌گرفت.

در سال ۱۳۲۲ با یکی از اولین افراد گروه شاگردان خویش، ایراندخت ستوده، ازدواج کرد که از او سه پسر به نامهای «نامی»، «نیما» و «مانی» و یک دختر به نام «میترا» داشت و می‌دانیم که دو پسر بزرگتر هم‌اکنون از هنرمندان معروف معاصر هستند و در واقع از زمره مهمترین شاگردانی هستند که استاد پرورنده است. در سال ۱۳۲۳ کارگاه جدید خود را به همراه برادرش در خیابان منوچهری تهران افتتاح کرد. کارگاہی که صرف‌نظر از مکانی مناسب برای پرورش هنرجویان، فضائی بود که مدتی قول و قرارها و تبادل نظرهای هنرمندانی نظیر شیخ اسماعیل آشتیانی، علی اکبر صنعتی زاده، حسین خان شیخ احیاء، رحساز، کاظمی، ویشکائی، مارکار قره‌بگیان، مطیع، علی کریمی، وارطانیان، منوچهر شیبانی، جلیل ضیاء پور، جعفر شریعتمداری (درویش)، بزرگ علوی، شهریار، نیما، صادق چوبک، نوشین، عاصمی، و نظایر آنها در آن مکان برقرار می‌شد، و حتی چند باری میزبان صادق هدایت و شین پرتو و... بود. در سال ۱۳۲۴، علی اصغر پتگر در نمایشگاه «دویست سال هنر ایران» که با همکاری دولت ایران و خانه فرهنگی ایران و شوروی در یکی از کاخها تشکیل شده بود، حدود سی و پنج اثر نفیس خود را به معرض نمایش گذارد. در این نمایشگاه جایزه گرفت و از طرف خانه فرهنگی به «ورشو» دعوت شد. احتمالاً به خاطر عدم توانائی اقتصادی نتوانست به آن سفر مطالعاتی برود. او همواره با حرکت‌های نوآورانه ناشی از گسترش «کوبیسم» و شیوه‌های مشابه مخالف بود. با نهضت خروس جنگی که توسط هنرمند سرشناس جلیل ضیاء پور و همراهانش براه افتاده بود، برخورد شدید داشت و هیچ‌گونه انعطاف‌پذیری از خود بروز نمی‌داد. با این حال بین سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۰ گام‌هایی در شیوه‌های مشابه امپرسیونیسم یا اکسپرسیونیسم

برداشت و آثاری آفرید که در زمان خود بنحوی، نوآورانه بود.

در سال ۱۳۴۲ هشتاد اثر خود را که مربوط به دوره‌های متفاوت کار هنریش بود در آتلیه بزرگ خود به نمایش گزارد. این نمایش که همزمان با چهارمین بی‌نیال ایران بود در محافل فرهنگی و ادبی بحث‌انگیز شد و باعث گردید که تماشاگران و منتقدان آثار نقاشی در قیاس بین آثار بنمایش گذاشته شده در بی‌نیال و آثار علی‌اصغر پتگر مقالاتی نوشتند.

در سال ۱۳۴۹، پس از مرگ همسر خود، اقدام به ازدواج مجدد کرد که از ازدواج دوم خود دو دختر به‌یادگار دارد، به نامهای مهرزاد و شهرزاد. متأسفانه ۴ سال بعد، از همسر دوم خود جدا شد و مسئولیت فرزندان کوچک خود را به عهده گرفت.

احتمالاً این حوادث به‌همراه فشارهای دیگر اقتصادی و اجتماعی، باعث گردید که نتواند همانند سابق از لحاظ کمی و کیفی به خلاقیت در زمینه نقاشی بپردازد. ولی او که از گذشته‌های دورتر گهگاه به غزلسرائی می‌پرداخت، فقط به سرودن غزل پرداخت و در حدود سال ۱۳۵۹ دیوانی از غزلیات ذوقی خود با عنوان «رنگین کمان» به‌همراه تصاویری از آثارش منتشر کرد.

در دهه شصت تقریباً به‌هیچ‌گونه فعالیتی در زمینه هنر نپرداخت و فقط معدودی از هنرجویان قدیمی خود را در خانه تعلیم می‌داد. از سال ۱۳۶۷ به بعد مکرراً به حمله‌های قلبی دچار می‌شد تا اینکه در اردیبهشت ماه گذشته دارفانی را وداع گفت.



رنگ تو هنوز در چمنها است
... از سوک تو چون بنفشه کور است
وز درد تو خون گریست چون گل
پیراهن پاره پاره گل
بوی تو هنوز در سمنها است
در هر طرفی که نارونها است
در هر چمنی که نسترها است
در ماتم روی تو کفنها است
نیک است، ولی در آن سخنها است
... دیدار تو با قیامت افتاد

دیوان سراج‌الدین ثمری. آراسته دکتر بدالله شکری

سالی از مرگ بی‌هنگام و دردآور دکتر احمد طاهری عراقی گذشت. ۳۳۷/۳۸

یاد دکتر طاهری عراقی، آدمی را به تجسم واژه «آهستگی» نزدیک می‌کند. این را از بسیاری دوستان و نزدیکان او هم شنیده‌ام. مردی آهسته و باوقار و شرمگین و اندک‌گوی بود. مرد گفتم، ولی راست آن است که از جوانی و در جوانی نیز چنین بود! بردبار و تابدار (= حمول) و بامناعت!

درد بزرگتر این است که با این همه فضیلتها، مردی فاضل و دانشمند بود، از نمونه‌ها نادر آمیختگی فضل و فضیلت! هرگز بد نمی‌گفت و از بدی کسان سخن نمی‌راند، تا جایی که می‌پنداشتی هرگز با بدی روبرو نگشته؛ و بدی در زندگی ندیده، در حالی که می‌دانستیم که نارواییهایی بر او رفته است و تبعیضاتی!

بدرستی او را «... از برجسته‌ترین ادبا و اسلام‌شناسان امروز ایران» دانسته‌اند. همواره در زندگی آموزش را با آمیزش همراه داشت. ادب و فروتنی و شایستگی او در حاشیه بزرگمردان دانشی را بر او باز می‌گشاد. طاهری اندوخته‌های بسیار دانش خود را به‌گزینش تمام ارائه می‌داد، از این است که از اندک او نامی مانا به جای مانده است. فهرست آثار عزیز آن عزیز در «نشر دانش»، شماره ۳، سال ۱۱، صفحات ۸۰ تا ۸۲ گویا و گواه دقتها و وسواسها و نشانه‌ای استوار از شیوه تحقیق و پژوهش است! خاک بر او خوش باد!



خردادماه، سالگشت فقدان مردی بزرگ از دیار ماست. نگریستن به سیمای «ملی» دکتر علی شریعتی، طبعاً برای خیلی‌ها طرفه و فرصتی مغتنم است. یادش را گرامی بداریم.

در اوایل قرن حاضر که واژه «ناسیونالیسم» از غرب به ایران آمد، روشنفکران آن روز ما معادل «ملیت» را برای آن انتخاب کردند که از نظر ملاً نقطی‌ها ترجمه درستی نبود زیرا کلمه «ملت» در زبان و ادب ما به معنی «فکر»، «ایمان»، «مسلك» و نیز مجموعه افراد انسانی دارای این مفاهیم مشترک است. در حالی که شک نیست روشنفکران و نویسندگان آن روز ما به خوبی می‌دانسته‌اند که «ملت» لفظ دقیقی برای ترجمه «ناسیون» نیست ولی انتخاب این لفظ در ازای اصطلاح اروپایی آن، خود، نمودار اختلاف عمیقی است که میان تلقی معنوی و تلقی نژادی از این مکتب در نزد ما و غربی‌ها وجود داشته و دارد؛ و این است که در برابر یک واژه‌ای که از اشتراک در وراثت فیزیولوژیک حکایت می‌کند، لفظی را برگزیده‌اند که اشتراک در شخصیت انسانی و محتوای معنوی را بیان می‌نماید و در حقیقت، بینش ما برای تعریف ملیت، اصل «اندیشیدن» را به جای اصل «زاییدن» نشانده است و «روح» را جانشین «خون» کرده است.

جالب این است که کلمه «ملت» با این که عربی است، تنها در زبان فارسی به ازای «ناسیون» انتخاب شده است و گرنه خود اعراب کلمه «شعب» را برگزیده‌اند هم‌ریشه با شعبه و تشعب و انشعاب. و پیداست که صورت (فرم) را وجه تسمیه گرفته‌اند به این معنی که ناسیون «رشته»‌ای است که از نهر بشری منشعب شده است. و مقایسه این سه اصطلاح متفاوت (ناسیون، شعب و ملت) برای یک مفهوم، سه نوع تلقی را می‌رساند که خود نماینده سه بینش متفاوت و مشخص فرهنگی و ملی است که: فکر لاتینی نژاد را ملاک گرفته و فکر عربی شکل (فرم) را و

«شخصیت فرهنگی» - که از آن به «ملیت» تعبیر می‌کنیم - مجموعه‌ی خصایلی است که در طول یک تاریخ مشترک، به گروهی از انسانها، روح واحد و روحیه‌ای مشترک و «وجدان جمعی» مشخصی بخشیده است و از مجموعه‌ی افراد این گروه، یک «خود» ساخته، بدان گونه که آنان یک واقعیت اجتماعی و احساس مشترک جمعی که از آن به «ما» (Le nous) تعبیر می‌شود در خود می‌یابند و آن را در برابر «دیگری» (L'autrui) می‌یابند و این، یک «اختلاف طبیعی» و یک «واقعیت اجتماعی» در زندگی انسانهاست.

ملیت، در یک کلمه، «شخصیت» یک وجود جمعی است که در طول تاریخ تکوین یافته، رشد پیدا کرده و اکنون، در رفتار، اندیشه و آفرینش و زندگی و خلق و خوی وی چنان آشکار است که آن را از دیگر وجودهای جمعی در جامعه‌ی بزرگ بشری مشخص و ممتاز می‌سازد و بدان شناخته می‌شود: فرانسوی، انگلیسی، یونانی، چینی، ایرانی، هندی، عرب، ترک و ...

ملیت - در تحلیل جامعه‌شناسی و علمی آن - نه تنها با ارتجاع و نژادپرستی مترادف نیست، بلکه یک «واقعیت انسانی» و یک «حقیقت اجتماعی» در میان انسانهاست که در تلقی علمی و مترقی آن، نه تنها عامل «برتری جویی‌های قومی» و «تنازع‌های ملی» نیست، که عامل «تفاهم و تعارف میان ملت‌ها» است و نه تنها مانعی در برابر «انسانیت» نیست که خود راهی است که تحقق راستین انسانیت (اومانیسم) در روی زمین - نه روی کاغذ - از آن عبور می‌کند.

در تاریخ ما، دوران جوشش و جنبش روح ملی که ایرانی با شورانگیزی بسیار در تلاش اثبات وجود و ماهیت خویش است و عصر نهضت‌های شعوبیه و ابومسلم و سپس دوران شاهنامه - نویسی و نظم اساطیر کهن و گرایش به احیای گذشته، درست هنگامی است که خلافت عرب به انکار آن می‌پردازد. و این که می‌بینیم ملیت ایران، در آغاز، در برابر اسلام، خود را نشان نمی‌دهد و پس از حکومت اموی و عباسی و ترکان غزنوی برمی‌شورد و روح می‌گیرد و به حرکت می‌آید و به روشنی چهره می‌نماید، از آن رو است که در آغاز، در برابر یک ایدئولوژی است که به دعوت وی می‌خواند نه به نفی وی؛ و سپس در برابر یک ملت بیگانه خود را می‌یابد که به نفی وی می‌خواند و تفوق بر وی، و نه دعوت وی.

کیست که در قرن ما شاهد رویش و پرورش ملت‌های نیرومند در دنیای سوم نباشد؛ یعنی در دنیایی که استعمار، آن را مزرعه‌ی خویش ساخته بود و با نفی ملت‌ها، حاکمیت و تفوق وجودی خود را همراه فرهنگ خویش بر آنها بخشیده بود و می‌بینیم که استعمار چه عامل نیرومندی در ایجاد و یا احیای ملت‌های نو و تجدید ولادت ملت‌های کهن به شمار آمده است.

شعوبیه... با استخدام هنر و ادب برای تبلیغ و تجهیز و انگیزش روح ملی و آزادی‌خواهی، نفوذ عمیقی در اندیشه‌ها کردند و توانستند در بدترین شرایط سیاسی و روحی‌ای که مردم ایران زیر هجوم نظامی و سلطه سیاسی و تبلیغات فکری اموی، به نومیدی و حقارت و شکست‌گرایی و تسلیم‌خو می‌کردند، روح حمیت و استقلال‌خواهی و امید به پیروزی و در نتیجه، ایستادگی در برابر خلافت را در آنان بدمند؛ و با تکیه‌ای که شعوبیه بر تاریخ ایران و گذشته پراقتدار و مفاخر ملت خویش می‌کردند، سابقه تاریخی را که داشت مدفون می‌شد و از یادها می‌رفت، دوباره مطرح سازند و احیا کنند و روح اتکا به خویش و ایمان به شخصیت خویش و بینش خود آگاهی تاریخی و ملی را دوباره زنده و فروزان سازند.

درس دیگری را نیز نهضت‌های ایرانی پس از شعوبیه به ملت‌ها آموختند که از همه گرانباتر و جاودان‌تر است و آن این که: «نباید برتری خویش را بر دیگران اعلام کرد، بلکه باید کوشید تا دیگران به برتری تو اعتراف کنند؛ زیرا از فضیلت خویش سخن گفتن، این خود یک نقیصت است» و این اعتراف را این ایرانیان هوشیار از دشمن گرفتند که خلیفه عباسی گفت: «این ایرانیان هزارسال بر جهان حکومت کردند و هرگز به کسی محتاج نشدند و ما که اکنون بر آنان حکومت یافته‌ایم، در اداره کارها، به آنان این چنین محتاج شده‌ایم».

اگر ببیندیشیم که «زبان» یک ملت وسیله تبادل فکری و تفاهم میان افراد است و «ادب» آینه‌ای است که در آن، شخصیت وی متجلی است و یک ملت در آن می‌تواند «خود» را ببیند و بازیابد و حس کند و بشناسد، می‌توانیم ارزش عظیم این نهضت را - که در قرون سوم و چهارم آغاز شد - ... دقیقاً ارزیابی کنیم.

زبانی که امروز نویسندگان و مترجمان تهیدست ما آن را در ترجمه یک مصاحبه سارتر و فارسی کردن یک کتاب علمی دبیرستانی، ناتوان احساس می‌کنند... زبانی بوده است که در ارتفاع، تا عرش اندیشه‌های مولوی بالا رفته است و در زیبایی و هنرمندی، بهشت سحرانگیز سخن حافظ را خلق کرده و در وسعت دامنه‌ی شمول، از دره سند تا بین‌النهرین و از ماوراءالنهر تا خلیج فارس، زبان ادبی و علمی و محاوره‌ای اقوام و ملل بوده و از دربار مغولان هند تا باب عالی اسلامبول، ادبا و نویسندگان و شعرای برجسته، بدان می‌نوشتند و می‌گفته‌اند و می‌سروده‌اند... و تا این اواخر نه تنها در هند که زبان تفکر و ادب، فارسی بود بلکه حتی در سرزمین‌های اروپای شرقی چون یوگسلاوی و بلغارستان شعرای پارسی (گوی بسیاری بوده‌اند).

اگر ملتی بر روی پایه‌های نهادی وجود خود ایستاده باشد و در حال خود آگاهی و

آزادی، و بر اساس نیاز و پسند خود، به «اقتباس» و «انتخاب» عناصری از خارج پردازد، بی‌شک به رشد حقیقت و شکوفایی و سرشاری فرهنگی و گسترش وجودی خود پرداخته است... آن که «اقتباس» می‌کند، خود آگاه آزادی است که عناصر مورد نیاز خود را از خارج برمی‌گزیند و برای تکمیل وجودی خود، این عناصر را در بنای شخصیت خود به کار می‌گیرد و در این «استخدام»، عناصری را که جذب می‌کند، از نظر شکل و جوهر با «خود» سازگار می‌سازد و بنابراین، شخصیت اقتباس‌کننده است که مصالح خارجی را به دلخواه خود تغییر می‌دهد و این، بزرگ‌ترین عامل پیشرفت فرهنگی یک ملت است.

انسان، همان گونه که برای بنای خانه خویش عناصری را از محیط طبیعی خویش می‌جوید و برمی‌گزیند و تغییر شکل می‌دهد و به صورت مصالحی در بنای خانه‌ای که «طرح» آن را خود خلق کرده است به کار می‌گیرد، برای بنای شخصیت فرهنگی خویش، دقیقاً باید همین کار را بکند. تعصبات ملی یا مذهبی یا فرهنگی‌ای که برای محفوظ ماندن خویش از هجوم بیگانه، درها را مطلقاً به روی خارج بسته‌اند، به زودی به انحطاط دچار شده‌اند.*



* برگرفته از «مجموعه آثار - شماره ۲۷» (بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی)، بخش دوم، بازگشت به خویش، ص ۸۹-۱۶۹.

دوره صحافی شده کلک

تعداد محدودی دوره سال اول مجله، با صحافی گالینگور در ۴ جلد آماده شده است. علاقمندان دوره صحافی شده مجله می‌توانند در تهران به کتابفروشیهای طهوری (خیابان انقلاب)، چشمه (خیابان کریمخان) و زمینه (تجریش - مقصودبیک) و در شهرستانها با مرکز پخش مجله تهران - صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۶۱۹ تماس بگیرند.

کلیات

• ریاحی، بزرگمهر. واژه‌نامه مهندسی ساختمان (انگلیسی - فارسی). تهران، ۱۳۷۰، ۱۷۲ ص، ۱۲۰۰ ریال.
هدف از گردآوری این واژه‌نامه، ارائه مجموعه‌ای کارآمد و کم و بیش جامع از لغات و اصطلاحات مورد نیاز در مهندسی ساختمان همراه با معادل‌های فارسی آنهاست.

مجموعه

• پژوهم، جعفر. نامی و نام‌های از: مهدی اخوان ثالث. قم، نشر سایه، ۱۳۷۰، ۱۱۲ ص، ۵۵۰ ریال.

مجموعه‌ای است به یاد اخوان ثالث. مقدمه به قلم سید محمد راستگو. نمونه‌هایی از اسلام سروده‌های اخوان و نامه اخوان به جعفر پژوهم که پادی از دکتر شریعتی شده است.

• خرمشاهی، بهاء‌الدین. سیر بی‌سلوک. تهران، معین، ۱۳۷۱، ۵۴۸ ص، ۴۷۰۰ ریال

کتاب شامل مباحثی است در زمینه دین، فلسفه، زبان، نقد و نشر. در ابتدای کتاب مقاله‌ای تحت عنوان «زندگی‌نامه خود نوشت» آمده است که با قلمی شیوا زندگی نویسنده بیان شده است.

مباحث دیگر که هر کدام چند مقاله را در برمی‌گیرد از این قرار است:

قرآن پژوهی - دین پژوهی و کلام - فلسفه و فلسفه علم - کتاب و نقد کتاب و زبان.

• نامواره دکتر محمود افشار (جلد ششم)، گردآوری ابرج افشار، با همکاری کریم اصفهانیان، تهران، انتشارات موفقات دکتر محمود افشار بزدی، ۱۳۷۰، ۳۷۴۸ ص، ۴۳۰۰ ریال.

این نامواره مجموعه‌سی مقاله است، از قبیل ایران و آسیای مرکزی از دکتر عبدالحسین زرین کوب (به فرانسه)، اصول و قواعد دستوری از دکتر خسرو فرشید ورد، زادگاه و مهرمینی از علی پاشا صالح، نامه دکتر ذبیح‌الله صفا، نامه پروفیسور کمپساروف از مسکو، تات و تازیکی و تاجیک از دکتر محمد دبیرسیاقی و مقالات دیگر.

سیاست

• کانوزیان، همایون. مصدق و نبرد قدرت. ترجمه احمد ندین، تهران، رسا، ۱۳۷۱، ۴۹۹ ص، ۴۰۰ تومان.

این کتاب، مبارزات سیاسی، دستاوردها و شکست‌های

نهضت ملی را در برمی گیرد. «مورخ در این اثر به شیوه عینی و علمی تاریخ نگاری عمل می کند و با اشاره مستمر به اسناد و مدارک و شواهد زنده مربوط به نهضت ملی ایران در سال های زمامداری مصدق، می کوشد گوشه هایی از تاریخ این کشور را روشن سازد.»

• تافلر، الوین. درقهای آینده. ترجمه عبدالحمین نیک گهر، تهران، البرز، ۱۳۷۰، ۳۴۷ ص. ۲۲۰۰ ریال.

درونمایه این اثر را مصاحبه های طولانی تشکیل می دهد. تافلر در این کتاب خود به موضوعاتی چون اقتصاد در بحران، آینده کار، انقلاب در نقشهای اجتماعی، سرچشمه های دگرگونی، اسطوره ژاپن و چند کشور دیگر، و آن سوی سرمایه داری و سوسیالیسم می پردازد.

• گالبرایت، جان کنت. کالبدشناسی قدرت. ترجمه دکتر احمد شهسا، تهران، نشر نگارش، ۱۳۷۰، ۲۷۱ ص. ۱۶۵۰ ریال.

«گالبرایت در زمره دانشمندان و صاحب نظران آزاداندیش است که حاصل تفکر و مطالعات خود را، هر چند با عقاید دیگران در تعارض باشد، بی پروا آشکار می سازد.» وی خود در خصوص این کتاب می نویسد: «... قریب چهل سال با مسائل نظری و عملی قدرت سروکار داشته ام. این کتاب مجموع اندوخته های من است از آنچه آزموده، خوانده و نوشته ام و حاصل کوششی است که در فهم موضوع به کار برده ام.»

... امید من آن است که خوانندگان از مفهوم جامعی که قدرت در خود گرفته است؛ از ساختار قدرت، از روابط و بستگی های متنوعی که در منابع و ابزار قدرت وجود دارد، از دگرگونی هایی که در طول زمان بر آنها عارض شده، از شکل نوین آنها و از تأثیری که بخصوص در اقتصاد، سیاست و دیگر زمینه ها به جای می گذارد، درک روشنی حاصل کرده باشند...

تاریخ

• باسمی، غلامرضا رشید. کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او. تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۶۹، ۲۹۸ ص. ۱۲۰۰ ریال.

از نظر مولف، «تاریخ کرد... باید از حیث ارتباط این طایفه با اصل نژادیش تحریر شود و سهم او از افتخاراتی که نصیب مجموع ملت ایران شده است، معلوم شود.»

کتاب حاضر، در دو باب و ده فصل تنظیم شده است و در باره موضوعاتی چون نژادشناسی، کردستان قدیم، کرد قبل از اسلام، کرد بعد از اسلام، به بحث پرداخته است.

• ایران در اشغال متفقین (مجموعه اسناد و مدارک ۲۶ - ۱۳۱۸)، به کوشش صفاءالدین تبرائیان، تهران، رسا، ۱۳۷۱، ۷۱۵ ص. بهاء؟

هدف از تدوین این اسناد ارائه «چشم اندازی از موقعیت تاریخی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی» در دهه بیست است و اکنون یک جلد از مجموعه موردنظر به چاپ رسیده است. کتاب حاضر «جنبه های گوناگون زندگی مردم ستمدیده و مقاوم ایران را در سال های اشغال نمایان» می سازد.

نقد ادبی

• اسلامی ندوشن، محمدعلی. جام جهان بین. تهران، جامی، ۱۳۷۰، ۳۱۸ ص. ۲۴۰۰ ریال.

«جام جهان بین» این کتاب در زمینه نقد ادبی و ادبیات تطبیقی است و شامل مقالاتی در دو زمینه مذکور است، از جمله: «خواننده و نویسنده، سودابه و قدر، خیام و فردوسی، بیهقی و فردوسی، ادبیات و اخلاق، تراژدی، کمدی، درام، انواع داستان، نقد شعر و نثر، شعر و شعر نو، ادبیات تطبیقی، ادبیات ایران و اخلاق.»

• احمدی، بابک. ساختار د تاویل متن. تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰، دو جلد، ۷۶۰ ص. ۶۴۰۰ ریال.

(جلد اول) «کتاب نخست، در باره تکامل تاریخی روش ساختاری پژوهش متون ادبی است. بحث با زبانشناسی سوسور و منطق پیرس آغاز می شود و ادامه ی آن به شرح نظریه های ادبی اندیشگرانی می رسد چون شکلوفسکی، یاکوبسن، باختین، موکاروفسکی، اسپیتزر، پروپ، یولس، برمون و گرماس.»

«در کتاب دوم از اندیشه هایی بحث شده است که مهمترین نظریه پردازان ساختارگرا در سه دهه ی اخیر در زمینه ی بررسی متون ادبی ارائه کرده اند، متفکرانی چون لوی استروس، فوکو، بارت، تودورف، ژنت، کریستوا و اکو.»

(جلد دوم) کتاب سوم به روش شالوده شکنی متن می پردازد که دریدا پایه گذاشته است. نقد این متفکر از «متافیزیک حضور»، اندیشه های بلوم، دمان و دیگر

شالوده‌شکنان و نیز نظریه‌های ادبی فیلسوفان پسامدر نیست چون دلوز و لیوتار در این کتاب آمده است.

کتاب چهارم در باره‌ی تکامل تاریخی و مباحث اصلی آیین هرمنوتیک است، از روش تاویل متون مقدس تا آخرین آثار نظریه‌پردازان «مکتب دریافت متن». در این راه اندیشه‌های نیچه، فروید، هوسرل، هیدگر، گادامر، هرش، ریکور، آیزر و یاس در باره‌ی تاویل متن طرح شده‌اند.

شعر

• ورزی، ابوالحسن. قصه عشق. تهران، پازنگ، ۱۳۷۰، ۴۲۰ ص. ۴۴۰ تومان.

این دیوان شعر، چهارمین اثر شاعر است و بعد از «سخن عشق»، «سرود و سخن عشق» و «صدای آشنا و ترانه‌های درد» چاپ می‌شود.

• امین ریاحی، دکتر محمد. کسایی مروزی (زندگی، اندیشه و شعر او). تهران، نوس، ۱۳۷۰، ۱۶۰ ص. ۹۵۰ ریال.

کسایی مروزی از شاعران بزرگ نخستین دوره شعر فارسی و از معاصران فردوسی است که آثارش گذشته از اهمیت آنها از نظر شعر و ادب و زبان فارسی، از این نظر هم که نکته‌های ارزنده‌ای از وضع اجتماعی فراموش شده عصر او در بردارد، خواندنی و بررسی کردنی است.

• دکتر ریاحی طی مقدمه‌ای جامع و کامل زندگی و عصر شاعر را بررسی کرده است و نمونه‌های اشعار کسایی در کتاب آمده است.

• شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان، نصیح محمود هدبری، تهران، پانوس، ۱۳۷۰، ۷۰۴ ص. ۶۰۰ تومان.

کتاب حاضر به احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان در قرنهای ۳-۴-۵ هجری پرداخته است. «اشعار این سخنوران از دهها کتاب تذکره، لغت، بلاغت، تاریخ و دیگر آثار بدست آمده است. روش تحقیق در این کار شیوه التقاطی و مختلط است و این شیوه به سبب تنوع مآخذ و اختلاف واریانها و نیز نقد ادبیات برگزیده شده و اختلاف نسخ در حاشیه ذکر گردیده است.»

• نوری کونانی، نظام‌الدین. آیات مثنوی معنوی. تهران، ناشر: مؤلف، ۱۳۷۰، ۲۷۲ ص. ۱۹۵۰ ریال.

در مقدمه آمده است: «قسمت اعظم متون زبان و ادبیات

فارسی ما را فرهنگ و معارف اسلامی تشکیل می‌دهد، لذا صلاح در این دیده شده است آیاتی که در اشعار به صورت تلمیح و یا ملمع به کار رفته، انتزاع گردد.» کتاب حاضر، با همان هدف، در مورد مثنوی معنوی انجام شده است.

• دیوان اشعار شادروان شیخ احمد بهار، به کوشش مهندس راشد بهار، ناشر: مهندس راشد بهار، ۱۳۷۰، ۸۸ ص. ۱۵۰ تومان.

این دیوان اشعار که به لهجه خراسانی و فارسی دری سروده شده است، شامل قصاید، مسطرات، ترکیب‌بندها و ترجیع‌بندها می‌شود. «بهار بدون شک یکی از پیشروان شعرانی است که برای بیان حقایق سیاسی و اجتماعی روز لهجه محلی را انتخاب و با رعایت صناعات ادبی اشعار خود را بصورت ترکیب‌بند، قصیده، و غزل سروده است.

• نمونه‌های شعر امروز افغانستان. به کوشش چنگیز بهلوان، تهران، بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱، ۳۵۱ ص. ۳۵۰ تومان.

«در کتاب حاضر اثر بیش از شصت شاعر معرفی شده است... شاعران معرفی شده در مجموعه‌ی حاضر نه از نظر ارزش شعری، نه از نظر سبک و نه از نظر زبان با هم برابر نیستند و هدف این مجموعه نیز، چنان که بالاتر اشاره داشتیم، گزیده‌ی بهترین نمونه‌های شعر امروز افغانستان نیست...» و در نظر بوده است تعدادی از شاعران افغانستان به دوستاناران ادب فارسی شناسانده شوند.

• جنگ مازندران و هفت‌خان رستم. به اهتمام دکتر سید محمد دبیرسیاقی، تهران، علمی، ۱۳۷۰، ۹۴ ص. ۶۰۰ ریال.

مؤلف در نظر دارد شاهنامه را «بخش‌بخش و داستان داستان در قطع کوچکتر، با افزودن مختصر توضیحات لغوی در پای صفحات و نقل فشرده هر داستان به نثر در آغاز آن» در دسترس خوانندگان قرار دهد. کتاب حاضر از همین مجموعه است.

عرفان

• برومند سعید، جواد (دکتر). زبان تصوف. تهران، پازنگ، ۱۳۷۰، ۴۷۷ ص. ۳۷۰۰ ریال.

در این اثر، «خواننده با زبردست داشتن این همه شواهد کافی از همه عرفا و همه زمانها و همه کتابهای عرفان مطمئن می‌شود که وجود و پیدایی زبان تصوف یک نظر خاص شخصی و فردی نیست، بلکه یک نهضت فکری است که در

طول سالیان دراز مورد علاقه گروه خاصی از مردم این سرزمین بوده و هم‌چنین قرن‌ها ادامه داشته است، بنابراین تصوف و تجلیات تصوف از جنبه‌های فرهنگی و جامعه‌شناسی نیز درخور توجه و بررسی است.»

• آرنالدز، روزه. مذهب حلاج. ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، جامی + انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ۲۲۱ ص. ۱۷۰۰ ریال.

• «کتاب حاضر یکی از سنجیده‌ترین تحقیقات در پیرامون حلاج است.» خواننده با خواندن آن، از مرام عرفانی و مسلک فلسفی حسین بن منصور حلاج آگاه می‌شود. در این کتاب، به موضوعاتی چون «مستی مرگ، مسیح در نظر حلاج، عقاید دیگران در باره حلاج» پرداخته شده است. پیشگفتاری نیز از منوچهر مرتضوی در کتاب حاضر درج شده است.

آموزش و پرورش

• هرش، سیمور. خودآموز برنامه‌نویسی بیسیک. ترجمه غلامرضا آذری، تهران، کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز)، ۱۳۷۰، ۳۷۶ ص. ۲۹۰۰ ریال.

«این کتاب که به زبانی ساده و به شکل خودآموز نوشته شده است، می‌تواند مورد استفاده کسانی قرار گیرد که می‌خواهند زبان برنامه‌نویسی بیسیک را پیش خود و در زمانی کوتاه بیاموزند و با ویژگیهای برجسته‌ی آن آشنا شوند. همچنین می‌توان از آن به عنوان کتاب درسی بهره برد.»

متون

• امین ریاحی، دکتر محمد. گزیده مرصادالعباد. تهران، توس، ۱۳۷۰، ۲۸۶ ص. ۱۸۰۰ ریال

مرصادالعباد نجم‌الدین رازی، یادگار جاویدان یکی از پرآشوب‌ترین ادوار تاریخ ایران است که به علت اوج اعتلای فرهنگ اسلامی ایران، و کثرت کینه‌ها و بحثهای فکری میان فرق مختلف، و جنگهای داخلی، و بالاخره هجوم و چیرگی تزار، و فراهم شدن موجبات انقراض خلافت بغداد، اهمیت خاصی دارد، که اثر آنهمه در لایله مرصادالعباد منعکس است.

رمان و داستان فارسی

• داستانهای کوتاه از نویسندگان امروز ایران و جهان، به کوشش صفدر تقی‌زاده و اصغر الهی، تهران، ناشر: مؤلف،

۱۳۷۰، ۵۵۵ ص. ۵۰۰ تومان

هیچ یک از داستانهای مجموعه حاضر پیش از این چاپ نشده است. ترکیب ایرانی - خارجی داستانها به خواننده امکان می‌دهد که تصویری روشن از دستاوردهای داستان‌نویسان ایرانی بدست آورد. در داستانهای کوتاه ایرانی، «هدف، بیشتر نمایش زنده‌ای از تجربه‌های زندگی واقعی است، تجربه‌هایی آمیخته با شور زندگی و درک حالات مردمی که نیاز واقعی‌شان عشق و تفاهم است.»

• عزیزی بنی طرف، یوسف. حته، شط و مرداب. تهران، ناشر: مؤلف، ۱۳۷۰، ۱۳۴ ص. ۱۰۰ تومان.

کتاب حاضر شامل پانزده داستان کوتاه از نویسنده است: زن و جاده، خمسه‌خمسه، پای پلایین، حویزه در نیویورک و داستانهای دیگر.

رمان و داستان خارجی

• بارون، جان. خلبان میگ - ۲۵. ترجمه فتح‌الله دیده‌بان، تهران، پازنگ، ۱۳۷۰، ۱۴۳ ص. ۱۳۰۰ ریال.

این کتاب، داستان واقعی ریوده شدن هواپیمای میگ ۲۵ شوروی است.

• گروسمان، لئونید. داستایوسکی، زندگی و آثار. ترجمه: سیروس سهامی. مشهد، نشر نیکا، ۱۳۷۰، ۶۱۲ ص. ۳۸۰۰ ریال.

در متن پرتلاطم روسیه اواسط سده نوزدهم و در آغاز، فروپاشی یک نظام خودکامه پوسیده و اوج‌گیری گرایشهای فکری و جنبشهای مترقی، داستایوسکی، نویسنده متفکر و انسان‌دوست روس، به آفرینش آثاری روی می‌آورد که به سبب عمق محتوا و کندوکاوی دقیق در زوایای پیچیده روح انسانی و همچنین به سبب اصالت فرم، از ماندگارترین ره‌آوردهای ادبیات جهانی محسوب می‌شوند. شورانگیزترین این رمانها بی‌گمان داستان زندگی آغشته به شوربخشی خود اوست که لئونید گروسمان، ناقد ادبی شوروی، در اثری مستند و محققانه می‌کوشد آن را در متن واقعیت‌های عصر داستایوسکی و از خلال عمده‌ترین رمانهای او بازآفریند و به خلق یکی از جامع‌ترین بررسیها در باره زندگی و آثار این نویسنده بزرگ نایل آید.

• پروست، مارسل. در جستجوی زمان از دست رفته (کتاب دوم). ترجمه مهدی سبحانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰، ۶۶۹ ص. ۶۲۰ تومان.

• «در دومین کتاب از مجموعه هفت کتابی که رمان عظیم و ماندگار جستجو را ساخته‌اند، راوی همچنان تماشاگری است حساس و کنجکاو که با چهره‌پردازی باریک بینانه آدمها و نقاشی ریزه کارانه محیط پیرامون آنان، ذهنیت و هنیای درونی پرتحول زمانه خویش را تصویر و توصیف می‌کند؛ او به ویژه به ذهنیت هنری دوران خود نظر دارد، و به همین سبب است که جستجو نه فقط اثری ادبی بلکه پژوهش در شناخت چند و چون خلق اثر هنری، و نقش هنرمند و زندگی در آن است.»

• کینگزلی، سیدنی. ظلمت در نیمروز. ترجمه هوشنگ حسامی، تهران، نجوا، ۱۳۷۰، ۱۶۷ ص. ۹۵۰ ریال.
این نمایشنامه بر پایه رمان آرتور کستر نوشته شده است. کینگزلی در این اثر کوشیده است «ساختاری از آمیزه شگردهای تئاتری و سینمایی، زمینه را برای سه داوری هم زمان فراهم آورد. داوری رویاشوف درباره خود، داوری نظام در باره رویاشوف و داوری این هر دو از سوی تماشاگر.»

• چورکا، ایشتفان. وقتی همه ثروتمند باشند. ترجمه نریمان حاجتی، نشر سمر، ۱۳۷۰، ۱۹۱ ص. ۱۱۰۰ ریال.
این کتاب داستانی است نوشته چورکا، نویسنده مجاری، که از آلمانی به فارسی ترجمه شده است.

• برونته، شارلوت. جین ایر. ترجمه محمدتقی بهرامی حرّان، تهران، جامی، ۱۳۷۰، ۶۵۵ ص. دو جلد، ۳۷۰۰ ریال.
«... اکثر وقایع داستان جین ایر بر مبنای واقعیت نوشته شده.» براساس اشاره ناشر، این کتاب متن کامل رمان جین ایر است.

• استون، ابروینگ. گنج یونانی، ترجمه محمدتقی بهرامی حرّان، تهران، جامی، ۱۳۶۹، دو جلد، ۳۵۵ + ۷۷۲ ص. بهاء؟

استون، در این اثر، «یکی از مهمترین اکتشافات روزگار ما، یک داستان هیجان‌انگیز و پرماجرا به خواننده ارائه می‌دهد... وی، برای نوشتن کتاب حاضر سه سال در موزه‌ها و آرشیوهای اسناد ملی یونان و ترکیه مطالعه می‌کرده.»

• فاکتر، ویلیام. اسبهای خالدار. ترجمه احمد اخوت، تهران، نشر فردا، ۱۳۷۰، ۱۸۲ ص. ۱۴۰ تومان.

این رمان کوتاه یکی از سه رمان کوتاهی است که فاکتر نوشته است. خلق این اثر مدت دوازده سال ذهن نویسنده را مشغول داشته است.

• بیضائی، بهرام. سلطان مارتهران، تبراز، ۱۱۲ ص. ۹۰۰ ریال.

نمایشنامه‌ای است از بهرام بیضایی که به چاپ سوم رسیده است.

• نورگنیف، ایوان. سیلابهای بهاری. ترجمه محمود محرر خمایی، تهران، تبراز، ۱۳۷۰، ۳۱۰ ص. ۲۱۰۰ ریال.

«نورگنیف را اگرچه به مراتب کمتر از تولستوی و داستایوسکی است و قدرت این دو را ندارد باید از شمار رمان نویسان بزرگ دانست.» سیلابهای بهاری رمان دیگری از نورگنیف، نویسنده «رودین»، است که به فارسی برگردانده‌اند.

• بیضائی، بهرام. حقایق در باره لیلیا دختر ادیس. تهران، تبراز، ۱۳۷۰، ۱۰۴ ص. ۷۵۰ ریال.

فیلمنامه‌ای است از بهرام بیضائی. در آغاز آمده است: «در زمستان ۱۳۵۴، هرکس در هرمقام، در حد توانائی خود کوشید که این فیلم ساخته نشود.»

هنر

• کلبد گنج سعادت. ندوین، خط و نشر: صدیق؛ نذیب و میناتور: برهان فاضلی، عباس مجیدی، غلامرضا اسماعیل‌زاده، ۱۳۷۰.

این اثر، مجموعه‌ای از ۱۶ تابلو است و در آن سعی شده «انتخاب مضامین و موضوعات مشحون از پیام‌های انسانی و درسهای زندگی باشد... تعدادی از تابلوهای این مرقع تلفیقی از هنر میناتور و نذیب و تشعیر و خوشنویسی است.»

• شکیبیا، پروین. شعر فارسی از آغاز تا امروز. تهران، هیرمند، ۱۳۷۰، ۴۷۶ ص. ۲۳۵۰ ریال.

فصل اول کتاب به صنایع شعری اختصاص یافته و در فصل دوم شعر و ادب فارسی در سه قرن اول هجری مورد بررسی قرار گرفته است. در فصول بعدی نویسنده دورانهای ادبی شعر ایران را همراه با نمونه‌های اشعار تا شعر معاصر مورد تحلیل قرار داده است.

• بل، هاینریش، نا زمانی که... ترجمه کامران جمالی، تهران، دنیای مادر، ۱۳۷۰، ۳۰۸ ص. ۲۰۰۰ ریال.

مجموعه چند داستان از هاینریش بل و دو مقاله در باره «نقدی بر جنگ و صلح یا کوشش در جهت نزدیکی» و «در باره رمان».

• ستاری، جلال، جانهای آشنا، تهران، نوس، ۱۳۷۰، ۷۶۵ ص. ۴۵۰۰ ریال.

در پیشگفتار نویسنده در معرفی کتاب می‌خوانیم: «کتابی که از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد، اگر دنباله کتاب: «پیوند عشق میان شرق و غرب» که نگارنده در سال ۱۳۵۴ انتشار داد نباشد، بی‌گمان با آن بی‌ارتباط هم نیست، زیرا نویسنده کوشیده تا نکته مهمی را که، به تصور وی، در آن نوشته ناگفته مانده بود و یا به روشنی بیان نشده بود، در این کتاب شرح کند.»

ادبیات کودکان و نوجوانان

• هاینه، همله، سگ آبی و میزاید، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱، ۴۰۰ ریال.

• کمال، آکپ، پرنده‌ای که فیل بود، ترجمه فرینوش وحیدی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰، ۴۸۰ ریال.

هر دو اثر، که در مجموعه «کتاب مریم» چاپ شده‌اند، داستان کودکان هستند با نقاشی‌هایی از هاینه و فرانسه لُساک.

• امامی، حسام‌الدین، سیمای نامداران، تهران، انتشارات راد، ۱۳۷۰، ۳۹۸ ص.

خصوصیت عمده کتاب این است که برای اولین بار شرح حال بیش از یک‌هزار نام‌آور تاریخ بشری را از ۵۵۰۰ سال پیش بدین طرف در یک مجلد با ایجاز و فشردگی خاصی به صاحب‌نظران عرضه می‌دارد. نویسنده برای تحقیق در احوال شخصیتهای مورد بحث در کتاب منابع فراوانی را مورد مطالعه قرار داده است.

• نصیری‌فر، حبیب‌الله، مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، تهران، انتشارات راد، ۱۳۷۱، ۵۱۲ ص.

جلد دوم کتاب «مردان موسیقی...» اختصاص به نوازندگان تار، کمانچه، سه‌تار، سنتور، ویولن و قانون دارد.

در فصل دوم نوازندگان پیانو، ارگ - آکوردئون زندگی‌نامه کوتاه آنها آمده است. فصل سوم: نوازندگان نی، قره‌نی، ترومپت، فلوت و ضرب. فصل چهارم: تعزیه و نوحه‌خوانی، مریبان آواز و موسیقی سنتی. فصل پنجم: رهبران ارکستر و آهنگسازان سبک نوین. فصل ششم: تاریخچه ارکستر سمفونیک تهران، مشخصات نالار رودکی. فصل هفتم: منابع تحقیق در موسیقی ایران، چند واژه موسیقی و تاریخچه پیش‌پرده‌خوانی. فصل هشتم: تعریف سازها، سازندگان سازها، ساخت ساز، پیدایش موسیقی، صدابرداران و صداگذاران.

• دیوان دهخدا، به کوشش دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران، تیرازه، ۱۳۷۰، ۲۰۹ ص. ۸۰۰ ریال.

«شعر دهخدا خود جلوه پر فروغ دیگری است از چهره تابان او، کلامی است آهنگین با یافتی ویژه همانند مقالات طنز آمیزش... کتاب حاضر، مجموعه اشعار شادروان علی‌اکبر دهخداست که در صدمین سال زاده شدن آن بزرگمرد طبع و نشر می‌گردد.»

• سهراب (هافی)، معصومه-هافی، تجربه‌های مدرسه‌داری، تهران، ناشر: نویسندگان، ۱۳۷۰، ۲۷۱ ص. ۱۹۰۰ ریال.

کتابی است در باره اولیا، مریبان، فرزندان و در سه بخش تنظیم شده است:

گردش کار، در راه آموزش، در مسیر پرورش. مولفان در پیشگفتار نوشته‌اند: «... تشویق دوستان و دانش‌آموختگان مدرسه مهران ما را بر سر شوق آورد که به بازگویی پاره‌ای از اندوخته‌ها و آموخته‌های خویش بپردازیم - باشد که معلمی، مدیری، ناظمی، پدر و مادری، یا پژوهشگری را به کار آید...»



دور صحافی شده کلک

تعداد محدودی دوره سال اول مجله، با صحافی گالینگور در ۴ جلد آماده شده است.

علاقه‌مندان دوره صحافی شده مجله می‌توانند در تهران به کتابفروشیهای طه‌پوری (خیابان انقلاب)، چشمه (خیابان کریمخان) و زمینه (تجریش - مقصودبیک) و در شهرستانها با مرکز پخش مجله تهران - صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۶۱۹ تماس بگیرند.

نگاهی به مجله‌های ادبی، فرهنگی و هنری

افغانستان در روزهای پیروزی (مسعود بهنود).

آینه پژوهش.

شماره ۱۱. بهمن و اسفند ۱۳۷۰.
صاحب امتیاز: محمد عبائی خراسانی.
مدیر مسؤول: مصطفی درابنی.
سر دبیر: محمدعلی مهدوی راد.
وضعیت انتشار: دو ماه یکبار.
۱۲۴ صفحه. ۴۰۰ ریال.

فهرست مطالب: فهرستهای پایان کتاب در عصر اطلاعات (عبدالحسین آذرنگ) - نقد و معرفی کتابهای: «السیرة النبویة»، «فرهنگ شاعران زبان پارسی»، «درسهای الهیات شفا» و «تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم» (محمدعلی جاودان، محمد اسفندیاری، محسن غرویان و رسول جعفریان) - پژوهشهای در آستانه نشر - نامه (محمد رضا حکیمی) - آشنایی با مرکز فرهنگ و معارف اسلامی - تازه‌های نگارش و نشر (محمدعلی مهدوی راد و علیرضا ذکاوتی قراگزلو) - کتابشناسی اخلاقی (ابوالحسن مطّلی) - بازدید از دانشگاه کمبریج (مهدی محقق) - اخبار.

ادبستان.

شماره ۲۹. اردیبهشت ۱۳۷۱.
صاحب امتیاز: مؤسسه اطلاعات.
مدیر مسؤول و سردبیر: سیداحمد سام.
وضعیت انتشار: ماهانه.
۸۶ صفحه. ۲۵۰ ریال.

فهرست مطالب: تحقیقی پیرامون اخلاق اسلامی در شاهنامه فردوسی (حمید فرزام) - طلب در مثنوی (اسحاق طغیان) - لغات و اصطلاحات «تعلیم و تربیت» در آثار شهید مطهری (محمدحسن محمدی) - گفت‌وگو با مجید کیانی (فرمهر منجزی) - گفت‌وگو با محمد رضا باطنی (ماریا ناصر) - در باره زندگی، آثار و فلسفه آلبر کامو (آن برونشویک / سیروس سعیدی) - گفت‌وگو با صفر سلیمان، استاد دانشگاه در تاجیکستان - اولیور استون، افشاگر ماهیت پلید هیأت حاکمه آمریکا (وصال روحانی) - جستجویی در زندگی و شعر «مظهر خوبی» (کامیار عابدی) - گفت‌وگو با فرامرز پایور (میر محمود میرزاده) - ماهیت و دریافت نقش در بازیگری (میرکمال میرنصیری) - نگاهی به اجرای «دایی وانیا» و فیلم «اوینار» - برخی تأملات و یک داوری دیگر پیرامون «مسخ» (فاضلی بیرجندی) - اخبار فرهنگی و هنری.

آدینه.

شماره ۷۰. اردیبهشت ۱۳۷۱.
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: غلامحسین ذاکری.
دبیر تحریریه: فرج سرکوهی.
وضعیت انتشار: ماهانه.
۷۶ صفحه. ۵۰۰ ریال.

فهرست مطالب: خبرهای فرهنگی و هنری - فرهنگ در بودجه عمومی، با مطالبی از: آذر بهرامی، بهروز غریب‌پور، محمد رضا درویشی و قطب‌الدین صادقی - سیری در «ورقه و گلشاه عیوقی» و لیلی و مجنون نظامی (پرویز اهور) - متن سخنرانی محمود دولت‌آبادی در سمپوزیوم «ادبیات در گذار به هزاره سوم» در مونیخ - نقد کتابهای «آنه اید»، «فصل پنهان»، «به یاد یک پرنسس مرده» و «نورشناسی» (کامران جمالی، عمران صلاحی و...) - شعرهایی از یدالله رویایی، حمید عرفان، فرشته ساری و... - ناقوس مرگ آمریکا را می‌زنند (پل سوتیزی / ناصر زرافشان) - نقد نمایشنامه ادیپوس (محمد رضا طاهریان) - نگاهی به نمایشگاه نقاشی شمیلا امیر ابراهیمی، هما خوشبین، مهدی سبحانی و... - شعر مدرن، ناب و معاصر است (علی باباچاهی) - نگاهی به

شماره ۳ و ۴، اسفند ۱۳۷۰ و فروردین ۱۳۷۱.

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: کیانوش کیانی هفت‌لنگ.

زیر نظر شورای سردبیری.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۶۸ صفحه. ۵۰۰ ریال.

فهرست مطالب: چهارشنبه‌سوری (آناهیتا مصطفوی) -
 نوروز ایران (علی‌اصغر مصطفوی) - اسطوره‌شناسی نوروز
 (حجت‌الله حسن لاریجانی) - نوروز در کردستان (احمد
 شریفی) - عید نوروز در شمال ایران (بابک دهان) - بخشی و
 موسیقی ترکمنی (محمد رضا بیگدلی) - جغرافیای تاریخی
 مازندران (میرسعید نیکزاد لاریجانی) - سفری در میان
 ماهی‌خواران (اوودن لانگو / سوسن اردبیلی) - آگاهی‌هایی
 درباره آخرین والی پشتکوه (شهادت حیدری) - نگاهی به
 کتاب ترانه‌های شمال (حسین صادی) - نابرابری روستایی و
 مهاجرت... (حمید مهندي / صدیقه نورصادقی).

پیام یونسکو (انسان و بازی).

شماره ۲۵۲، خرداد ۱۳۷۰.

زیر نظر: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

مدیر: محمد پازسی.

ویراستار: علی صلحجو.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۵۲ صفحه. ۳۵۰ ریال.

فهرست مطالب: گفت‌وگو با صدرالدین آقاخان - شوق
 زیستن (مارتین موریرابوسکه) - میان نظم و هرج و مرج
 (گراسپلا شینز) - این طبیعت است که بازی می‌کند (شالوا
 آمونا شویلی) - لبخند، لبخند، لبخند (مارسی پاریاترا) -
 رشد کودک از طریق بازی (ریموندو دینللو) - بازی و
 مقدسات در آفریقا (بارتلمی کومونه - کرو) - بازیهای جدی
 و بی‌تفریح (ژان دورسون) - ورزش و بازی (جورج مگنن)
 - دوگون‌ها، ساکنان پرتگاههای مالی (کارولین هارت) -
 سرزمین افسانه‌ای کانای (فرانسوا برنار هوئیگ).

خاوران.

شماره ۱۳، فروردین ۱۳۷۱.

صاحب‌امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر: حسن میرنژاد.

مشاور: علیرضا لعلی.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۷۶ صفحه. ۵۰۰ ریال.

فهرست مطالب: دولت و انقلاب - جامعه‌شناسان و توسعه

(گزارش و گفت‌وگو) - شعر در دهه شصت (گفت‌وگو با

بهزاد خواجهات، عبدالعلی دستغیب، عزت‌الله قاسمی، سیدعلی

صالحی و میرزا آقا عسگری) - نقد اسطوره در عمل (ویلفرد.

ل. گورین، لی مورگان و... / کیوان نریمانی) - عشق و

ازدواج در کمدی انسانی بالزاک (آندره موروا / سیاوش

سرتیپی) - فروغ و روشنفکری بومی (سهراب پور ابراهیم) -

موسیقی سنتی و نیازهای زمانه ما (فرزاد همت‌پار) - روستای

یهن (محسن میهن‌دوست) - شعرهایی از اسماعیل خوبی،

محمد رضایی فرخانی، منصور اوجی و... - بنیانهای نظری

تحولات قرن بیستم (سعید فکری) - سلامی به پارسی‌گویان

آسیای میانه (مهیار علوی مقدم).

سوره.

دوره چهارم، شماره ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱.

صاحب‌امتیاز: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

مدیرمسئول: محمدعلی زم.

سردبیر: سید مرتضی آوینی.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۱۰۰ صفحه. ۴۵۰ ریال.

فهرست مطالب: یک گفت‌وگوی جدی با گل آقا -
 گزارش میزگرد «آزادی، فرهنگ و هنر ایران» در دوسلدورف
 آلمان - فرهنگ عامه، از سینه به سینه (محمدعلومی) - چارلز
 دیکنز در یک نگاه (شهریار زرشناس) - معرفی کتابهای
 ادبیات داستانی - بحران در سینمای ایران (بهروز افخمی) -
 گفت‌وگو با مجید مجیدی کارگردان «بدوک» - سالن‌های
 سینما در تهران (مسعود حسینی) - فرهنگ واژه‌های سینمایی
 (رحیم قاسمیان) - نمایشنامه و زبان (نصرالله قادری) -
 تصویر نثارت معاصر (سیلویین بونرو / محمود عزیزی) -
 فرهنگ نثارت (آرش مهرداد) - مجسمه، بت نیست: گفت‌وگو
 با طاهر شیخ‌الحکما - دائرةالمعارف هنرهای تجسمی:
 گفت‌وگو با یعقوب آژند - موسیقی سنتی ایران... (علیرضا
 میرعلی نقی).

صنعت چاپ.

شماره ۱۱۳، اردیبهشت ۱۳۷۱.

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: حسین شیرزاد.

سردبیر: مرتضی کریمیان.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۶۸ صفحه. ۴۰۰ ریال.

فهرست مطالب: مسائل و موقعیت حروفچینی در ایران
(مرتضی اوجی) - تحول حروفچینی به چه قیمت، به کدام سو؟
- تکنولوژی و نیروی انسانی - کامپیوتر روی میز چاپچی ها -
حروفچینی از اعصار قدیم تا امروز - نرم افزارهای نشر
کامپیوتری، ویژگی ها و امکانات (محمد صنعتی) - طراحی
حروف فارسی (گفت و گو با حسین عبدالله زاده حقیقی) -
زیبایی شناسی حروف (کامران افشار مهاجر) - نشر
کامپیوتری - معرفی ماشین های حروفچینی به روش عکاسی
(رضا مظاهری) - گفت و گو با مسؤل لاپتوترون کیهان -
چهار دیدگاه در باره مجوز تأسیس چاپخانه های جدید.

فروهر.

سال بیست و هفتم، شماره ۱ و ۲. فروردین و
اردیبهشت ۱۳۷۱.

صاحب امتیاز: سازمان فروهر.

مدیر مسؤل: هرمزد یار هرمزدبازی.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۶۰ صفحه. ۴۰۰ ریال.

فهرست مطالب: دستور نوشیروان (جهانگیر فکری ارشاد)
- سیر تحول مذهب در ایران باستان (برات الله صمدی راد) -
شهرهای ایران در زمان ساسانیان (فریدون آوزمانی) -
جستاری نوین در شاهنامه فردوسی (سرافراز غزنی) - نقد و
تحلیل تراژدی رستم و سهراب (دبیری نژاد) - آفت تحصیلی:
علل و چگونگی جلوگیری از آن و ایجاد انگیزه تحصیلی
(پرویز نیلوفری) - پیشینه تاریخی نظنز (بختورتاش) - داستان
پسران فریدون (احسان یارشاطر) - نگاهی به خوراسان -
اخبار زرتشتیان.

فرهنگ و سینما.

شماره ۱۶. اردیبهشت ۱۳۷۱.

صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: پرویز صمدی مقدم.

مدیر امور اجرایی: مهران حسامی.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۷۶ صفحه. ۵۰۰ ریال.

فهرست مطالب: دیدگاهها - رویدادها - گفت و گو با
مرتضی آوینی - نگاهی به تئوری و نقد سینمایی معاصر
(کمال پورخسرو) - بازیگران شیوه گرا: مارلون براندو
(علیرضا شمیرانی) - گزارش سمینار بین المللی بررسی
سینمای پس از انقلاب اسلامی - اسکار ۹۲ و جایزه افسوس
برای غولهای سینما - گفت و گو با علیرضا دلوود نژاد - نقد

فیلم های «نیاز» و «رقص با گرگها» - نقد موسیقی فیلم -
نامه ها.

فیلم.

شماره ۱۲۳. اردیبهشت ۱۳۷۱.

صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مسعود مهربانی.

دبیر شورای نویسندگان: هوشنگ گلیمکانی.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۱۲۰ صفحه. ۶۰۰ ریال.

فهرست مطالب: دهنه شصت: سینمای ایران (هوشنگ

گلیمکانی، احمد طالبی نژاد، سعید عقیقی و...) - برلین ۹۲:

سایه ها و مه (مسعود مهربانی) گفت و گو با مورتیس دوهادلن،

الدرشنگلاپا، ایشتوان ژابو و علیرضا شجاع نوری - گفت و گو

با مرتضی آوینی.

کیان.

شماره ۵. فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱.

صاحب امتیاز: سید مصطفی رخ صفت.

سر دبیر: ماشاء الله شمس الواعظین.

مدیر مسؤل: رضا نهرانی.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۷۶ صفحه. ۵۰۰ ریال.

فهرست مطالب: میزگرد «بحران روشنفکری در جهان

عرب» - عقل و آزادی (عبدالکریم سروش) - ثبات و تغییر

در اندیشه دینی (حبیب الله پیمان) - خبرهای فرهنگی، هنری

ایران و جهان - روابط قبیله و سلطان درد و آزمون «عثمانی» و

«صفوی - قاجاری» (وجیه کوثرانی، رضوان السید / مقصود

فراستخواه) - کژتابهای زبان (بهاء الدین خرّمشاهی) - آینده

از پنجره رمان (ترجمه حسن کیانپور) - شیوه های روایت

(دیوید لاج / لعیا) - شعر مکزیکی (متین نیکان) - نگاهی به

نمایشنامه «ادیپوس شهریار» (کمال شفیع) - تارکوفسکی

که من می شناختم (آرکادی استروگاتسکی / گلبو معرفت).

کیهان فرهنگی.

سال نهم. شماره ۲. اردیبهشت ۱۳۷۱.

مدیر مسؤل و سر دبیر: محمود اسعدی.

مسؤل اجرایی: کامران شرفشاهی.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۶۸ صفحه. ۳۰۰ ریال.

فهرست مطالب: شکست مارکیسم: ریشه ها، پیامدها

و... (گفت‌وگو با غلامرضا اعوانی، علیقلی بیانی و دکتر فرهنگ رجایی) - علل فروپاشی مارکسیسم (گفت‌وگو با غلامعلی حداد عادل) - چه کسی آزاد است؟ (علی شریعتمداری) - فرانوگرایی: زمینه‌های فکری اقتدار فرهنگی سیاسی غرب (نتی آزاد ارمکی) - هفت باروی هگمتانه (میرجلال‌الدین کزازی) - پیشینه ایران‌شناسی و زبان فارسی در ژاپن (حسین رزمجو) - ثنوری همسان اکولوژی فرهنگی (حمید مولانا) - صاعقه ما ستم اغنیاست [نگاهی به شعر پروین اعتصامی] (محمد حسینی) - سخن عشق نشانی دارد (محمود شاهرخی) - سنت و موسیقی (نورج زاهدی) - بررسی کتاب‌های «شیوه‌های نقد ادبی» و «هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنایی» (محمود اسعدی، ناصرالدین دیباجی) - نگاهی به کتابهای تازه - رویدادهای فرهنگی ایران و جهان.

گرافیک

شماره ۱. خرداد ۱۳۷۱.

صاحب امتیاز، مدیر مسؤول و سردبیر: نجم‌الدین فرخ‌پار.

وضعیت انتشار: دو ماه یکبار.

۳۶ صفحه. ۵۰۰ ریال.

فهرست مطالب: گفت‌وگو با مرتضی ممیز و ابراهیم حقیقی - مفهومی منحصری‌فرد از نمایش و تیرینی ژاپنی - آشنایی با موزه هنرهای معاصر تهران - گفت‌وگو با مدیرکل مرکز هنرهای تجسمی - هنر نقاشی و هنرهای کاربردی (جلال شباهنگی) - آشنایی با سائول باس.

گزارش فیلم

شماره ۲۵. اردیبهشت ۱۳۷۱.

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: کریم زرگر.

دبیر هیأت اجرایی: فریدون جیرانی.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۱۰۰ صفحه. ۵۰۰ ریال.

فهرست مطالب: اخبار ماه - گفت‌وگو با عباس کیارستمی و سعید مظفری - اکران اول - گفت‌وگو با فرامرز صدیقی و علی‌اکبر قاضی نظام - نقد فیلم «نیاز» (خسرو سینایی، فریدون صدیقی، مسعود بهاری و اکبر محمدآبادی) - ویدئو، آری یا نه؟ (گزارشی از رضا خسروی، معصومه فضائی، رویا قلی‌پور و آذر صائین) - گفت‌وگو با احمد ضابطی جهرمی - بحران در سینمای ایران (بهروز افخمی) - سینما، کارگردانان بزرگ و موسیقی الکترونیک (سعید

شهرام) - گفت‌وگو با غلامحسین نقشبند - تلویزیون - از نگاه خوانندگان.

گلچرخ

شماره ۲. اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۱.

صاحب امتیاز، مدیر مسؤول و سردبیر: سیدعلی موسوی گرمارودی.

وضعیت انتشار: ماهانه.

۷۶ صفحه. ۶۰۰ ریال.

فهرست مطالب: آزاداندیشی، دیوار بدیوار ایمان و کفر (رضا استادی) - داستان ضحاک... (عنایت‌الله رضا) - یادداشتهایی در باره «ذهن و زبان حافظ» (امیری فیروزکوهی) - اشتقاق و تعریب (عبدالقادر گیلانی / احمد آرام) - هویزه: از خانه‌های نی و گل تا خانه‌های سنگ و آجر (علی بلوکباشی) - زن در شعر و زندگی من (نزار قبانی / عبدالله شریفی نجسته) - دانشگاه آزاد اسلامی در گفت‌وگو با دکتر عباسپور - شعرهایی از محمد محیط طباطبائی، محمد حقوقی و... - نقدی بر کتاب «درآمدی کوتاه بر باستانشناسی» (ناصر تکمیل همایون) - اصفهان در حماسه‌های کهن فارسی (ع. روح بخشان) - تراژدی ایرج، تقابل قدرت و اخلاق (حجت‌الله اصیل) - ایران‌شناسی در چین (محمد ترابی) - مشترکاتی از: دیوان و پیشدادیان با سومریان (محمدحسن ابریشمی).

مجله باستان‌شناسی و تاریخ

سال پنجم. شماره ۲. بهار و تابستان ۱۳۷۰.

از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

به سرپرستی: نصرالله پورجوادی.

وضعیت انتشار: شش ماه یکبار.

۹۶ صفحه. ۶۵۰ ریال.

فهرست مطالب: باستان‌شناسی و سفال (یوسف مجیدزاده) - رواج ابسیدین و کهن‌ترین تبادلات «فرهنگی» - تکنولوژیکی «آن در ایران (جلال‌الدین رفیع فر) - دیلمون، مکن و ملوخ (کامیار عبدی) - معرفی دو گونه سفال جدید از منطقه کرمان (منصور سید سجادی) - تبدیل دو آتشکده به مسجد در ابرقو و عقدا (مهرداد شکوهی / ناصر نوروززاده چگینی) - روایت عینی وقایع سلطنت شاه‌صفی (ناصر نوروززاده چگینی) - کتابهای تازه (امید ظیب‌زاده) - معرفی کتاب و مجله (ک. عبدی، ی. مجیدزاده) - خبرها.

شماره ۳۲، پائیز ۱۳۷۰.

صاحب امتیاز: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

مدیر مسئول: محمد واعظزاده خراسانی.

وضعیت انتشار: سه ماه یکبار.

۲۰۴ صفحه، ۳۰۰ ریال.

فهرست مطالب: نقش امام صادق (ع) در نهضت علمی صدر اسلام (محمد رضوانزاده خراسانی) - سخنی پیرامون تفسیرالمیزان (محمد واعظزاده خراسانی) - مابعدالطبیعة صدرالدین شیرازی و فلسفه اسلامی در ایران دوره قاجار (حسین نصر / جواد قاسمی) - نخستین جامه‌ای که خراسانیان بر کعبه پوشانیدند (محمد آصف فکرت) - بازتاب هنر در آئینه زمان (مهران صدرالسادات) - گذری بر زندگانی علامه تهرانی (ناصرالدین انصاری قمی) - اسلام در اندلس (ترجمه حسن وطن خواه) - سیاست داخلی پیامبر اکرم و... (علی معطی / عباسعلی سلطانی) - گل واژه «لاله اقبال» (محمد مهدی ناصح) - دو غزل از امام خمینی «فده» - نگاهی به بقعه شاه چراغ در شیراز (صفر رجیبی) - نقد کتاب و کتابشناسی.

موزه‌ها.

شماره ۱۱، پائیز ۱۳۷۰.

ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور.

سردبیر: ذبیح‌الله بداعی.

وضعیت انتشار: سه ماه یکبار.

۷۶ صفحه، ۶۰۰ ریال.

فهرست مطالب: موزه، مکان فرصت‌های استثنایی (باقر شیرازی) - شاهنامه داوری، از نقایس موزه رضا عباسی (نورانی وصال) - کاربرد پژوهشهای آزمایشگاهی در شناسایی میراث فرهنگی... (رسول وطن دوست) - موزه، مولد فرهنگ (فدریکو مایور) - یک سکه، سندی تاریخی (قربان عزیززاده) - موزه هنرهای زیبا «کاخ» - موزه‌ای از مجموعه فرهنگی سعدآباد (ذبیح‌الله بداعی) - باستان‌شناسی و موزه‌داری (محمود موسوی) - چند اسطرلاب از موزه ملی ایران (زهرة روح فر) - یادى از استاد حسین اسلامیان (محمود افتخاری) - نقش آپکوم در بازگشت و استرداد اموال فرهنگی (حسین حاجی حسن).

آخرین شماره نشریه‌هایی که به دفتر کلک رسیده است.

آوا، شماره ۳، بهار ۱۳۷۱.

آئینه اقتصاد، شماره ۱۷، فروردین ۱۳۷۱.

اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵۳ و ۵۴، بهمن و اسفند ۱۳۷۰.

اطلاعات علمی، سال هفتم، شماره ۲، خرداد ۱۳۷۱.

امید، شماره ۷۱، خرداد ۱۳۷۱.

ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی)، سال نهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۰.

بهکام، شماره ۱۸، فروردین ۱۳۷۱.

پژوهشهای روانشناسی، شماره ۱ و ۲، پائیز و زمستان ۱۳۷۰.

تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۰.

حوادث، شماره ۶، خرداد ۱۳۷۱.

دانش (فصلنامه رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران - اسلام آباد)، شماره ۲۷ و ۲۸، پائیز و زمستان ۱۳۷۰، خرداد ۱۳۷۱.

دانشمند، سال سی‌ام، شماره ۳، خرداد ۱۳۷۱.

روزنه، شماره ۴، اردیبهشت ۱۳۷۱.

زنان، شماره ۳، فروردین ۱۳۷۱.

زن روز، شماره ۱۳۵۹، اردیبهشت ۱۳۷۱.

سروش، شماره ۶۰۰، خرداد ۱۳۷۱.

سنگ (فصلنامه سنگهای تزئینی ایران)، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۱.

بهار ۱۳۷۱.

سوره نوجوانان، شماره ۲۳، اردیبهشت ۱۳۷۱.

صفحه اول، شماره ۹، اردیبهشت ۱۳۷۱.

صنعت حمل و نقل، شماره ۱۰۷، اردیبهشت ۱۳۷۱.

طنز و کاریکاتور، شماره ۱۸، خرداد ۱۳۷۱.

فصلنامه چلیپا، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۰.

کیهان علمی، سال چهارم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۷۱.

کیهان هوایی، شماره ۹۸۲، خرداد ۱۳۷۱.

گنجینه اسناد، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۰.

ماهنامه ساختمان، شماره ۳۸، فروردین ۱۳۷۱.

مجله خانواده، شماره ۷، خرداد ۱۳۷۱.

معیار، شماره ۱، اردیبهشت ۱۳۷۱.

مناطق آزاد، شماره ۱۵، اردیبهشت ۱۳۷۱.

مهندسی و فنی، سال دوم، شماره ۳ و ۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱.

نمایه (فهرست مندرجات مجله‌های جاری در مرکز نشریات علمی و فرهنگی)، شماره ۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱.

وارلیق، شماره ۸۳ و ۸۴، زمستان ۱۳۷۰.

رویدادهای فرهنگی و هنری

شاهین توسلی

و سلامت و توفیق ایشان را در کارهای ادبی و فرهنگی آرزو کردند.

● سال فردوسی در تاجیکستان

وزیر فرهنگ تاجیکستان که به تهران سفر کرده بود تا در نمایشگاه بین‌المللی کتاب شرکت کند، در گفتگویی با خبرنگار روزنامه اطلاعات برنامه‌های آینده‌ی فرهنگی در تاجیکستان را تشریح کرد.

متن این گفتگو در پی از نظر گرامی‌تان می‌گذرد.

آقای «خاجیف آنا هدم» وزیر فرهنگ تاجیکستان در این گفتگو، با اشاره به این که سال ۱۹۹۳ در تاجیکستان، به عنوان «سال فردوسی» اعلام شده است، به ذکر برنامه‌های ویژه به این مناسبت پرداخت و گفت: به این مناسبت همه‌ی تئاترهای جمهوری تاجیکستان، نمایشنامه‌هایی را براساس داستانهای شاهنامه، به روی صحنه می‌برند، که از جمله‌ی آنها، «برزو، پسر سهراب» است، که اصل این داستان توسط آکادمی علوم، مورد تحقیق قرار گرفته است.

همچنین «جشنواره پرستو» که هر دو سال یکبار برگزار می‌شود، در سال ۱۹۹۳ به فردوسی اختصاص یافته است و همه‌ی گروههای تئاتر حرفه‌ای ما در این جشنواره شرکت می‌کنند و نمایشنامه‌ی برتر، جایزه‌ی بزرگی دریافت می‌کند. به گمان من، این جشنواره در حیات فرهنگی تاجیکستان دارای اهمیت زیادی است.

وی افزود: هم اکنون در جمهوری تاجیکستان، ۱۵ تئاتر حرفه‌ای و ۳۵ تئاتر مردمی وجود دارند که در شهرهای مختلف، به کار مشغولند.

وی سپس گفت: کتابخانه حکیم ابوالقاسم فردوسی در تاجیکستان با داشتن حدود ۵ میلیون جلد کتاب، سال آینده به کتابخانه‌ی ملی تاجیکستان تبدیل می‌شود. بسیاری از کتابهای موجود در این کتابخانه، کتابهای خطی و تاریخی هستند.

وی در مورد همکاری‌های آینده‌ی جمهوری تاجیکستان با ایران گفت: تاجیکی‌ها، فرقی میان خود و مردم ایران قائل نیستند و یکی از برنامه‌های سفر ما به ایران گسترش همکاریهای فرهنگی دو کشور است.

وی در ادامه، بر ضرورت آشنایی هر چه بیشتر هنرمندان تاجیک با تئاتر و هنر ایرانیان تاکید کرد و یادآور شد که هم اکنون تنها نمایشنامه‌های کلاسیک هنرمندان اروپایی در تاجیکستان اجرا می‌شود.

وی سپس گفت: با توجه به مشکلات اقتصادی، هم اکنون صنعت سینما در تاجیکستان، چندان فعال نیست.

● عزیمت بزرگ علوی

آقای بزرگ علوی نویسنده نامدار و پیش‌کسوت بعدازظهر روز پنجم خرداد ۱۳۷۱ به قصد بازدید و عیادت از استاد انجوی شیرازی و ملاقات و آشنایی با اصحاب سه‌شنبه و جمعی از دوستان و نویسندگان به جمال‌آباد آمد. وی در حدود دو ماه در تهران و چند شهر دیگر بود و اوقات خود را صرفاً به سفر و دیدار دوستان گذراند.

در این جلسه گرم و پرشور آقایان:

دکتر متوجه امیری - دکتر مهدی پرهام - عبدالرحیم جعفری - دکتر شرف خراسانی - ولی‌الله درودیان - علی دهباشی - غلامرضا سمعی - اسماعیل صارمی - دکتر مصطفی مقربی - اسماعیل نیاورانی و دکتر حسینعلی هروی حضور داشتند و با آقای علوی به گفت‌وگو پرداختند.

آقای علوی گفتند سالها بود که نوشته‌ها و کتابهای آقایان را می‌خواندم حالا که دیدارشان نصیبم می‌شود خیلی خوشوقتم، زیرا که بالاترین لذت و خوشحالی من دیدار با دوستان است به این جهت الان که در حضور شما هستم از بهترین اوقات زندگی من است.

در پایان جلسه استاد انجوی شیرازی خوشوقتی حاضران را از دیدار با آقای علوی ابراز داشتند و «سفر به خیز» گفتند

وی سپس با اشاره به این که بازار سینمای تاجیکستان در اختیار فیلم‌های هندی است، گفت: مردم تاجیکستان به سینمای ایران، بسیار علاقمند هستند و پخش سریال ۶ قسمتی ابوعلی سینا، از سینمای تاجیکستان، بازتاب وسیعی داشت و بناست که در آینده فیلم‌های بیشتری از ایران در تاجیکستان به نمایش درآید.

پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب
پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با حضور ۵۶۵ ناشر خارجی و ۴۳۰ ناشر داخلی در روز ۱۴ اردیبهشت توسط حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، ریاست جمهور افتتاح شد و تا ۲۵ اردیبهشت‌ماه ادامه داشت.

این نمایشگاه با اهداف توسعه علم و دانش در کشور، تقویت مبادلات فرهنگی میان کشورهای، عرضه آخرین دستاوردهای علمی برای استفاده پژوهشگران و ایجاد فرصتهای مناسب برای تشویق آحاد مردم به مطالعه برپا شد.

در این نمایشگاه ۵۶۵ ناشر از ۳۷ کشور شامل اردن، استرالیا، ایالات متحده آمریکا، پاکستان، تونس، ژاپن، فرانسه، قطر، لبنان، مالزی، هلند، اسپانیا، انگلیس، ایتالیا، ترکیه، دانمارک، سنگاپور، سوئیس، عربستان سعودی، قبرس، کویت، لیبی، مصر، هند و یمن حضور دارند همچنین شش جمهوری مسلمان‌نشین آسیای میانه آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان با غرفه‌های ویژه خود در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شرکت کردند. در غرفه‌های مخصوص جمهوریهای آسیای میانه، علاوه بر کتاب، آثار فرهنگی و هنری دیگر نظیر اشیای موزه‌ای، تابلوهای نقاشی و جغرافیایی و نیز اطلاعاتی در پیرامون مسائل اجتماعی این کشورها عرضه شد.

لازم به ذکر است که تعداد ناشران داخلی متقاضی برای حضور در این نمایشگاه بیش از تعداد موجود بوده ولی به علت محدودیتهای کنونی حضور همه آنها در نمایشگاه امکان‌پذیر نبوده است.

در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب یک سالن به مطبوعات داخلی اختصاص داده شد، که در آن ۵۳ مؤسسه مطبوعاتی با ۱۰۴ عنوان نشریه شرکت کردند شایان ذکر است که مسئولان پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در پاسخ به برخورد نامناسب برگزارکنندگان نمایشگاه کتاب فرانکفورت با ناشران ایرانی، از شرکت ناشران آلمانی در این نمایشگاه جلوگیری کرده‌اند.

از جمله تسهیلاتی که برای مراجعان نمایشگاه فراهم شده، ایستگاههای اطلاع‌رسانی کامپیوتری را می‌توان نام برد. در

این نقاط افراد می‌توانند اطلاعات مورد نیاز خود را در مورد انواع کتابهای ارائه‌شده در نمایشگاه به دست آورند.

از نکات قابل توجه دیگر در مورد این نمایشگاه این است که کتابهای داخلی عرضه‌شده عموماً کتابهایی‌اند که بعد از سال ۱۳۴۵ چاپ شده‌اند و کتابهای خارجی نیز کتابهای چاپ به سال ۱۹۸۷ به بعد را در بر می‌گیرند.

دانشجویان سطح لیسانس تا ۱۰۰ دلار فارغ‌التحصیلان دوره‌های لیسانس و دانشجویان فوق‌لیسانس ۱۵۰ دلار و دانشجویان دوره‌های دکترا و فارغ‌التحصیلان دوره‌های فوق‌لیسانس تا ۲۰۰ دلار می‌توانند از نمایشگاه بین‌المللی کتاب خارجی خریداری کنند. شایان ذکر است بهای کتابهای خارجی به ازای هر دلار معادل ۳۰۰ ریال دریافت می‌شود.

در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، یک سالن به مطبوعات و نشریات ادواری مهم کشور اختصاص یافته بود.

در این سالن ۸۱ روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه و نشریه ادواری، مطبوعات و نشریات خود را در معرض بازدید علاقه‌مندان قرار دادند. بیشترین تعداد نشریه‌ای که از یک مؤسسه مطبوعاتی در این سالن عرضه شده مربوط به دو مؤسسه بزرگ کیهان و اطلاعات بود. مؤسسه کیهان با ۱۴ روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه و نشریه ادواری و مؤسسه اطلاعات با ۷ روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه و نشریه ادواری در این مجموعه حضور دارند.

برندگان جایزه کریستین آندرسن

جایزه هانس کریستین آندرسن از طرف دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان IBBY، هر دو سال یکبار، به یک نویسنده و یک مصور زنده که آثار آنها مهم چشمگیری در غنای ادبیات کودکان جهان داشته است اهداء می‌گردد. این جایزه که نوبل ادبیات کودکان نامیده شده است، برجسته‌ترین امتیاز جهانی است که نصیب یک نویسنده و تصویرگر کتابهای کودکان و نوجوانان می‌شود. در مواردی نیز هیأت داوران نویسنده یا مصور برگزیده‌ای را انتخاب می‌نماید.

جلسه هیأت داوران در تاریخ ۱۳ و ۱۴ فروردین ۱۳۷۱ در بازل (سوئیس) تشکیل شد، اعضای هیأت داوران از کشورهای زیر، در جلسه حضور داشتند: آلمان، اسپانیا، استونی، اتریش، آمریکا، ایران، دانمارک (رئیس هیأت داوران)، ژاپن، سوئیس و کانادا (رئیس دفتر بین‌المللی). هیأت داوران خانم ویرجینیا هامیلتن نویسنده آمریکایی را از میان نویسندگان ۱۸ کشور و خانم کوتا پاکوفسکا تصویرگر چک را از میان تصویرگران ۲۰ کشور به عنوان برندگان جایزه

هانس کریستین آندرسن ۱۹۹۲ معرفی کرد. همچنین آثار هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده ایرانی، به عنوان برگزیده شناخته شد.

آثار خانم هامپلتن با ابعاد انسانی ژرف، توأم با نگرش عمیق و همه جانبه، کاربرد خلاق و شاعرانه زبان، بخصوص در لهجه‌های بومی سیاهان امریکایی نه فقط در کشور خودش بلکه از طریق ترجمه، در بسیاری از کشورهای جهان شناخته شده است. خانم هامپلتن خالق ۲۶ اثر برای خوانندگان جوان است.

هنرمند چک کونا پاکوفسکا در حوزه‌ای بین هنر گرافیک آزاد و تصویرگری به کار مشغول است. او هنر خود را از طریق طراحی، نقاشی و کلاژ ارائه می‌دهد. کاغذ، در دستهای خانم پاکوفسکا، مانند زمین بازی است که در آن به هر نوع تجربه جالب که تصویر و متن را به یکدیگر مربوط کند دست می‌زند. در کتابهای خانم پاکوفسکا نوعی تحرک دیده می‌شود که گویای شوق نامبرده در بیان داستانهایی است که تخیل خلاق او را در دستاوردهایی افسانه‌ای به نمایش می‌گذارد. در سالهای اخیر تلاش او بر تبدیل کتاب تصویری به ابزاری است که کودک در برخورد مستقل با آن بتواند به یافته‌های زیبایی شناسانه دست بیابد. کارهای خانم پاکوفسکا در بسیاری نقاط جهان به نمایش گذاشته شده است. آثار او به بسیاری از زبانها ترجمه شده است و چند جایزه ملی و بین‌المللی به وی تعلق گرفته است.

هوشنگ مرادی کرمانی، در آثار خود، با قلم قوی زندگی روستایی را به تصویر می‌کشد. او با توانمندی بسیار می‌تواند خوانندگان جوان را با دشواریهای زندگی روستایی در کشورش آشنا سازد و برای آنها فرصت بازشناسی هویت خویش را فراهم آورد. هیأت داوران تحت تأثیر عمیق غنای ادبی آثار نویسنده ایرانی قرار گرفت. مرادی کرمانی نویسنده‌ای است که هنوز در مرزهای خارج از کشورش ناشناخته مانده است.

متن کامل ترجمه اطلاعیه و آثار نویسندگان و تصویرگران نامزد جایزه در اختیار کتابخانه تحقیقاتی شورای کتاب کودک قرار دارد.

بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی

بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی به منظور تألیف و انتشار دانشنامه جامع معارف بشری به زبان فارسی تأسیس شد.

به گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، این بنیاد که علاوه بر دانشنامه فوق، به انتشار فرهنگ دانشنامگی در رشته‌های گوناگون علم و ادب و هنر و

فرهنگ‌هایی در زمینه زبانهای بیگانه به فارسی و فارسی به فارسی اقدام خواهد کرد، تحت ریاست عالیہ رئیس جمهوری و با نظارت هیأت امنا به ریاست وزیر فرهنگ و آموزش عالی فعالیت خواهد داشت.

این گزارش حاکی است، در اسفندماه گذشته، اعضای هیأت امنا به پیشنهاد وزیر فرهنگ و آموزش عالی و با حکم رئیس جمهوری منصوب شدند. این اعضاء شامل آقایان دکتر روحانی (وزیر اسبق بهزیستی)، عطاءالله مهاجرانی، دکتر بها الدین خرمشاهی و دکتر رضا مکتون هستند.

همچنین طی احکامی از سوی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، استاد احمد بیرشک که از پیشکسوتان و صاحب نظران تاریخ علم در کشور است. به عنوان سرپرست هیأت علمی و دکتر محمود بروجردی به عنوان مدیر عامل بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی منصوب شدند.

ناشران برگزیده

پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران طی مراسمی با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با معرفی ناشران برگزیده در محل همیشگی نمایشگاهها به کار خود پایان داد.

ناشران برگزیده پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به شرح زیر معرفی شدند:

★ بخش کودکان

۱- لوح بلورین به انتشارات خدمات آموزشی کودکان و انتشارات مدرسه.

۲- لوح تقدیر به نشر زلال ناشر کتابهای کودکان، نوجوانان و جوانان.

۳- از مؤسسه انتشاراتی شکوفه و غنچه بزرگ کتاب کودکان تشکر شد.

★ بخش بزرگسالان

۱- لوح بلورین به معاونت آموزش و تحقیقات جهاد سازندگی.

۲- لوح تقدیر به سازمان اسناد ملی ایران.

۳- از مؤسسات انتشاراتی سروش، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، نشر پرواز و نشر مرکز تشکر شد.

★ بخش مطبوعات

۱- لوح بلورین به نشریه گل آقا

۲- لوح تقدیر به روزنامه خبر جنوب

۳- از ماهنامه کامپیوتر و ماهنامه صنایع و ماهنامه گلک

تشکر شد.

★ بخش ناشران خارجی

۱- لوح بلورین به انتشارات «مک‌گراهیل» انتشارات «چپمن‌هال» از انگلستان و دارالفکر المعاصر سوریه.

۲- لوح تقدیر به انتشارات «الزویره» از هلند، «آلاید پابلیشر» از هند و مکتبه الخانجی مصر.

۳- لوح تقدیر به مؤسسه «مک‌این‌تایر اینفورمیشن سرویس» از انگلستان.

۴- از انتشارات آکسفورد یونیورسیتی، «کمبریج یونیورسیتی»، «جان وینلی اندسانس» و انتشارات دارالعلم للملایین و انتشارات دارالفکر از لبنان تشکر شد.

همچنین در این مراسم به دلیل حضور در نمایشگاه از آقایان یحیی حسن خلیل رئیس اتحادیه ناشران لبنان و محمد حسن محمد السید رئیس اتحادیه ناشران مصر تشکر و قدردانی شد.

● گزارش انجمن روزنامه‌نگاران

«انجمن روزنامه‌نگاران بدون مرز فرانسه» در گزارش سالانه خود به مناسبت سوم ماه مه «روز جهانی آزادی مطبوعات» سال گذشته را پرتلفات‌ترین سال برای خبرنگاران اعلام کرد، زیرا ۱۱۲ روزنامه‌نگار طی سال گذشته جان خود را در حوادث مختلف جهانی از دست دادند.

«روبرت ملارد» رئیس انجمن روزنامه‌نگاران فرانسه طی گفت و گویی با رادیو «مونت‌کارلو» در مورد فعالیت این انجمن گفت: هدف اصلی ما، شناساندن مطبوعات و همچنین اعلام این مطلب است که بدون آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعی و دموکراسی وجود نخواهد داشت.

رئیس «انجمن روزنامه‌نگاران بدون مرز فرانسه» با اعلام این نکته که قرار است صندوقی در راستای کمک به روزنامه‌نگاران تأسیس شود، افزود: پولهای جمع‌آوری شده برای کمک به خبرنگاران بکار گرفته می‌شود و زمانی که همکاران ما در سراسر جهان، از سوی دولتی بازداشت شوند، این انجمن برای آنان وکلای مدافع اعزام می‌کند و یا اگر مورد شکنجه واقع شوند همانطور که بارها شاهد آن بوده‌ایم، پزشکی برای معالجه آنان می‌فرستیم. وی افزود: از جمله اقدامات دیگری که این انجمن خواهد کرد، قبول اداره زندگی خانواده خبرنگار - پس از آنکه وی کار خود را از دست داد، است.

همچنین طبق یک گزارش دیگر ۷۲ کشته، ۱۲۱ زندانی و ۱۴۴۵ شکایت علیه خبرنگاران نتیجه کارنامه روزنامه‌نگاران در سال ۱۹۹۱ میلادی در سراسر جهان بوده است. خبرگزاری ایتالیا به نقل از مؤسسه فرانسوی «ریپورتس» سانس فروتیر»

گزارش داد: تنها ۲۰ تن از خبرنگاران در سال گذشته در یوگسلاوی کشته شده‌اند. در عین حال در چهار ماه اول سال جاری میلادی تاکنون ۱۲ خبرنگار در جریان تهیه خبر از وقایع مختلف کشته شده‌اند. بر اساس گزارش این مؤسسه، در سال گذشته در کلمبیا ۱۰ خبرنگار، پرو ۸ خبرنگار، مکزیک ۵ خبرنگار و در ترکیه ۴ خبرنگار کشته شده‌اند. مؤسسه مذکور، امریکای لاتین را همچنان پرخطرترین منطقه برای خبرنگاران معرفی می‌کند و می‌افزاید: چین با ۲۸ خبرنگار زندانی بیشترین خبرنگاران محبوس را در اختیار دارد که اکثر آنان نیز تحت شکنجه بدنی و روحی قرار دارند. بعد از چین رژیم صهیونیستی بیشترین خبرنگاران را روانه زندان کرده است که حدود ۱۰ تن هستند.

● درگذشت ساتیا جیت‌رای

«ساتیا جیت‌رای» فیلمساز معروف هند و برنده جایزه اسکار، در سن ۷۰ سالگی در بیمارستانی در «کلکته» درگذشت.

وی دچار نارساییهای قلبی و تنفسی بود و به همین خاطر چندین ماه تحت معالجه قرار داشت.

«رای» که بنیانگذار سینمای هنری هند محسوب می‌شود، با رد سطحی‌نگری‌های تشکیلات «بالی وود» توجه خود را به واقعیات و درام ساده زندگی روزمره معطوف کرد تا فیلمی بسازد که شرافت فطرت بشری را تسخیر کند.

اولین فیلم وی در سال ۱۹۵۵ با عنوان «آواز جاده کوچک» به بازار سینما عرضه شد. این فیلم در فستیوال فیلم «کان» برنده جایزه شد و به قول یکی از منتقدان، این فیلم سینمای هند را به بلوغ رساند.

«رای» در طول ۴۶ سال ۵ فیلم مستند و ۳۰ فیلم داستانی ساخته است که آخرین کار وی با عنوان «آگانتوک» یا «غریبه» در سال ۱۹۹۱ به پایان رسید.

«اکیرا کوروساوا» کارگردان معروف ژاپنی در مورد فیلم «آواز جاده کوچک» ساخته «رای» گفته است که هر بار که آن را می‌بیند بیشتر تحت تأثیر واقع می‌شود، چرا که این سینمایی است که با روانی و شرافت رودخانه‌ای بزرگ جاری می‌شود.

«ساتیا جیت‌رای» که مردی بلند قد و لاغر اندام بود، همیشه می‌گفت: تا زمانی که زنده‌ام به کار و تلاش ادامه خواهم داد.

وی در تمام امور هر یک فیلم‌های خود، از نوشتن سناریو گرفته تا ساختن موزیک متن، صاحب نظر بود.

خاطر نشان می‌شود که «سانتیاچیت رای» به تازگی از سوی آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا برنده جایزه اسکار شده بود.

سرفت کتابهای قدیمی

پلیس دانشگاه «استان فورد» معتقد است «استفان گرافورد» در طول خدمتش در این دانشگاه اقدام به سرقت کتاب‌های با ارزش می‌کرده است.

«گرافورد» که گارد امنیتی سابق این دانشگاه بود، بعد از این که تعداد ۲۰۰ جلد کتاب کمیاب به همراه مقالاتی در مورد سرخپوستان آمریکا از منزل وی در «گیلوری» واقع در ۶۴ کیلومتری شهر «استانفورد» کالیفرنیا به دست آمد، توسط پلیس دستگیر شد. وی در اواسط دهه ۱۹۷۰ اقدام به سرقت این کتابها کرده بود.

براساس مدارکی که به دست آمده است وی قصد فروش یا تجارت با آنها را نداشته است فقط دوست داشته است که تنها مالک آنها باشد!

در میان کتابهای مکشوفه، کتابهایی از قرن چهاردهم با جلد‌های زرکوب و کتابهایی مربوط به دهه ۱۸۰۰ در باره برده‌داری یافت می‌شود. تا کنون این کتابها قیمت گذاری نشده است. «گرافورد» ۴۶ ساله که در حال حاضر بیکار است در اواسط دهه ۱۹۷۰ در بخش کلکسیون کتابهای عتیقه این دانشگاه به عنوان گارد امنیتی خدمت می‌کرده است.

«گرافورد» چند روز پیش به اتهام حمل مواد مخدر دستگیر شده بود و در پی نفتیش منزل وی توسط پلیس، این کتابهای کمیاب کشف شد.

وی به پرداخت ۲۵ هزار دلار جریمه محکوم شده است.

سولژنیتسین و بازگشت به روسیه

«آلکساندر سولژنیتسین» نویسنده روسی و برنده جایزه نوبل که در تبعید به سر می‌برد در نظر دارد امسال به وطن خود بازگردد.

«سولژنیتسین» که از زمان انقلاب بلشویکی در سال ۱۹۱۷ به عنوان یک ادیب با استعداد روسیه شناخته شد، از سال ۱۹۷۴ در «ورمونت» آمریکا در تبعید به سر می‌برد.

طبق گزارش‌هایی که از توکیو رسیده است، یک سفیر روسیه اعلام کرده است که «سولژنیتسین» ۷۳ ساله قصد دارد به تبعید ۱۸ ساله خود پایان بدهد و به روسیه بازگردد.

بیشتر آثار «سولژنیتسین» که وی به خاطر آنها برنده

جایزه نوبل سال ۱۹۷۰ شد مربوط به سیستم زندانهای اردوگاهی و تجارب خود وی بعد از دستگیری در سال ۱۹۴۵ به خاطر انتقادش به حکومت دیکتاتور «یوزف استالین» در زمان جنگ بوده است.

رمان‌های وی شامل «یک روز در زندگی ایوان دنیسوویچ»، «بخش سرطان» و کارسندی «گولات آرشیپلاگو» هستند.

وی بعد از دریافت جایزه نوبل از شهرش در زمان حکومت لئونید برژنف رهبر کمونیست آن زمان تبعید شد. مسکو به تازگی به منظور بازگرداندن «سولژنیتسین» به کشور کتابهای او را تجدید چاپ کرده است.

شاعر روسی در دانشگاه تولسا

مقامات دانشگاه تولسا در ایالت اوکلاهامای آمریکا اعلام کردند یوگنی یوتوشنکو شاعر معروف روسی از پانیز امسال در این دانشگاه شعر قرن‌های ۱۹ و ۲۰ را تدریس خواهد کرد.

این شاعر مهاجر روسی طی سفری در ماه فوریه با مقامات دانشگاه دیدار کرده و به گفته جورج گیبلین رئیس این دانشگاه وی در این زمان تصمیم گرفت که با دانشگاه تولسا همکاری کند و ابراز علاقه کرد که به مدت یک ترم و یا حتی یکسال به این دانشگاه بپیوندد.

یوتوشنکو که از مخالفین استالین بوده و احساسات سیاسی خود را در قالب شعر بیان می‌نماید در یکی از اشعار معروفش ظلم و ستم را محکوم کرده و وجدان سوسیالیستی مدنی را مورد تأیید قرار داده است.

یوتوشنکو تدریس یک کلاس زبان انگلیسی شامل سی دانشجو را در پاییز امسال عهده‌دار خواهد شد.

مردم مالزی و کتابخوانی

بسیاری از مردم مالزی سالی یک صفحه کتاب می‌خوانند و تعدادی حتی این یک صفحه را نیز نمی‌خوانند. یک مقام آموزشی مالزی با اعلام این مطلب گفت حتی افراد تحصیل کرده‌ای در کشور وجود دارند که روزنامه نیز نمی‌خوانند تا بدانند که در اطراف آنها چه می‌گذرد.

روزنامه «استار» چاپ کوالالامپور نوشت دکتر زاهد نورالدین معاون مدیرکل وزارت آموزش مالزی که در یک سمینار انجمن اولیا و مربیان در شمال این کشور سخن می‌گفت افزود: آموزگاری بود که حتی در خلال جنگ «خلیج فارس» نمی‌دانست در آن منطقه چه خبر است.

● کارگردان ناشی

به تازگی رویال شکسپیر کمپانی از کارگردان جوانی به نام استیون پیملاست که در اجرای آثار شکسپیر تجربه چندانی ندارد دعوت کرده تا جولیبوس سزار اثر شکسپیر را به روی صحنه آورد. کارگردان جوان هم این پیشنهاد را پذیرفته و دست به کار شده است، اما پس از روی صحنه آمدن نمایش، حاصل کار با آنچه تصور می‌رفته، رضایت‌بخش از آب در نیامده است. با اینکه هنرمندان قدرتمند و مسلطی در این اثر بازی می‌کنند اما اجرا بی‌رمق و فاقد تحرک است. بیچاره هنرپیشگان هم با همه توانایی و استعداد به صورت پیکره‌های بی‌جان درآمده‌اند که تنها سرودست تکان می‌دهند و قدرت آن را ندارند که بر تماشاگر تأثیر بگذارند.

این تجربه ثابت کرده که کارگردانی آثار شکسپیر به کار، آموزش و تجربه معتد نیاز دارد و صرفاً استعداد فردی نقش چندانی ایفا نمی‌کند.

● بهترین روابط

اینگمار برگمن که در حال حاضر ۷۳ سال دارد از آغاز سال ۱۹۸۰ تا کنون هیچ فیلمی را کارگردانی نکرده، اما اخیراً در مقابل پیشنهاد کارگردان دانمار بیل اگوست ۴۳ ساله مقاومت نکرده و بر مبنای عشق پدر و مادر خود فیلمنامه‌ای عاطفی و شیرین نوشته و بیل اگوست نیز از روی آن سریال تلویزیونی شش ساعته‌ای ساخته با عنوان بهترین روابط که منتقدان آن را شاهکاری بی‌نظیر خوانده‌اند. این سریال تلویزیونی دوازده میلیون دلار هزینه برداشته که گرانترین فیلم اسکاندیناویایی به حساب می‌آید. قرار است نسخه‌ای از آن به صورت فیلم ۱۶۵ دقیقه‌ای همین امسال به فستیوال کان فرستاده شود. ستارگان این فیلم سامویل فرولر پرنیلا اوسترگرن (که در طول فیلمبرداری با کارگردان ازدواج کرده) و هنرپیشه دانمارکی گیتانوریای و بازیگر همیشگی فیلمهای کلاسیک برگمن ماکس ون سیدو است.

● دختران غبار

جولی داش یکی از دوازده زن سیاه کارگردان است که تأثیرشان بر سینمای آمریکا احساس می‌شود. او که اکنون ۴۰ ساله است، در نیویورک سیتی به دنیا آمده، نخست در استودیو میوزیم و بعد در سیتی کالج نیویورک و کالیفرنیا درس فیلمسازی خوانده است. کار جدید او فیلمی

است به نام دختران غبار که بر مبنای ریشه‌های مردم گولاه و مراسمشان ساخته شده است. این خانواده از اعقاب بردگان سی آیلندز است که از سرزمین ایالت متحده جدا مانده و در امتداد ساحل جنوبی ساکن شده است و شاید ناب‌ترین سنت آفریقایی را محفوظ نگهداشته است.

منتقد نیویورک نایمز ضمن ستایش از فیلم آن را «اندیشه‌ای به غایت تغزلی، مبتنی بر قدرت پیکرنگاری فرهنگ آفریقایی و انعطاف‌پذیری روحی نسلهای زنان که متولی آن بوده‌اند» توصیف کرده است.

جولی داش تقریباً ده سال برای تولید این فیلم وقت صرف کرده و سرگذشت خانواده را درست پیش از عزیمت به سوی شمال در جستجوی فرصتهای بزرگ در سال ۱۹۰۲ به تصویر کشیده است. در این اثر سنتهای آفریقایی به عنوان تصادم گذشته و آینده با هم در کشاکش هستند.

بودجه فیلم دختران غبار هشتصد هزار دلار تمام شده که با معیار هالیوودی بسیار اندک است. فروش آن در هفته افتتاح در نیویورک سیتی با استقبال غیرقابل انتظار مواجه شده و نمایش فیلم ادامه پیدا کرده است. ضمناً قرار است تا اواخر سال، فیلم دختران غبار در اروپا و ژاپن نیز به نمایش درآید.

۶- در درآمد کتاب جدید، برای روشن شدن علت انتخاب شاعران گزیده کتاب، به ده شاعر در گذشته، براساس هشت ملاک نامبرده، نمره امتیاز داده شده است. به طوری که خوانندگان اهل شعر می‌توانند براین اساس خود به دیگر شاعران نیز به صورت تخمین و تقریب نمره دهند.

۷- نسبت به چاپ قدیم که مؤلف هشت شعر معروف را تفسیر کرده بود، در چاپ جدید، ده شعر مشهور را تفسیر کرده است.

۸- این کتاب در عین حال که یک آنتولوژی است تاریخچه شعر نو هفتاد ساله را نیز متضمن است. و می‌توان گفت که در چاپ جدید تقریباً هیچ شعر و کتاب شعری (با ارزش نسبی) نیست که مورد اشاره قرار نگرفته باشد.

۹- علاوه بر اینها، کتاب جدید، فهرستی از کتابهای شعر نو را از آغاز تا امروز در بردارد. و این می‌تواند برای علاقمندان و خاصه محققان منبع و مرجع مهمی بشمار آید.

● گیلان نامه (جلد سوم)

کار لیتوگرافی جلد سوم گیلان نامه به پایان رسیده و هم اکنون زیر چاپ است. گیلان نامه سوم نیز همچون محلات پیشین متضمن مقالات گوناگون در زمینه هنر، ادبیات، تاریخ، فرهنگ، زبان و مردم شناسی گیلان می‌باشد که بکوشش و زیر نظر م. پ. جکتاجی همه ساله از سوی انتشارات طاعتی رشت منتشر می‌گردد. در این جلد تعداد ۲۵ مقاله از ۲۵ شاعر و نویسنده و محقق گیلانی و غیر گیلانی مندرج است که بعنوان نمونه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود: ایرج افشار، میراحمد طباطبائی، ابراهیم رهبر، جابر عناصری، جمشید صداقت کیش، محمدرضا پور جعفری، محمد رسول دریاگشت، سرهنگ اسحاق شهنازی و دیگران.

گیلان نامه (جلد سوم) که در ۱۱۶ صفحه به قطع وزیری منتشر می‌شود به استاد جهانگیر سرتیپ پور دانشمند کهنسال گیلانی اهداء شده است.

● گیله‌وا

«گیله‌وا» عنوان ماهنامه فرهنگی، هنری و پژوهشی است به مدیریت و امتیاز نویسنده و منتقد گرامی محمدتقی پوراحمد جکتاجی در رشت منتشر خواهد شد.

«گیله‌وا» یاد معروف گیلان است که در منطقه منشاء خیر و برکت و ازدیاد محصول، فراوانی صید و بخصوص خوشی هوا در آسمان همیشه بارانی گیلان است. شماره اول ماهنامه «گیله‌وا» در تیرماه منتشر خواهد شد.

● چاپ جدید شعر نو از آغاز تا امروز

کتاب مشهور «شعر نو از آغاز تا امروز، تألیف شاعر و منتقد معروف معاصر محمد حقوقی، با تجدید نظر کامل، انتشار خواهد یافت، آنچه راجع به چاپ جدید این کتاب و اختلاف و امتیاز آن نسبت به چاپهای گذشته می‌توان گفت این است که:

۱- نسبت به چاپ قدیم که در بیش از ۴۰۰ صفحه و در یک مجلد منتشر شده بود، چاپ جدید در ۱۴۰۰ صفحه و در دو مجلد منتشر خواهد شد.

۲- اشعار چاپ قدیم که در خلال پنج دهه آمده بود و تا سال ۱۳۵۰ را در برمی‌گرفت شعرهای چاپ جدید، در زیر هفت دهه آمده و تا سال ۱۳۷۰ را در بر گرفته است.

۳- در چاپ قدیم تنها نام و شعر ۲۴ شاعر را می‌دیدید و در چاپ جدید با نام و شعر ۴۶ شاعر روبرو خواهید شد.

۴- نسبت به چاپ قدیم که تنها یک مقدمه در ۶۰ صفحه داشت، چاپ جدید یک درآمد و یک مقدمه، مجموعاً در ۱۸۰ صفحه دارد.

۵- شعرهای چاپ قدیم براساس چهار ملاک انتخاب شده بود و اشعار چاپ جدید (که حدود سه برابر می‌شود) براساس هشت ملاک انتخاب شده است.

برای مدیر فاضل مجله آقای جکتاجی و همکارانش آرزوی موفقیت داریم.

● هفت گفتار درباره ترجمه

این گفتارها به مسائل گوناگون مربوط به ترجمه از جمله سبک، معادل‌یابی، هم‌معنایی و چندمعنایی، ترجمه‌ناپذیری و امثال آن می‌پردازند.

عنوان گفتارها: مبانی ترجمه، نسبت در ترجمه، شیوه نقد ترجمه و... است. ناشر کتاب نشر مرکز است.

● نورپردازی تک‌چهره

کتاب «نورپردازی تک‌چهره» کتابی است جامع و معتبر درباره اصول و شیوه‌های نورپردازی برای عکسبرداری از تک‌چهره با نمودارها و عکسهای متعدد نمونه و تحلیل فنی و هنری.

این کتاب در ۲۰۸ صفحه از سوی نشر مرکز منتشر خواهد شد.

● بزرگان اقتصاد

کتاب «بزرگان اقتصاد» اثر روبرت هایل بروئر با ترجمه احمد شهسا از سوی سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی منتشر خواهد شد.

نویسنده کتاب شرح زندگی موضوع کتاب را از عصر انقلاب صنعتی تا زمان حاضر، چون داستان شیرین و دلکشی بیان داشته و با شرح زندگی و زمانه و افکار و عقاید بزرگان اقتصاد، کتاب را نه تنها برای دانشجویان بلکه برای همه کسانی که مایلند از علم اقتصاد اطلاعاتی داشته باشند خواندنی کرده است.

● سیاست آمریکا و نهضت ملی شدن نفت

نویسنده کتاب، جیمز گود استادیار تاریخ در دانشگاه میشیگان است که سالها در دانشگاههای خاورمیانه، از جمله در دانشگاه مشهد، به تحصیل و پژوهش مسائل این منطقه پرداخته و کتاب حاضر را به بررسی وقایع حساس سال‌های ۳۰-۱۳۲۵ اختصاص داده و از اسناد و مدارک بسیار بهره گرفته است.

کتاب «سیاست آمریکا و نهضت ملی شدن نفت» به وسیله احمد شهسا ترجمه شده و بزودی از سوی شرکت سهامی انتشار منتشر می‌شود.

● تاریخ لارستان

کتاب «تاریخ لارستان» اثر سید علاءالدین مورخ لاری (۱۲۱۲ ه.ق) با تصحیح و تحشیه محمدباقر وثوقی توسط نشر

شیوادر ۲۸۰ صفحه قطع وزیری منتشر خواهد شد.

کتاب در دوازده فصل با عناوین مختلف فرهنگی، تاریخی، لارستان مورد بحث قرار گرفته است.

● در رودخانه ما

«در رودخانه ما» مجموعه پنج داستان کوتاه از مهین دانشور است که نشر مرکز در دست چاپ دارد.

داستانهای این مجموعه بیشتر فضای زندگی ایران در گذشته‌ای نه‌چندان دور از امروز را زنده می‌کند.

● تاریخ تحلیلی شعر نو

«تاریخ تحلیلی شعر نو» تألیف سه‌جلدی از شمس لنگرودی شاعر و محقق است که نشر مرکز منتشر خواهد کرد. جلد اول این کتاب به تاریخ شعر نو از اوان مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد می‌پردازد و جلدهای دوم و سوم که به ترتیب تا ۱۳۵۷ و تا امروز را در بر می‌گیرند به ترتیب منتشر خواهند شد.

● خرنامه

خرنامه (دایرةالمعارف خر) نام کتاب مفصل و مصوری است که با بیش از هزار صفحه زیر چاپ است. خرنامه کتابی است جدی و تحقیقی که گردآورنده کوشش کرده هر آنچه در میان متون نثر و نظم فارسی از قدما و متأخرین درباره «خر» آمده به همراه فولکلور - ضرب‌المثل - حکایت - طنز - لطیفه و شواهد شعری مختلف ترتیب قرار گرفتن مطالب بصورت موضوع است مثلاً ذیل کلمه خر و مقام چند بیت شعر از شاعرانی مانند عطار - مولوی - صدرالافاضل - حکیم لاهوری گوشه‌ای از خاطرات دکتر قاسم غنی - مطلبی از کتاب حدائق السیاحه و نیز کلیه ضرب‌المثل‌های (بالغ بر ۱۲ مورد) رایج در این موضوع و نیز مطالبی از رجال ایران و ... این کتاب به کوشش علیرضا ملک‌زاده آماده و ناشر آن انتشارات هیرمند است.

● «تاریخ روزشمار قرن بیستم»

عنوان کتابی است مفصل شامل عمده‌ترین وقایع سیاسی، تاریخی، هنری، ادبی جهان از سال ۱۹۰۰ الی ۱۹۸۸ میلادی. این کتاب که هم‌اینک مراحل حروف‌چینی را می‌گذراند کاری است گروهی که سرپرستار آن و مترجم آن یحیی افتخارزاده است. مؤلفین و نیز سرپرستار کتاب هر واقعه

سیاسی، هنری و... مهمی را که در یکی از کشورهای دنیا اتفاق افتاده، به صورت مختصر همراه با عکسهای مختلف خبری با زبان خاص روزنامه‌نگاری بیان می‌کند. ناشر امیدوار است یک کتاب دم‌دستی (هندبوک) از وقایع مختلف ۸۸ ساله تاریخ دنیا را برای خوانندگان علاقه‌مند - مترجمان - محققان فراهم کند. ناشر این کتاب انتشارات هیرمند است.

● درسهائی از استادان ذن

دکتر رینالد هوراس پلیث با مقدمه و معرفی از د. ت. سوزوکی ترجمه نسرين مجیدی

دکتر پلیث برای رد نظریه عده‌ای از هم‌میهنانش که مشغول بررسی متون هندی بودند به هند و سپس در سال ۱۹۲۴ به سئول پایتخت کره جنوبی سفر کرد. در آنجا به ذن و بودیسم علاقه‌مند شد. زیر نظر استاد «کاباما تائیچی» مشغول تحقیق شد. در سال ۱۹۴۰ با مردم و فرهنگ ژاپن آشنا شد و به عنوان معلم زبان در آنجا ساکن شد. با شروع جنگ جهانی دوم به عنوان دشمن ملی بازداشت و ۴ سال در زندان بود. در آنجا بود که اولین کتابش را به نام «ذن در ادبیات انگلیس و ادبیات باستانی شرق» به اتمام رساند وی در حدود دوازده کتاب درباره فرهنگ و اعتقادات شرق نوشت. استاد سوزوکی در مقدمه این کتاب از مؤلف «دکتر هوراس پلیث» به عنوان یک محقق برجسته تجلیل کرده است.

● به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد

به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد درگذشت فروغ فرخزاد یادنامه‌ای در دست انتشار است که در هفت بخش تنظیم شده است.

۱- جستارها (شامل بررسی کلی، موضوعی، کوتاه و نقد کتابهای فروغ فرخزاد و یا آنچه درباره او نوشته‌اند) ۲- گفت و گوها (با فروغ و درباره فروغ) ۳- گزیده نوشته‌های منشور فروغ (مکتوبات، مقالات، داستانها، سفرنامه و مانند آنها) ۴- فروغ از چشم دیگران (نظریات کوتاه معاصران) ۵- فروغ و مرگ (مرگ در شعر فروغ خاطرات مرگ او از زبان نویسندگان معاصر) ۶- برگزیده اشعار (به فارسی و نیز ترجمه معانی از شعر او به زبانهای انگلیسی و عربی) ۷- چهره‌های فروغ (عکس‌هایی از فروغ در مراحل مختلف زندگی و نیز طرحهایی که طراحان مختلف از چهره او ساخته‌اند)

قسمت عمده کتاب مربوط به گزیده مقالاتی است که تاکنون معاصرین درباره او نوشته‌اند. در این قسمت مقالات جدیدی که برای نخستین بار نیز انتشار می‌یابد به چشم می‌خورد.

اما قسمت دیگری نیز اختصاص به نوشته‌های فروغ فرخزاد دارد که تاکنون کمتر به آن توجه شده از جمله داستان کوتاه و نیز چند سفرنامه.

در عین حال کوشش می‌شود آثار منشور فروغ فرخزاد جداگانه در یک مجموعه آماده و منتشر شود.

این کتاب مراحل حروف‌چینی را گذرانده و تا مدت کوتاه دیگر منتشر می‌شود. ناشر کتاب انتشارات هیرمند است.

● گل‌های سرخ اصفهان

کتاب گل‌های سرخ اصفهان یا ایران با اتومبیل شرح سفر پرماجرایی یک روزنامه‌نگار و نویسنده فرانسوی است که در سال ۱۹۰۵ از طریق روسیه به ایران سفر کرده و صحنه‌هایی از حوادث انقلاب اول روسیه را به چشم دیده و نقل کرده است. ملاقات و مصاحبه نویسنده با ماکسیم گورکی و مشاهدات و ملاحظات او در باره حکومت، وضع راهها و چاپارخانه‌ها، بناهای تاریخی، آداب و رسوم مردم و رقابتهای روسیه و انگلستان در ایران و صدها نکته جالب و بدیع دیگر که با سبکی شاعرانه و در عین حال دقیق نوشته شده. این کتاب را به صورت یکی از جذابترین و خواندنی‌ترین سفرنامه‌هایی که تا کنون در باره ایران نوشته شده در آورده است.

● سحابی خاکستری و آرایش درونی

دو کتاب شعر «سحابی خاکستری» و «آرایش درونی» را نشر نقره و شرکت نشر سمر از محمد مختاری منتشر می‌کنند. سحابی خاکستری حاوی ۳۰ شعر عاشقانه - غنایی است که در سالهای ۷۰ - ۶۵ سروده شده است. و ۲۰ شعر منتخب از مجموعه بزرگ «خیابان بزرگ» نیز ضمیمه آن است. آرایش درونی، شعر بلندی است در ده بخش سروده سال ۱۳۶۸.

● انسان در شعر معاصر

انسان در شعر معاصر یا «درک حضور دیگری»، تحلیل مفصلی است از گرایش انسانی نو و معرفت‌شناسی شعر معاصر تألیف شاعر و محقق فاضل آقای محمد مختاری با فصل‌بندی زیر: ۱- درک حضور دیگری ۲- انسان‌دوستی سنتی ۳- نیما: همه را با تن من ساخته‌اند ۴- شاملو: توفان کودکان ناهمگون می‌زاید ۵- اخوان: روح سیه‌پوش قبيله ۶- فرخزاد: نهایت تمامی نیروها پیوستن است پیوستن. بخش نخست بررسی و

تحلیل انسان‌گرایی است در سه مرحله:

الف - انسان‌گرایی از رنسانس تا انقلاب کبیر فرانسه (عصر روشنگری)، که با تأکید بر آزادی و خرد، بر طرح گرایشهای بورژوازی متمرکز است.

ب - دوره عدالت اجتماعی که بیشتر بیانگر گرایشهای قرن نوزدهم تا نیمه اول قرن بیستم است. در این دوره آزادی با تأکید بر عدالت اجتماعی پیگیری می‌شود، و به درک ضرورت تعبیر و تفسیر می‌شود. همچنانکه خرد را نیز با عنوان «آگاهی تاریخی - طبقاتی» مطرح می‌کند.

پ - دوره درک حضور دیگری، که از نیمه دوم قرن بیستم تا به امروز ادامه دارد. با نقد و تصحیح مشکلات، نارساییها، بازدارنده‌ها و تأکیدهای دو دوره پیشین، به راه درک سیستمی از آزادی و دموکراسی در دنیای معاصر می‌پردازد. و به ویژه «فرزادگی فروتن معاصر» را جایگزین برداشتهای پیشین از اصل «خرد» می‌کند.

در بخش دوم «انسان‌دوستی سنتی» در ادب کهن ما بررسی و تحلیل شده است. و با توضیح درخششهای انعطاف‌آمیز و روحیه تسامح و تساهل و ... به دو مسأله اساسی پرداخته شده است که خود مانع بزرگی در رعایت حق و شأن و حضور انسان در ساخت اجتماعی قدیم سرزمین ما بوده است:

۱- ساخت استبدادی ذهن

۲- اصل شبان - رمگی (در سلسله مراتب اجتماعی)

فرهنگ قدیم ما با همه دستاوردهایش در خصوص ارزش انسان، چنان گرفتار این مسأله بوده است که نتوانسته است آزادی و دموکراسی را در کلیت زندگی اجتماعی - سیاسی گذشته نهادینه کند.

این بررسی تا دوره مشروطیت که دوره آمیختگی ارزشهای دو گرایش یادشده است ادامه یافته است. پس از آن رویکرد نو به حق و شأن و حضور انسان از راه شعر نیمایی، و در شعر چهار تن از شاعران متشخص معاصر باز جسته شده است.

انتخاب این شاعران اساساً به لحاظ فراگیر بودن گرایش و نظرگاه آنان در طول چند دهه است. و بینش آنان در کل دوره‌های شاعریشان تحلیل شده است.

کتاب را انتشارات توس در ۶۵۶ صفحه آماده انتشار کرده

است.

● سفر فرهنگی شمس لنگرودی و علیرضا میرزاخانی به

آلمان و انگلستان

فروردین امسال را شمس لنگرودی شاعر معاصر و علیرضا میرزاخانی (از بنیانگذاران مجلات آدینه، بهکام و آرمان) در شهرهای مختلف آلمان برنامه فرهنگی داشته‌اند. این برنامه‌ها که از سوی انجمن‌های فرهنگی ایران و آلمان در شهرهای هاننور و بوخوم برگزار شد با استقبال گرم حاضرین روبرو گردید. در این شبها نخست شمس لنگرودی اشعارش را برای حاضرین قرائت کرد و سپس به همراه میرزاخانی به پرسشهای حاضرین پیرامون وضعیت نشریات و شعر دهه شصت پاسخ دادند.

اواخر فروردین دانشگاه ادینبورگ (دپارتمان ادبیات خاورمیانه) با خبر حضور شمس در آلمان برای چند سخنرانی در دانشگاه مذکور از او دعوت کرد. در این سفر لنگرودی یک سخنرانی و چندین برنامه پرسش و پاسخ پیرامون تاریخ شعر نو برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی و عرب داشته است که از همه آنها نوار ویدئو تهیه شد تا در برنامه درسی دانشجویان گنجانده شود.

موقیقت شمس لنگرودی را خواستاریم

● مار نقره

واحد تئاتر ارشاد اسلامی گیلان، قرارداد چاپ کتاب نمایش «مار نقره» را، با «محمود طیاری» - شاعر، نویسنده، نمایشنامه‌نویس - به امضاء رسانیده، و قبل از پایان تابستان سال جاری، به نشر آن اقدام می‌کند. گفتنی است، محمود طیاری «مار نقره» را در سال ۵۸ در سه مجلس نوشته، و پس از یازده سال «مجلس اول» را بر آن افزوده است.

«شیروانی در باده نمایشنامه دیگری است، از همین نویسنده، آماده برای چاپ.

از محمود طیاری، در سال گذشته، سه کتاب در زمینه شعر، قصه کودکان، و نمایشنامه منتشر شده است.

۱۹ دسامبر ۹۱
داریوش آشوری:

دوست عزیز

از الطاف شما سپاسگزارم، شمارهٔ ۲۰ کلک هم رسید. پربارتر و بهتر. مجله در حال پیشرفت است و با همت و پشتکار کم‌نظیر شما می‌تواند یک نشریهٔ جدی تحقیقی و روشنفکرانه باشد. به هر حال، تاکنون با زحمت بسیار خوب از عهده برآمده‌اید. مقالهٔ آقای علی رواقی نمونهٔ مقالهٔ عالی محققانه و درجهٔ یک. اگر ایشان را دیدید از طرف من سلام برسانید و بگویید منتظر انتشار فرهنگ شما هستیم. ایشان واقعاً دانش و ذهن محققانهٔ کم‌مانندی دارند. (در ضمن از مقالهٔ عالی محققانهٔ ایشان برمی‌آید که «شاه‌انگیز» یا «شه‌انگیز» در شطرنج باید به معنای همان چیزی باشد که در اصطلاح امروز «کیش» می‌گوییم).

چندی پیش به نیاز برای کاری به دورهٔ آثار افلاطون ترجمهٔ محمدحسن لطفی مراجعه کردم و بخشهایی را دوباره خواندم. این ترجمه اثر بزرگی است با قلم شیوا و کاری است کارستان از مردی که عمری را بر سر این کار گذاشته است. ایشان اکنون باید خیلی سالمند باشند. چرا سراغ این گونه مردان نمی‌روید. چرا با ایشان مضاحبه‌ای ترتیب نمی‌دهید و

برای بزرگداشت از ایشان مقالاتی ترتیب نمی‌دهید؟ من عقیده دارم که مترجمان جدی و کوشا و با وجدان ارزششان از خیل نویسندگان شلخته و پرت خیلی بیشتر است.

در مورد رسالهٔ «از شرق به جهان سوم» خواستم تکه‌ای از آن را بفرستم ولی دیدم بدون سروته خواهد بود. به گمانم باید تمامش کنم و برای چاپ به صورت کتاب بفرستم. مسافر پا در رکاب است و باید نامه را به او برسانم.

با آرزوی توفیق

سید محمدعلی جمالزاده:

۱۴ فروردین ۱۳۷۱

دوست مهربان هرگز نادیده‌ام آقای علی دهباشی با سلام و دعای خالصانه وصول نامهٔ مختصر ولی پرمعنی و امیدبخش را که همین امروز بدستم رسید و دلم می‌خواهد به موجب دلخواه خودت عمل نمایم و هر چه زودتر نظر خودم را که می‌دانم با بی‌خبری بیشتری از ترتیب کار و زحمات و مشقات کار انتشار مجلهٔ «کلک» به احتمال بسیار زیاد با حقایق امر (گویا این بیت اثر طبع خود آن مرد مردانه بود) و از قضا همین‌طور هم شد یعنی آن مرد اصفهانی کم‌تجربه که «نحوی» نام خانوادگی داشت روزنامه‌ای در تهران بنام «نیواعظم» ایجاد

نمود و در خیابانی که در آن تاریخ «خیابان ناصری» نام داشت و در نزدیکی دری که از مدرسه دارالفنون (در نزدیکی عکاسخانه عبدالله خان قاجار) باز می‌گردید لوحه بزرگی در بالای اداره روزنامه خود آویخت که با خط نستعلیق بسیار زیبا و درشت کلمه «نیراعظم» نوشته شده بود ولی هنوز شماره اول روزنامه منتشر نگردیده بود که جوانان تهرانی شوخ طبع شبانه کلمه «نیر» را با تغییر نقطه‌ها بصورت «نیز اعظم» درآورده بودند و نشانی به همان نشانی که تا جایی که در خاطر دارم گویا حتی شماره اول چنین روزنامه‌ای (با شماره دوم) هرگز به دنیا نیامد.

چیزی که هست من بی تجربه و دنیا و مردم‌شناس درباره علی دهباشی و فکر و عمل و همت و پیش‌بینی و کارشناسی او سخت به اشتباه رفته بودم و چون از طرف دیگر در همان اوقاتی که این چنین مرد کارشناس و پخته و باتجربه می‌خواست دست به کار شود (مقصودم علی دهباشی است) در مجله «ره‌آورده» که الحق مجله بسیار خوب و آموزنده و سودمندی است و به همت مرد بسیار بلندهمت و ایران‌دوستی مرتباً در چندصد صفحه مرتباً به طبع می‌رسد خواننده بودم که یک تن از هموطنان درباره نشریه‌های متعددی که پشت سر هم شروع به انتشار می‌گذاشت ولی بدبختانه عمر بسیار کوتاه داشت و به اصطلاح «دولت مستعجل» می‌گردید و آن نویسنده مقاله تعداد آنها را در آن تاریخ در مقاله خود «هفتصده» نوشته بود، از تو چه پنهان، چشمم ترسیده بود و به اصطلاح «آب نمی‌خورد» و ترسیدم متناسب در نخواهد آمد برایت بنویسم.

ای علی دهباشی چنانکه لابد در خاطر داری از همان آغاز کار برایت به صراحت و یا به اشاره نوشتم و می‌ترسیدم خدای نخواستہ بی‌اندیشه کافی پا در رکاب کرده باشی و بخاطر آوردم که پدرم هم به یک نفر از دوستان جوان و خویش که از اصفهان (در اوایل دوره مشروطیت) خود را به اصفهان رسانیده این بیت را که خودش از حاج سید نصرالله تقوی از دوستان خود و از مشروطه‌طلبان فداکار شنیده بود در گوش او می‌خواند که:

ببیندیش پایان هر کار که آخر

ز پی روز روشن شب تار دارد
خدای نخواستہ «کلک» هم دچار چنین سرنوشتی بگردد. هرگز نمی‌توانستم حدس بزنم که سردبیر «کلک» مردی است کاملاً استثنایی که نظایرش را در طول عمر دور و دراز خود بسیار بندرت دیده بودم و همین سالهای اخیر باز با یک نفر مجله‌نگار دیگری هم در «برون‌مرزی» آشنا شده‌ام که با یکدنیا اشکالات می‌جنگد و کاملاً سرموقع مجله خود را بدست طالبانش می‌رساند.

مجله «کلک» الحق مجله بسیار خوب و جامعی از آب

درآمده و می‌توان گفت که هر شماره از شماره قبل بهتر و سودمندتر و کاملتر است و اگر باز نقصی داشته باشد باید از کسانی پرسید که اهل کتاب و مجله باشد نه از من پیر ناتوان. خداوند متعال به مجله «کلک» آنچه را لازم است عطا فرماید تا ما را به افتادن در صراط مستقیم از هر جهت کمک برساند. ان‌شاءالله تعالی.

یک جلد از تقویم بی‌نظیر سال ۱۳۷۱ هجری شمسی فراهم ساخته بسیار کامل و مفید نشر مرکز (خدا توفیق روزافزون به آنها عطا فرماید) و نتیجه استخراج تقویم مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران و علی‌الخصوص دانشمند عالی‌مرتبه دکتر ایرج ملکپور بتوسط دوست ارجمندم آقای علی دهباشی بدستم رسید و مایه نهایت امتنان و تسهیل کارم هست و خواهد بود. ان‌شاءالله تعالی.

دعاگوی مخلص سیدمحمدعلی جمالزاده که امروز درست یکصد سال و ۷۵ روز از روز تولدش (به تقویم هجری شمسی و میلادی) می‌گذرد. خدا را شکر.

● سنت پترزبورگ - ۳ ماه آوریل ۱۹۹۲
پروفسور بایفسکی:

آقای علی دهباشی در شماره ۲۴ - ۲۳ مجله کلک مقاله دکتر احمد منزوی «طرح فهرستواره کتابهای فارسی» برای بنده خیلی جالب توجه است. بدین سبب حالا به آقای محترم دکتر احمد منزوی اشاره می‌کنم که گمان می‌کنم پیشنهاد درباره فهرستواره کتابهای فارسی برای کتابنامه بزرگ نگاشته‌های فارسی خیلی خوب و خیلی مهم است. بنده بیشتر از سی سال درباره نسخ فارسی کار می‌کنم. شما می‌توانید از بنده استفاده کنید. می‌توانم در کار اشتراک کنم. موضوع علمی بنده تاریخ فرهنگ‌نویسی فارسی در قرون وسطی است. درباره این موضوع چند جلد کتاب منتشر کرده‌ام:

۱- بایفسکی س. ای: «فهرست نسخ خطی فارسی از فرهنگهای فارسی بفارسی»، مسکو، ۱۹۶۲.

۲- بایفسکی س. ای: «فهرست نسخ خطی فارسی از فرهنگهای عربی به فارسی و فارسی به ترکی»، مسکو، ۱۹۶۸.

۳- بایفسکی س. ای: «تاریخ فرهنگ‌نویسی فارسی در قرون وسطی» (از قرن ۱۱ تا ۱۵)، مسکو، ۱۹۸۹.

در ایران هم چند تا مقالات بنده به فارسی چاپ شده در مجله راهنمای کتاب و پیام نوین.

بنده از کتاب فرهنگنامه‌های عربی بفارسی آقای علیبنی منزوی استفاده کرده‌ام. خواهش می‌کنم سلام مرا به آقای منزوی برسانید. و نشانی من در انستیتوی شرقشناسی سنت پترزبورگ را برایتان با حروفات لاتینی می‌نویسم. ارادتمند شما

سردبیر محترم مجله کلک

از دریافت مجله جالب و باارزشتان قلباً سپاسگزارم. بنده به تحولات جاری ادبیات و فرهنگ ایران علاقه زیادی دارم و آنها را در حد امکان از دور دنبال می‌کنم. از این لحاظ مطالعه انتشارات ایرانی خیلی برایم اهمیت دارد و به نظرم مجله کلک بی‌سنگر پدیده‌های مهم فرهنگ معاصر ایران است و دارای مطالب قابل توجه زیاد.

با فرارسیدن سال خورشیدی ۷۱ برای جنابعالی و تمام همکاران این مجله پیروزی و توفیق هر چه بیشتر را آرزو می‌کنم.

با عرض سلام و احترامات زیاد

اسکندر ختلانی:

(سردبیر مجله مژده)

مسکو - ۱۶ فروردین ۱۳۷۱

بنام خداوند جان و خرد

سردبیر گرامی ماهنامه کلک!

اینتجانب با سپاس به آگاهی جنابعالی می‌رسانم که تا امروزه شماره‌های ۱۷ تا ۲۱ را دریافت نموده و از نکات پرارزش مندرج در آنها بهره‌مند شدم. آموزش شیوه کار ماهنامه شما برای ما نوپایان راه نوزایی فرهنگ ایران‌زمین در تاجیکستان پارسی‌گو و بویژه برای پختگی ماهنامه مژده بسیار سودمند است. آرزو دارم با فراهم شدن امکانات مناسب مدتی را برای کارآموزی در مجله وزین و مایه‌دار شما در اختیار داشته باشم. دریافت عکسها و کتابها از آقای عالم‌پور و کتبی که پست کرده‌اید، برای بنده جای بسی افتخار و بیانگر محبت‌های جنابعالی در برابر برادران و خواهران تاجیک تشنه معرفت سرزمین فردوسی و حافظ است.

امیدوارم همکاری‌های سودمند میان نشریه‌های مژده و کلک باب تازه‌ای در راه بازگشت ما تاجیکان دور شده از اصل خویش و جویندگان روزگار وصل خویش باشد.

با درودهای فراوان و آرزوی شکوفایی هر چه بیشتر کلک

دوست عزیز

توجه و محبت شما غافلگیرم می‌کند. طوری که خلاء نامه‌های گمشده یا هرگز نیامده را تأییدی بر حقیقت وجود چیزی که به دست فراموشی سپرده بودیمش یا نبودش را تقدیری طبیعی می‌شمردیم، می‌دانیم و از این خلاء خانه‌ای می‌سازیم و برای همیشه در آن ساکن می‌شویم، دوری و دورافتادگی، غربت مرا صدچندان می‌کند و برایم فکرهای پریشان می‌سازد. در اینجا چراغهای رابطه تاریک‌ترند. یونان کشوری است که در آن ایرانی خیلی کم و به ندرت می‌بینی. فکر و توجه فارسی هم به ندرت می‌شنوی. با وجود رابطه باستانی چند هزارساله، بجز رویایی دور و وهم آمیز چیزی در اذهان یونانی وجود ندارد. تنها چند ماهی است که بطور آزمایشی در دانشگاه تسالونکی کلاس درس فارسی آنهم تقریباً بی‌هدف و برنامه دایر شده است. از من هم دعوت شد در این کلاسها تدریس کنم که منم بطور آزمایشی پذیرفتم. البته میزان علاقه دانشجویان و استادان خیلی قابل توجه است و من با انگیزه‌ای درونی به این علاقه و اشتیاق مقدماتی تا آنجایی که می‌شود پاسخ گفته‌ام. این دانشجویان به نسبت قابل توجهی با فارسی خواندن و نوشتن و جمله‌سازی شفاهی - آشنا شده‌اند. البته این کلاس رویه پایان است. زمینه خالی است و اگر به طور رسمی، جدی‌تر گرفته شود. شاید امیدهای فراوانی به فارسی خوانهای یونانی بشود بست.

اما در باره خاطرات ریتسوس، می‌دانم اهل خاطره‌نویسی بطور متعارف نبود. اهل مصاحبه و این حرفها نبود. همیشه می‌گفت خاطرات و زندگی من در آثارم مستتر است. هر چه داشتم، نوشته‌ام و گفتم. نیز می‌دانم نامه‌های بسیاری نوشته که در دست گیرندگانش است و امیدوارم به چاپ رسد. بنابراین خاطرات ریتسوس بمثابة خاطرات نرودا وجود ندارد. اما رمان ۹ جلدی او که اتوبیوگرافی شاعرانه و غریب و بدیع اوست و دوست نداشت آنرا اتوبیوگرافی بداند، سرشار از خاطرات مکتوم و آشکار زندگی اوست. مقداری از آن را ترجمه کرده‌ام و بسیار امیدوارم روزی بپایان برسانم.

اخیراً از سوی نقاش کتابم «خوابهایم پر از کبوتر و بادبادک است» مطلع شدم که این کتاب دو سه سال پیش از سوی شورای کتاب کودک کتاب برگزیده سال شد و جایزه‌ای هم به آن تعلق گرفت که در غیبت نویسنده جایزه به ناشر داده شد! با سلام بسیار برای همکاران و دوستان کلک

در مقاله «این قند پارسی» نوشته آقای غلامرضا سمیعی مندرج در شماره ۲۴ - ۲۳، بهمن و اسفند ۱۳۷۰ آن نشریه، این جمله آمده است: «در مقدمه شاهنامه ابومنصوری آنجا که سخن از فضایل شاهنامه فردوسی است می‌خوانیم:».

اگر کلمه «فردوسی» در جمله بالا ناشی از نافرمانی قلم نویسنده محترم مقاله نباشد، بی‌یقین اشتباهی رخ داده است که توضیح آن ضروری است. مقدمه شاهنامه منثور ابومنصوری یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های نثر دل‌انگیز پارسی است که به سال ۳۴۶ هجری قمری نوشته شده است. از کتاب شاهنامه منثور ابومنصوری «گردآورنده ابومنصور المعمری دستور ابومنصور عبدالرزاق عبدالله فرخ»، سپهسالار کل خراسان از سوی سامانیان، که مایه اصلی کار فردوسی در نظم شاهنامه بوده است، امروز چیزی در دست نیست بجز همین مقدمه معروف آن، که آن را با تصرفاتی در آغاز بعضی از نسخه‌های شاهنامه فردوسی قرار داده‌اند.

می‌دانیم که فردوسی شاهنامه را به مدت سی تا سی و پنج سال به نظم کشید و به سال ۴۰۰ هجری این کار را به پایان برد و نسخه‌ای از شاهنامه را به محمود غزنوی تقدیم کرد. بنابراین سال آغاز نظم شاهنامه ۳۶۵ یا ۳۷۰ است؛ چگونه ممکن است ابومنصور المعمری، نویسنده و گردآورنده شاهنامه ابومنصوری، به سال ۳۴۶ هجری قمری «سخن از فضایل شاهنامه فردوسی» بگوید؟!.

یکی دانستن مقدمه‌هایی که در آغاز بعضی از شاهنامه‌های قدیم آمده است، با اصل متن مقدمه شاهنامه منثور ابومنصوری نیز، نظری درست و تحقیقی نیست.

تذکر و تصحیح لازم

در مقاله «این قند پارسی» سطر سیزدهم طبق تذکر نویسنده مقاله عبارت (سخن از فضائل شاهنامه فردوسی است) نادرست و (سخن از فضائل آن شاهنامه است که مأخذ کار فردوسی است) درست است. از آقای جلیلی پور ساکن شهرستان رشت نیز که متوجه اشتباه چاپی مذکور در فوق گردیده و تذکر داده‌اند متشکریم.

کلک

دوست و برادر عزیزم آقای علی دهباشی

چون نامه شما را محی‌الدین عالم‌پور آورد آن کلام و سلام آشنا را خواندم و شما را در روپروی خویش دیدم. برای آن‌همه مهربانی و زحمات یک جهان تشکر می‌گویم.

در نامه شما از آن سخت غمگین و دل‌تنگ بودید که بسته‌های کلک و کتابها به ما نرسیدند. واقعاً ما چشم به راه بودیم، اما به جز سه جعبه‌ای که با هواپیمای نخستین آمد دیگر مراسلات شما نیامده بود. اما شکر، بعد چندی برای من و برای همه دوستان بسته‌های کلک و کتابها رسیدند. ما به علاقمندان آن یکی، دو تایی هدیه کردیم. کلک ماه بهمن و اسفند هم رسید. عکس خودم و چند دویستی را در صفحه آن دیدم از شادی سر به آسمان سودم.

همچنین کتاب «در روشنائی صبح» را از آقای منصور اوجی رسید. از ایشان بسیار سپاسگزارم. از مجله «آشنا» «آینده» و از شیراز نامه‌ها گرفتم که می‌دانم با کوشش و میانجیگری شماست. کتاب «صدای شکستن سکوت» را آقای بهروز افتخاری فرستاده‌اند. خواندم. خیلی جالب است.

برادر بزرگوار من، دیگر دل‌تنگ نباشید. مراسلات شما دیر آمدند، اما شیر آمدند. این دیر آمدن‌ها یک علت دوانا پذیرش پست سابق شورویست. منبعه دلتان سرد نباشد، هر چه کتاب و مجلاتی که روا می‌دانید، بفرستید که می‌آید.

صفحات «کلک» را که ورق می‌زدیم دریافتم که سخت نیازمند هستید. می‌دانید که هنوز دفتر بنیاد زبان فارسی همان است که دیده بودید. نمی‌دانم روبل ما که صددرصد بی‌قرب شده به درد شما می‌خورد یا نه؟ دیگر اینکه حال کتاب بنده چگونه است؟

نامه‌ایی بفرستید تا دلم تسکین یابد. شما را با تشنگی از دور به آغوش می‌کشم.

با ارادت

هو الباقی

تسلیت عرض کرده و به روان پاک این ناشر دانشمند رحمت می‌فرستیم و بادش را گرامی می‌داریم. والسلام

خادم کتاب سید عبدالغفار طه‌وری (خلخال) مدیر کتابخانه طه‌وری

جناب آقای منصور کوشان، هنرمند گرامی

درگذشت تأثرانگیز مادر گرامیتان را از صمیم قلب تسلیت گفته و خود را در اندوه بی‌پایان شما شریک می‌دانیم.
 بیژن بیجاری - یارعلی پورمقدم - امیرحسن چهل‌تن -
 علی دهباشی - قاضی ریجاری - کسری حاج‌سیدجوادی -
 فرشته ساری - اصغر عبداللهی - مشیت‌علایی - رضا
 فرخفال - حسین محبوب - ابوالقاسم محمدطاهر - محمود
 معتقدی - محمد محمدعلی

خانواده ارجمند و هنرمند کامگار

ما را در مصیبت مرگ پدرتان شریک اندوه خویش بدانید.
 از آباء: اورنگ خضرائی - فرهاد گریگین‌پور

استاد دانشمند جناب سید نوراله ایران‌پرست مدیر مؤسسه کتابخانه دانش روز جمعه ۲۸ فروردین ۱۳۷۱ از غمگده دنیا به جهان غریب و معنا پیوست و نام نیک و آثاری باارزش از خود به یادگار گذاشت.

مرحوم ایران‌پرست حق بزرگی به جامعه فرهنگی ما دارد جناب ایشان هم نویسنده، هم دانشمند بود و مترجم زبردست از رجال فرهنگی نیک‌نام و گرانمایه و بهترین ناشر و کتابشناس و از مفاخر دوره معاصر ایران بود ترجمه و تألیفاتش به اعتبار نشر قریب ۵ سال مجله ادبی، تاریخی دانش بود و تصحیح کلیه آثار سعدی علیه‌الرحمه تألیف دستور زبان فارسی بر پایه دیوان سعدی، علاوه تألیف چند کتاب، مقالات تحقیقی در مجله دانش انتشار داد. خدماتی که نوشته‌های تاریخی و ادبی مؤثر فرهنگ و مطبوعات کشورند. ایران‌پرست خدماتی به فرهنگ ایران کرده که قابل توجه و اهمیت فراوان است وی در شمار دانشمندانی بود که تاریخ فرهنگ ایران را از جان و دل دوست می‌داشت و خدمات به آن را نه تنها وظیفه‌ای بلکه لذتی می‌دانست. زبان انگلیسی خوب می‌دانست، زبان فارسی میانه، لوستا، سانسکریت و هندی، گجراتی آشنا بود. این مصیبت را به دانشمندان، فرهنگیان، و همکاران محترم و بازماندگان وی

استاد حسن کامکار - پدر کامکارها - در پی یک بیماری درگذشت. این ضایعه جبران‌ناپذیر را به فرزندان هنرمند او و نیز هنرمند نوجوان امید لطفی تسلیت می‌گوییم. «کلک» در شماره آینده به تفصیل از خدمات استاد فقید یاد می‌کند.

با اندوه و تأسف عمیق درگذشت دکتر بهرام فره‌وشی استاد دانشگاه، عارف، فرهنگ‌شناس و زبان‌شناس ایران باستان، فرزند مرحوم علی محمد فره‌وشی (مترجم همایون) را به اطلاع هموطنان و دوستان فرهنگ و ادب ایران می‌رساند. مجلس یادبود و بزرگداشت آن زنده‌یاد متعاقباً اعلام خواهد شد.

خانواده فره‌وشی

در میان موجی از بهت و ناباوری و اندوه در سوگ عزیزترین عزیزانمان دکتر بهرام فره‌وشی استاد دانشگاه به ماتم نشسته‌ایم یادش گرامی و روانش شادباد.

هما گرامی (فره‌وشی) - میتی‌دات فره‌وشی - سورنا و نازگل فره‌وشی

درگذشت علی‌اکبر اکبری

علی‌اکبر اکبری نویسنده آزاداندیش و پژوهشگر فرهیخته که عمر پربار اما کوتاهش را با عشق به فرهنگ ایران و آرزوی بهروزی انسان گذراند، متأسفانه به دور از وطن خویش درگذشت و همگان را سوگوار کرد. یادش را گرامی می‌داریم و به خانواده محترم و یازان و همدلانش صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

منوچهر آتشی - علی آقا بخشی - مجید احسن - بامداد ارفع‌زاده - علیرضا اسپهبد - علی اسدیان - یوسف اسدیان - اصغر الهی - مفتون امینی - مهناز بافکار - محسن باقرزاده - ثوابعلی براتعلی - رضا براهنی - حسین به‌آور - محمد بهارلو - سیمین بهبهانی - بیژن بیجاری - اسماعیل پاپائی - فتح‌پاک‌نژاد - بزرگ پورجعفر - بهمن پورشریعی - یارعلی پورمقدم - ارسلان پورینا - فرخ تمیمی - مرتضی ثاقب‌فر - محمد جواهرکلام - محمدرضا جهانبخش - امیرحسین چهلتن - کسری حاج‌سیدجوادی - علی حاج‌یوسفی - هوشنگ حسامی - مریم حسین‌زاده - حسین حیدرزاده - عظیم خلیلی - فرحتناز خمسه‌ای - محمود دولت‌آبادی - علی دهباشی - فریبرز رئیس‌دانا - منصور رسولی - جهانگیر رضوی - اسماعیل رها - ابراهیم رهبر - عظیم رهین - هرمز ریاحی - کاظم سادات‌اشکوری - محمدعلی سپانلو - فرج سرکوهی - منصور سروش - فاطمه سماروک - زرین ناچ‌شایان - مسعود شفیق - سهراب شهویاری - محمدتقی صالح‌پور - حسن

صدرزاده - عمران صلاحی - حسن عالیزاده - مشیت علایی - غزاله علیزاده - محمد علیزاده - ابوالقاسم فرقانی - رهنا فرنود - ابراهیم فیوضات - ابوالفضل قاسمی - حشمت کامرانی - منصوره کاویانی - نصراله کسرائیان - عبدالله کوثری - فریدون کیانی - شمس لنگرودی - عباس مازندرانی - جواد مجابی - فریبرز مجیدی - ابوالقاسم محمدطاهر - محمد محمدعلی - احمد محمود - عباس محمودی - عباس مخبر - محمد مختاری - محسن مستوفی - مسعود مستوفی - محمود معتقدی - رضا معتمدی - پوری موثقی - فرشته مولوی - مهدی مهرداد - مسعود میناوی - اصغر میتو - کرامت مینو - سیدعلی اصغر نبوی - رضوی - غلامرضا نجاتی - غلامحسین نصیری‌پور - علی‌اکبر نقی‌پور - علی محمد نوروزی - محمد نوری - لیدا واثقی - مصطفی وطن‌خواه - رضا یزدی - نیاز یعقوبشاهی - ابراهیم

یونسی

دوستان ارجمند محمد و رابعه افتخاری

مصیبت وارده را به شما و خانواده گرامیشان تسلیت می‌گوییم. ما را در غم خود شریک بدانید.

همکاران کلک

منتشر شد

هانری گربین

آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی

نوشته

داریوش شایگان

ترجمه

باقر پرهام



مؤسسه انتشارات آگاه

مترجم

سال دوم - شماره پنجم - بهار ۱۳۷۰
فصلنامه علمی - فرهنگی

فهرست مطالب این شماره:

توالی و سلسله‌مراتب در ترجمه - نقش مترجم در ترجمه ادبی - گفتگو با دکتر میرجلال‌الدین کزازی درباره‌ی آن‌ها - فرهنگ اصطلاحات ترجمه، معنی اولیه و معانی ثانویه - ترجمه‌ی نوواژه‌ها - تکنیکهای آموزش ترجمه - نقدی بر کتاب فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی - ویرایش و نقد ترجمه - مشکلات ترجمه اشعار ادگار آلن پو - مشکلات ترجمه الفاظ قرآنی - گزیده‌ای از ترجمه مواقف و مخاطبات و ترجمه ماشینی متون علمی انگلیسی به زبان فارسی

فرم اشتراک مترجم در سال ۱۳۷۱

اینجانب
نشانی
کد پستی تلفن
با ارسال فیش مبلغ ۲۰۰۰ ریال به حساب شماره ۵۱۰۵۶ بانک ملی ایران شعبه دانشگاه مشهد
متقاضی اشتراک مترجم در سال ۷۱ می‌باشم.
لطفاً از شماره مجله را ارسال دارید.

کتاب‌فروشی‌ها و مراکز فروش کتاب در دانشگاه‌ها برای خرید مترجم به تعداد مورد نیاز (با تخفیف ۲۰ درصد) می‌توانند مبلغ مورد نظر را به شماره حساب فوق واریز کرده و فیش آن را به آدرس مجله بفرستند.

نشانی: مشهد، صندوق پستی ۶۹۷-۹۱۷۳۵ فصلنامه مترجم



انتشارات معین



به مناسبت برگزاری پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

منتشر می‌کند

طهران قدیم

اثر ماندگار استاد جعفر شکر در ۵ جلد

به بهای ۳۵/۰۰۰ ریال

به دلیل محدود بودن تیراژ و به منظور پاسخگویی درست به تقاضای مراجعه کنندگان، مستقاضیان عزیز می‌توانند تا پایان خرداد ماه جاری برای ثبت‌نام، علی‌الحساب مبلغ ۱۵/۰۰۰ ریال به حساب جاری ۱۰۶۵ بانک صادرات شعبه فخر رازی تهران واریز و اصل فیش را به همراه تکمیل فرم درخواست زیر به نشانی: تهران - صندوق پستی ۷۷۵ - ۱۳۱۴۵ ارسال نمایند تا به وسیله پست به آدرس آنان ارسال گردد. مابالتفاوت قیمت، هنگام تحویل کتاب دریافت می‌شود

نام و نام خانوادگی شماره شناسنامه

آدرس کد پستی

فیش بانکی شماره تلفن امضاء

موقعیتی برای
معرفی و تبلیغ امکانات و توانائی‌های شما
بزودی
راهنمای
مشاغل صنعت چاپ

- * چاپخانه‌ها * لیتوگرافی‌ها * حروفچینی‌ها
- * انتشاراتی‌ها * کتابفروشی‌ها * کاغذفروشی‌ها
- * حرفه‌های وابسته به صنعت چاپ

ناشران حلقه ارتباط مؤلف و خواننده و تولیدکننده کتاب هستند یعنی آماده‌سازی و چاپ کتاب را به عهده دارند. پس باید مشخصات همه آنها در راهنمای مشاغل صنعت چاپ درج شود.

راهنمای مشاغل صنعت چاپ مشخصات مراکز چاپی، انتشاراتی و خدمات کامپیوتری را با ذکر آدرس، شماره تلفن، و نوع خدمات آنها در اختیار سفارش‌دهندگان قرار می‌دهد.

تلفن تماس: ۴۳۷۵۸۴۲
تنظیم و اجرا: نشریه «صنعت چاپ»

نویسندگان و ناشران اگر از روند آماده‌سازی، چاپ و صحافی کتابشان به‌خوبی اطلاع داشته باشند، کارشان بسیار آسان‌تر می‌شود.

گرافیک‌ها و نقاشان اگر لیتوگرافی و چاپ را بشناسند، بهتر می‌توانند طرح‌ها و رنگ‌هایی را انتخاب کنند که با امکانات چاپ متناسب باشد.

صنعت چاپ

ماهنامه «صنعت چاپ»

نخستین و تنها مجله تخصصی چاپ در ایران است

در گزارش‌ها، مقالات، مصاحبه‌ها و اخبار این نشریه، اساسی‌ترین مسائل صنعت چاپ و همه حرفه‌هایی که با آن سروکار دارند، طرح و بررسی می‌شود. علاوه بر چاپ، لیتوگرافی و صحافی، بخش قابل توجهی از مطالب ماهنامه صنعت چاپ به مسائل و نظرات ناشران، گرافیک‌ها، نویسندگان، مترجمان، کتابداران و... می‌پردازد.

دوره اول انتشار: ۱۳۶۹ - ۱۳۶۱

دوره دوم انتشار: از دی‌ماه ۱۳۶۹

آخرین شماره منتشره: ۱۱۳ - اردیبهشت ۱۳۷۱

تیراژ فعلی: ۶۰۰۰ نسخه

تعداد مشترکین: ۳۸۰۰ نفر

قیمت یک شماره: ۴۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: تهران خیابان، دکتر شریعتی، پست حسینی‌ه‌ارشاد،

خیابان شهید ناطق نوری (زمرد)، پلاک ۱۷، واحد ۷

۱۹۳۹۵-۱۷۶۵: ✉

۴۳۷۵۸۴۲: ☎

انواع ادبی

دکتر سیروس شمیسا



انواع ادبی / دکتر سیروس شمیسا

انواع ادبی یکی از شاخه‌های علوم ادبی و موضوع اصلی آن طبقه‌بندی کردن آثار ادبی از نظر ماده و صورت در گروه‌های مشخص است.

کتاب انواع ادبی نوشته‌ی دکتر سیروس شمیسا که نخستین تألیف مستقل در این زمینه به زبان پارسی است ضمن نشان دادن جایگاه «انواع» در علوم ادبی با تکیه بر آرای برجسته‌ترین نظریه‌پردازان ادبیات از ارسطو و هوراس و بووالو تا رنه و لک و نورتروپ فرای و رومن یا کویسون، در برگیرنده‌ی بحث‌های مفصلی درباره‌ی انواع گوناگون ادبی از روزگاران کهن تا دوره‌ی معاصر است. بخش نخستین کتاب به تعریف و تبیین انواع قدیم؛ ادب حماسی، ادب غنایی، ادب نمایشی یا دراماتیک در ادبیات جهانی می‌پردازد. بخش میانی به انواع جدید؛ رمان و داستان کوتاه همراه با بحثی درباره‌ی قصه‌های سنتی ایران اختصاص دارد. بخش پایانی کتاب ویژه‌ی ادبیات پارسی است و در آن ضمن بررسی انواع متداول ادبی، قالب‌های شعر - این جمیل‌ترین جلوه‌گاه جان و جهان انسان ایرانی - همچون قصیده، غزل، مثنوی و... تا قالب شعر نو مورد بحث قرار گرفته است. در جای جای کتاب به تناسب مبحث و موضوع، نمونه‌های درخشانی از آثار برجسته‌ترین نمایندگان ادبیات ایران و جهان نقل شده است؛ فردوسی و مولانا و همیر و کافکا و خیام در کنار سوفکل و سعدی و حافظ و فاکتر و هدایت و شاملو و... هر یک مهر و رقم خود را بر «نوعی» و «قالبی» می‌زنند.

کتاب انواع ادبی برای همه‌ی مشتاقان فرآورده‌های ادبی؛ خوانندگان شعر و داستان و قصه و نمایشنامه مفید و ارزشمند است.

نقاشی‌های آب‌رنگ
محمد رضا آتشزاد ۷۰-۱۳۶۹

MOHAMMAD REZA ATASHZAD
WATERCOLORS
1990-91



کانون هنر نقاشی و معماری آتشزاد
تهران، میدان ونک، خیابان دکتر عباسپور (توانیر)، ساختمان ۳۳،
آپارتمان ۵، کدپستی: ۱۳۲۵۶، تلفن: ۲۸۸۲۵۷۲

ATASHZAD Painting & Architecture Center
Apt. 5, 43, Abbas-pour (Tavanir) ST., Vanak Sq., Tehran
14356, IRAN, Tel: (021) 4884572

Atashzad —————



انتشارات آگاه منتشر کرده است:

تاریخ زمین لرزه‌های ایران

نوشته نیکلاس امبرسز و چارلز ملویل، از انتشارات دانشگاه کیمبریج

ترجمه ابوالحسن رده

نویسندگان کتاب استادان مهندسی زمین لرزه در کالج پادشاهی دانش و تکنولوژی لندن هستند. پروفیسور امبرسز از نامدارترین زمین لرزه‌شناسان جهان است، مشاور عالی زمین لرزه‌شناسی بونسکو است و بارها برای بررسی زمین لرزه‌ها به ایران آمده است. دکتر ملویل نیز دکترایش را در دانشگاه کیمبریج در موضوع زمین لرزه‌های تاریخی ایران نوشته است.

نویسندگان این کتاب برای گردآوری مشخصات زمین لرزه‌های ایران از هزاره سوم پیش از میلاد تا کنون، بیش از هزار کتاب خطی و چاپی به زبانهای فارسی، عربی، ترکی، ارمنی، روسی و زبانهای اروپایی و نیز هزاران نشریه، سند، کتیبه و سنگ نبشته را خوانده و بررسی کرده‌اند. همچنین در محل رویداد بسیاری از زمین لرزه‌های ایران به جستجوی گواهی‌های زمین‌شناختی و مدارک محلی زمین لرزه‌ها پرداخته‌اند. آنگاه داده‌های تاریخی و دستگاهی زمین لرزه‌های ایران را به شیوه‌ای موشکافانه تحلیل کرده و روند عمومی لرزه‌خیزی ایران را نشان داده‌اند.

این کتاب می‌تواند مهندسان راه و ساختمان و سازه، معماران، لرزه‌شناسان، زمین‌شناسان و باستانشناسان را به کار آید.

اولاد

فرم اشتراک نشریه اجتماعی - هنری

نام و نام خانوادگی:

به تفکیک حروف در جدول ذیل نیز آورده شود

نام

نام خانوادگی

تاریخ شروع اشتراک:

از شماره:

شغل:

نشانی: کدپستی: صندوق پستی:

تلفن:

۱۲ شماره: ۱۴۴۰ ریال ۶ شماره: ۷۲۰ ریال

از طریق پست سفارشی: ۹۰۰ ریال بلی خیر ۱۸۰۰ ریال

طی فیش شماره: حواله / چک شماره:

نقدی:

پرداخت شد

جهت اشتراک نشریه روزانه کپی فرم تکمیل شده را همراه با کپی فیش بانکی حق اشتراک به حساب جاری شماره ۲۶۳۳ بانک صادرات شعبه ۲۹۶ تهران به نام روزنه واریز شده باشد به آدرس نشریه ارسال فرمائید.

آدرس: تهران - صندوق پستی ۷۵۵ - ۱۶۷۲۵ نشریه روزانه

منتشر شد

فرهنگ
واژگان و اصطلاحات
هنرهای تجسمی
انگلیسی فارسی

نقاشی. گرافیک. مجسمه‌سازی. معماری. سفالگری
تألیف محسن کرامتی



نشر چکامه

تهران: صندوق پستی ۱۹۷-۱۳۱۴۵ تلفن ۴۶۵۷۸۰۵
تلفن مرکز پخش ۶۶۲۲۱۰

مژدا در خدمت فرهنگ و نشر ایران

حروف چینی مزدا

تلفن ۶۵۸۴۱۸

- چاپ زیبای متون با چاپگر لیزری
 - قابلیت اغراب‌گذاری کامل
 - درج، شماره‌گذاری و تنظیم خودکار پاورقی‌ها
 - ستون‌بندی روزنامه‌ای
 - ستون‌بندی اشعار به صورت موازی و پله‌ای
 - رسم خطوط عمودی و افقی و چهارگوش
 - تسرام‌گذاری از صفر تا ۱۰۰ درصد
 - فرمولهای خطی، علائم ریاضی، یونانی، آکسنت
 - و... از دهها ویژه‌گیهای این حروف چینی است.
- حروف چینی با کامپیوتر،
نمونه‌خوانی، ویرایش و صفحه‌آرایی
کتاب، روزنامه، نشریه، فرهنگنامه،
گزارشات و مقالات با به‌کارگیری ۳۰۰
نوع قلم فارسی و لاتین در اندازه‌ها و
طرحهای گوناگون.



فرهنگ معاصر



روشی تازه و آسان در آموزش

دستور زبان انگلیسی

«شیوه نو در آموزش دستور زبان انگلیسی از ابتدایی تا عالی» کتابی است در نوع خود کاملاً نو و متفاوت که تمام نکات مهم دستوری زبان انگلیسی به صورتی بسیار آسان و قابل درک با مثالهای روشن و تمرینهای مناسب در آن گردآوری شده است. مؤلف کتاب، دکتر پریوش منوچهری، استاد و رئیس سابق گروه زبانهای خارجی دانشگاه تربیت معلم است که تجربه سی سال تدریس زبان انگلیسی و آگاهی از مشکلات خاص زبان آموزان ایرانی، وی را یاری کرده است تا بتواند با تلفیق هماهنگ دیدگاههای مختلف زبانشناسی و زبان آموزی، پیچیده ترین مباحث دستوری را با آسان ترین روش بیان کند. درسهای کتاب با توضیح ساده ترین جمله آغاز می شود و گام به گام جمله های دشوارتر و گسترده تر مورد بحث قرار می گیرد. زبان آموز پس از مطالعه این درسها می تواند با استفاده از چهار عمل افزایش، کاهش، جایگزینی و جابه جایی، انواع مختلف جمله ها را به یکدیگر تبدیل کند و به مفاهیم نو و متفاوتی دست یابد.

این کتاب در سه بخش کلی (شامل ۴۱ فصل) همراه با هزار و یک نمونه از تست های کنکور و اعزام دانشجو در ۸۰۰ صفحه منتشر شده و برای تمام علاقمندان به فراگیری آسان و روشمند زبان انگلیسی، به ویژه دانش آموزان، داوطلبان کنکور، دانشجویان و دبیران، مفید و با ارزش است.

میان ستارگان



جلد اول

★ (به گزینی از داستانهای کوتاه ایرانی از آغاز تا امروز) ★

★ محمد خلیلی - مصطفی فعله گری ★

ناشر: هوش و ابتکار

مرکز توزیع: بخش راهنما، تلفن ۹۲۰۰۲۷

راهنمای درخواست اشتراک نگاه‌نو

با پیوستن به گروه مشترکین نگاه‌نو، ما را در انتشار منظم و مستمر این مجله یاری دهید، و خود نیز مطمئن باشید که نگاه‌نو را به مجرد انتشار دریافت خواهید کرد.

● حق اشتراک (با هزینه پست)، برای ۶ شماره در سال ۱۳۷۱

داخل کشور	کشورهای همجوار کشورهای آسیایی	اروپا	قاره آمریکا	قاره اقیانوسیه
یک سال	۵۷۰۰ ریال	۸۲۰۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال	۹۱۵۰ ریال
۶ ماهه	۳۰۰۰ ریال	۴۱۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال	۴۵۰۰ ریال
			۱۱۰۰۰ ریال	۱۱۸۵۰ ریال
			۵۵۰۰ ریال	۵۹۰۰ ریال

● نحوه پرداخت حق اشتراک:

۱. مراجعه به دفتر مجله و پرداخت نقدی
۲. واریز در سراسر کشور به حساب جاری شماره ۲۳۰۲۷۷۵۵ بانک تجارت شعبه خیابان دکتر بهشتی شرقی، کد ۲۳۰ (در این صورت اصل رسید بانکی را همراه درخواست اشتراک به دفتر مجله بفرستید.)

● درخواستهای اشتراک را کامل، خوانا، و با ذکر کد پستی خود به نشانی زیر بفرستید:
تهران، خیابان دکتر بهشتی، بالاتر از چهارراه شهید قدوسی (قصر)، کوچه کورش، شماره ۲۹، کد پستی ۱۵۵۹۸، مجله «نگاه‌نو».

● تغییر نشانی خود را فوری، و دریافت نکردن مجله را ۱۰ روز پس از انتشار نگاه‌نو با تلفن یا نامه اطلاع دهید.

برگ درخواست اشتراک نگاه‌نو

نام:	نام خانوادگی:	میزان تحصیلات:
نشانی گیرنده:		
کد پستی:	تلفن:	شغل:
شروع اشتراک از ماه	سال	مبلغی که پرداخته‌ام:
ریال		
تاریخ و امضاء		

A Review of Art and Culture

Editor_in_Chief:
A. Dehbashi

Editorial Director:
K. Haj. Seyed, Djavadi

P.O.Box 13145/916
TEHRAN IRAN

کلیک از جمله مجلاتی است که درآمد اشتراک، نفسی به سختی می‌کشد و امیدواریم دوستان به ماندگاری آن علاقه داشته باشند و با اشتراک خود ما را در تداوم انتشار مجله یاری دهند.

شرایط اشتراک:

بهای اشتراک سالانه (۱۲ شماره) در داخل کشور (با احتساب هزینه پست) هزار و پانصد تومان است. برای مؤسسات و کتابخانه‌ها سه هزار تومان. متقاضیان وجه اشتراک را به حساب جاری ۵۲۸۲ بانک ملت شعبه بلوار کشاورز به نام علی دهباشی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با قید کد پستی) به نشانی: تهران - صندوق پستی ۹۱۶-۱۳۱۴۵ ارسال کنند.

شرایط اشتراک در خارج از کشور:

بهای اشتراک سالانه (۱۲ شماره) با احتساب هزینه پست هوایی برای آسیا و اروپا معادل شصت دلار.

برای آمریکا و کانادا (با احتساب هزینه پست هوایی) معادل شصت و پنج دلار.

هزینه اشتراک سالیانه مؤسسات و دانشگاهها در اروپا و آمریکا ۱۰۰ دلار. متقاضیان در خارج از کشور وجه اشتراک را به حساب ارزی شماره ۳/۹۱۰۱۸۳ بانک صادرات ایران شعبه فردوسی ۳ تهران به نام علی دهباشی حواله کنند و کپی آنرا برای مجله بفرستند.

مؤسسه فرهنگی هنری «آوا» در آلمان

برگزارکننده موفق ترین کنسرت ها برای چهره های شاخص موسیقی اصیل و ملی ایران، آماده است در این زمینه و در راه پخش آثار ارزشمند موسیقی کشورمان در اروپا، با رعایت کامل حقوق هنرمندان، با استادان و برجستگان موسیقی همکاری نزدیک داشته باشد.



« در مؤسسه «آوا» هدف ما اعتلای فرهنگ و هنر ریشه دار و دیرپای ایرانی است و کمر همت به خدمت هنرمندانی بسته ایم که در این راستا قدم بر می دارند. متأسفانه عرضه و پخش آثار موسیقی ایرانی در اروپا و آمریکا به دست عده ای سودجو، به ناپاکی و تقلب الوده شده است. آماده ایم با مدد هنرمندان، اندیشمندان و سرزنانگان ایران تا حد توان خود اشلقه بازار موجود را به مسیر قانونی و انسانی آن رهنمون باشیم.

« آوا » تاکنون با همکاری شرکت «دل آواز» نوارهای تصویری و صوتی متعددی منتشر ساخته است. از دوستداران موسیقی ایرانی نیز که مایلند حقوق هنرمندان حفظ شود، خواهشمندیم هنگام خرید این نوارها به آرم «آوا» یا «دل آواز» توجه داشته باشند و در مورد آثار دیگران نیز از خرید نوارهای تقلبی خودداری ورزند. با ما به نشانی زیر در آلمان تماس بگیرید:

AWA

Bingerstr. 11, 6500 Mainz 1, Germany

Tel.: 0049 - 6131 / 23 48 47, Fax: 0049 - 6131 / 23 71 31